

کارگران جهان متحد شوید!

۳۴ صفحه

۱۰۲

پیکار

♦♦♦ سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ بهار ۳۰ ریال

خجسته باد اول
ماه مه
روز همبستگی جهانی کارگران!



صد و یازدهمین سال تولد
ولادیمیر لنین :



لنین: آموزگار کبیر پروتاریا
لنینیسم: ستاره راهنمای
انقلاب سوسیالیستی

صفحه ۱۱

رژیم جمهوری اسلامی
۶۰۰ خانه زحمتکش
"گرمدره" را ویران کرد!

توده های ستم دیده ماکه هنوز خانه خرابی
خود توسط مزدوران رژیم شاه را آباد نکرده اند
و امروز شاهد خراب شدن خانه های خسود
توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی میباشند.
در ۲۲ فروردین پاسداران جنایتکار سا
جرتیل و بولدوز شروع به تخریب خانه های
مردم "گرمدره" نمودند. در مقابل این اقدام
خاشانه توده های ستم دیده دست به مقاومت
زده و با سنگ و چوب و با شعار "مرگ بر پاسدار"
به پاسداران حمله کردند. اما پاسداران با شلیک
هواپی و پرتاب گازتک آور به مردم حمله
نقشه در صفحه ۲۹

مبارزات طبقه کارگر در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی

صفحه ۱۵

روشنفکران و جنبش کمونیستی

صفحه ۲۱



دانشگاه تهران: مقاومت دلاورانه و خونین دانشجویان
انقلابی در اول اردیبهشت ۵۹

حماسه مقاومت اول اردیبهشت ۵۹ و سازمانهای سیاسی

صفحه ۲۵

سرمقاله

ضرورت اتحاد عمل انقلابی در برپایی جشن اول ماه مه

جشن اول ماه مه فرا میرسد. روز
اول ماه مه روز جهانی کارگران
در نبرد علیه سرمایه داری است در
این روز نیروهای کمونیست و
انقلابی میبایست با ایجاد یک
اتحاد عمل نیرومند، آلترنا تيو
انقلابی را در برابر هر دو جناح
رژیم و ریزبونیستها ارائه نمایند
و توده ها را بگردان به مبارزه
فرا خوانند. این اتحاد عمل، بویژه
اتحاد عمل کمونیستها در شرایط
کنونی که یک آلترنا تيو نیرومند
انقلابی مستقل وجود ندارد تا
توده ها بگردان جمع شوند، از
ضرورتی حیاتی برخوردار است.
ما میگوئیم با توضیح مختصرا بین
ضرورت بویژه در شرایط کنونی،
با تمایلات سکتاریستی که بدون
درک شرایط سیاسی حاضرخواهد
منافع خود را بر منافع جنبش
انقلابی خلق مقدم بشمارد، به
مقابل به بر خیزیم.

بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشيو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

سرمقاله...

شرایط سیاسی حاضر، شرایطی است که توده ها هر روز از رژیم جمهوری اسلامی و بیوزنه جناح حزبی آن بریده می بوند، اما بدلیل فقدان یک آلترنا تین و نیرومند انقلابی مستقل، عمدتاً دنباله رولیبیرالها شده و آنها را "آزادیخواه" تلقی مینمایند و در اذهان متوهم خودبینی مدررا "چاره ساز" بحران کنونی بنفع توده ها ارزیابی میکنند. این بدان معنی است که هرگاه قطب نیرومند انقلابی وجود داشته باشد، توده های کهنه شده از رژیم، در متن اوضاع عینی جنبش پیش رونده توده ای، به گرد این آلترنا تینو جمع شده و به پشتیبانی همه جا نبه از آن برخوانند. خاست از طرف دیگر نیروی دمکراتی نظییر مجاهدین به لحاظ نزولات خرده بورژواشی خود و فقدان یک آلترنا تین و نیرومند پرولتری به سوی لیبرالها روان گشته و به هموشی "تاکتیکی" با آنها پرداخته است. در کنایه چنین اوضاع بفرنجی، تلاش رویزیونیستهای اکثریت و توده ای برای فشرده تر نمودن صفوف خود به منظور حفظ حاکمیت رژیم و افزودن توده ها و پاشیدن سموم ایدئولوژیک - سیاسی خود در بین نیروهای انقلابی و کمونیست درخور توجه است. نیروهای انقلابی و کمونیست میبایست به منظور منفرد کردن این خائنین نیز بر روی ایجاد آلترنا تینو انقلابی تکیه ورزند.

در چنین شرایطی برای دستیابی به اهداف فوق، برای اراش آلترنا تین و نیرومند انقلابی مستقل برای توده ها در اول ماه مه، برای ایزوله نمودن رویزیونیستها، برای جذب مجاهدین بسوی دمکرا تسم پیگیر، اتحاد عمل نیروهای کمونیست و انقلابی از اولویت خاصی برخوردار است. امروز جنبش کمونیستی در شتت و تفرقه بسر میبرد، این شتت و تفرقه پاشنه آشیلی برای جنبش چپ است که باعث میگردد، رژیم حاکمیت خود را هر چه بیشتر تداوم بخشد، رویزیونیستها میدان عمل را برای غریبه زدن به پرولتاریا و انقلاب باز کرده و مجاهدین نیز به هموشی خود را لیبرالها همچنان اصرار ورزند. بنا بر این برای پیشرفت انقلاب بایست بن بست کنونی را شکسته و با تمام قدرت درآراش آلترنا تینو کمونیستی و انقلابی کوشید. بدون درک موقعیت خطیر کنونی، بدون درک ضرورت و نقش اتحاد عمل نیروهای انقلابی و کمونیستی در تداوم اهداف مورد نظر، هر نوع استدلال توجیه گرایانه ای جز عمارت پردازی پوچ که عملاً بسود بورژوازی و به زیان پرولتاریا و انقلاب تمام میشود، معنای دیگری ندارد. اما اگر بپذیریم که اتحاد عمل یک ضرورت مبرم است و خودداری از اتحاد عمل مشخص و تلاش برای انجام حرکت های مستقل در تمام شرایط، سکتاریستی بوده و عملاً رویزیونیست ها و

بورژوازی حاکم را از اینکه تلاشی آگاهانه در جهت متمرکز نمودن نیروهای چپ و انقلابی بعمل نمی آید، شاد میکند. پس میبایست مقتضیات این اتحاد عمل را ایجاد نمود. در اینجا بایاد بدور درک را ستروانه و چپ - روانه از مساله مقتضیات اتحاد عمل مرز بندی نمود. درک را ستروانه شرایط و مقتضیات تا مین یک اتحاد عمل را برای جلب صفوف نیروهای هر چه بیشتر چپان پاشین می آورد که عملاً پلاتفرم آن فاقد مضمون انقلابی میشود. محتوای پلاتفرم در مقابل رژیم حاکم باید بصورتی باشد که مضمون دمکراتیک - ضد امپریالیستی و بسیار دیگر مضمون انقلابی خویش را از دست ندهد. هر نوع نگرشی که مسئله مضمون سیاسی - انقلابی پلاتفرم که در مرز بندی با رژیم ضد انقلابی حاکم و رویزیونیست های ضد انقلابی مانند حزب توده و اکثریت "... مشخص میشود، را نا دیده انگارد و برای جلب همکاران حاضریه گذشت از سیاست انقلابی گردد، جزا زشکاری و فرهمیم چپیز دیگری را بنمایش نمی گذارد. از طرف دیگر هیچ اتحاد عملی نباید افاصول و میانیسی مودا اعتقاد دو خط و مشی نیروهای شرکت کننده در آن اتحاد عمل باشد و گرنه به بی پرنسیپی و اصول فروشی دچا رخا همیگشت. متقابلاً درک چپروانه ای وجود دارد که اتحاد عمل را بدون کوچکترین انعطاف گذشت و سازش تاکتیکی در شرایط معین تحقق پذیر میداند. چنین درکی میکوشد تا کلیه مواضع یک گروه را الزاماً در اتحاد عمل بگنجانند. چنین درکی هرگز قادر نخواهد بود به اتحاد عمل دست یابد.

اتحاد عمل در حقیقت با نقطه نظرات رژیم و مشترک مودتا شید طرفین - در صورتیکه این - "مخرج مشترک" عملت انقلابی خود را حفظ نماید - میتواند تحقق پذیرد. طبیعتاً هر نیروی خواهی که کوشید تا بطرق گوناگون، بی آنکه میانی

خطاب به رفقای سازمان:

رفقا! برگزاری مراسم در روز اول ماه مه بطور سراسری یک ضرورت جدی و امری سازمانی است. بدین لحاظ این مراسم در هر جا و به هر شکل بایستی برگزار شود. در این رابطه دو نکته قابل توجه است:

۱- ازدیدگاه سازمان شکل محوری و مرکزی برگزاری مراسم، تظاهرات خیابانی است. ۲- گرچه شکل مرکزی مراسم، تظاهرات خیابانی است، لیکن بهیچوجه دمگن نبوده و رفقای بایست با توجه به شرایط و موقعیت مشخصی که در هر منطقه و شهرستان وجود دارد، تحت شکل مناسب به اجرای مراسم بپردازند. موفق باشید!

سیاسی - ایدئولوژیک طرف مقابل را مورد نفی قرار دهد، آنرا ارتقاء داده و به مواضع خویش نزدیک نماید. این امر بایده ای است که در یک اتحاد عمل کاملاً مطلوب میتواند بدست آید. اما چنین مطلوبی هرگز نمیتواند شرط قرار گیرد. در نظر رژیم که مثلاً رهبری پرولتاریا در جبهه متحدان امپریالیستی ضرورت حتمی و قطعی پیروزی انقلاب است، اما هرگز هیچ کمونیستی نمیتواند شرکت خود را در جبهه موکول به پذیرفتن رهبریش از سوی سایر نیروها بنماید. هر نیروی میبایست بکوشد تا در جریان مبارزه، شایستگی رهبری خود را نشان داده، هموشی عملی خود را اعمال کند. بدین ترتیب تا مین رهبری رهبریتی از پیش نمیتواند شرط ورود در جبهه قرار گیرد. چه بسا یک نیرو مثلاً پرولتاریا نتواند رهبری عملی خویش را بر جبهه اعمال کند، اما این هرگز به معنی عدم شرکتش در جبهه و عدم تلاش برای تحقق این امر ضروری و مهم نخواهد بود.

اتحاد عمل همواره در بر دارنده نوعی سازش خواهد بود. اما این سازش، سازشی تاکتیکی و نه سازش در اصول اتحاد پرولتاریا و خرده بورژوازی انقلابی بر علیه دشمن مشترک فامن طرح برنا مه حداقل و نه حداکثر پرولتاریا است. پرولتاریا نمیتواند به قول حداکثر مواضع خود به اتحاد عمل و هموشی با خرده بورژوازی در طی مرحله انقلاب دمکراتیک بپردازد. از اینرو به سازش موقتی و مشروط بر علیه دشمن مشترک دست میزند و در دوره ای بجای طرح برنا مه حداکثر خود، حول برنا مه حداقل میکوشد تا نزدیکترین راه عملی را برای وصول به برنا مه حداکثر بهیما یابد. درک چپروانه، در پس پرده عمارت پردازی انقلابی، اگر چه در حرف خواهان تحقق حداکثر برنا مه پرولتاریا است، اما در عمل بانشناختن راه های وصول به آن که طبیعتاً سرشار از سازشهای موقت، انعطاف، نرمش و...

خواهد بود، تحقق برنا مه حداکثر خویش را در حد یک رویای شیرین و افا نه ای دست نیافتنی باقی نگاه خواهد داشت. بدین ترتیب در یک اتحاد عمل، اگر چه ممکن است نتوانیم مطلوبترین حالت ممکن را بدست آوریم و اگر چه ممکن است به قول پلاتفرمی که مجموعه مواضع ما را منعکس ننماید، نتوانیم گرد آشیمن و ناگزیر از انعطاف و نرمش گردیم، اما این بهیچوجه بدان معنی نیست که ما اصول فروشی نموده ایم چرا که بین نرمش و اصول فروشی اختلاف عمیقی وجود دارد. نرمش بدان معنی است که طرفین از طرح برخی خواسته ها و نظرات مودا اختلاف برای دستیابی به اتحاد خودداری ورزند، اما اصول فروشی بدان معنی است که نیروی پلاتفرمی را اضااف نماید که فاقد مواضع اصولی او باشد. بر اساس آنچه گفته شد، ما معتقدیم که ضرورت

بقیه در صفحه ۲۸

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آرشیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

جنبش کارگری



پیروزی کارگران ایران یاسا در گرفتن پاداش

اعتصاب و تحصن پیروزمند کارگران گمرک جنوب

در روز دوشنبه ۵۹/۱۲/۲۵ حدود ۸۰ تن از کارگران گمرک جنوب برای تحقق خواسته‌های برحقشان دست به اعتصاب زده و آنها را محوطه تخلیه کالاهای ترک‌گفته و در سالن ادا رهن متحصن می‌شوند، خواسته‌های آنها از جمله عبارت بود از پرداخت عیدی و پاداش پایان سال، "نمایندگی رسمی" کارگران برای آنکه این حرکت انقلابی را متوقف سازد، عوامفریبانه خطاب به کارگران گفت "به سرکارها بپایان بروید، چون موقعیت جنگی است و ضدا انقلاب سوء استفاده میکند"، اما فرباد اعتراض کارگران مبارزان را می‌خکوب ساخت، کارگران می‌گفتند تو نماینده ما نیستی اگر جنگ است برای همه هست، پس چرا یکی از بچه‌های بازاری‌ها و سرمایه‌دارها به جبهه نمی‌روند؟! ملا چرا مدیرکل نمی‌آید چرخ دستی بکشد، اگر یک روز آمد آنوقت می‌فهمد کارگران چه می‌کنند "کارگری از گران‌ترین ارزاق محبت کرد و گفت "تا ما درسوخته‌ایمان بهمانیم، اینها به ما اجاف می‌کنند، با پدیریون بیاییم و حقمان را بگیریم" هر یک اعتراض خود را بطریقی بیان می‌کردند در اشراف و مت کارگران مبارزان که تا ساعت ۱۲ طول کشید، از سوی دفتر تبلیغات اما یک حجت الاسلام به گمرک آمد تا با نمایندگان عوامفریبی بتواند کارگران را از تصمیم قاطعانه‌شان بازدارد، اما کارگران مبارزان با فشاری بر روی خواسته‌های خود توانستند عمل رژیم را به عقب نشینی وادار کرده و بخشی از خواسته‌های خود (پرداخت عیدی) را به‌کری بشناسند، فردای آنروز عیدی کارگران پرداخت شد، آنکه کارگران نمایندگان از میان خود انتخاب کردند تا برای دریافت پاداش پایان سال همچنان به مبارزه خود ادامه بدهند.

خبری از صنایع دفاع

بدن مال اقدام به تشویق مهندسان و افسران مجتمع شیمیائی پارسین (از مجتمع‌های صنایع دفاع) از سوی مدیریت این واحد "سرنگ دبیری اسکوتی"، پرسنل زحمات درجائین در روز ۶۰/۱/۱۸ دست به کم‌کاری و اعتصاب غیر-متشکل زدند، اگرچه در این مجتمع خطرناک‌ترین و سنگین‌ترین کارها از جمله ساختن مواد منفجره برداش پرسنل زحمات میباشند، اما در مقابل آنها از کمترین حقوق برخوردار هستند، عمال رژیم در این مجتمع از سوئی شیرجه‌ان این

روز ۱۵ فروردین که اولین روز کار در سال جدید بود، با اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران مواجه گردید. مدیران پاداش کارگران را به "قرض الحسنه" تغییر داده و با آن موافقت می‌کنند! اما کارگران که با این همه بی‌ثباتی مدیران کارخانه مواجه می‌شوند، خشمگین شده و در ساختمان اداری اجتماع می‌کنند، آنها خواهان پاسخ فوری مدیران به خواسته‌شان می‌شوند. بدین ترتیب زما اینکه نوکران سرمایه با اراده استوار کارگران مواجه می‌شوند، با تطبیق شورای قلابی کارخانه اعلام می‌کنند که مدیران با خواست کارگران موافقت کرده اند و پول فردا پرداخت می‌شود. آن روز کارگران بر سر کار نمی‌روند. روز بعد کارگران با حمله گشتی دیگری از جانب مدیران "مکتبی" رژیم مواجه می‌شوند. آنها جلوی پرداخت پول را گرفته بودند. کارگران مجدداً اجتماع می‌کنند و بعد از آنکه شورا را وادار به دادن تسهیل نسبت به پرداخت پاداش می‌کنند، رفته و روز بعد بر سر کار نمی‌روند تا اینکه سرانجام بعد از حمله گریهای بسیار مدیران و شورای ضد کارگری، حق خود را روز ۱/۱۸ دریافت می‌کنند.

قبل از عید کارگران کارخانه ایران با سایر مراجعات متعددی "شورا" خواهان پرداخت بود و عیدی بودند، تا اینکه بعد از صحبت‌های زیاد با مدیران "مکتبی" قرار شد علاوه بر دو ماه عیدی با بت تولید که نسبت به گذشته چند برابر شده بود، مبلغ ۳۰۰۰ تومان نیز به هر کارگری پرداخت شود و مهلت پرداخت هم روز ۲۷ اسفند تعیین شد. اما در این روز خبری نشد و لذا کارگران روز بعد دست از کار کشیدند. مدیران از ترس کارگران از روز چهارشنبه به کارخانه نیامده بودند و در وزارت کار ماندند. کارگران تا ساعت ۵ بعد از ظهر منتظر ماندند و سپس به خانه می‌روند تا عید را با دست خالی در کنار فرزندانشان بگذرانند. تنها ۵ نفر از کارگران شیفت ۲ در کارخانه مانده بودند که ساعت ۷ بعد از ظهر مدیران به کارخانه می‌آمد و سعی می‌کنند با پرداخت مبلغ هزار تومان به عنوان "وجه الحسنه" به این عده، هم‌خواست اصلی کارگران را مخدوش نمایند و هم یکپارچگی کارگران را از بین ببرند ولی عدم قبول کارگران و اعتراضات به‌دیسر آمدن مدیران، نیز این جیره‌خواران ضد کارگری رژیم را به سنگ کوبید!

از شروع جنگ تاکنون در کارخانجات چه می‌گذرد؟

دا رودسته حزب جمهوری کاملاً در میان کارگران افشا شده و هیچ‌گونه پایداری نداشتند. کارگران در این در میان توانسته بودند ۴۰ ساعت کار در هفته را به اجرا گذاشته و مبارزات خود را بر علیه عناصر ضد کارگری در دستور کار، افشا، با هیئت انجمن اسلامی، افشاء دزدیهای کلان هیئت مدیره پیش برده و برای گرفتن سود ویژه دست به مبارزه زدند. در چنین شرایطی جنگ ارتجاعی ایران و عراق در می‌گیرد و رژیم ایران با براندازان خشن تبلیغات شوونیستی و با سوءاستفاده از احساسات وطن پرستانه کارگران، مبارزات آنها را موقتاً منحرف کرده و تا مدتی به رکود بکشد. عمال رژیم در گروه صنعتی، نظیر انجمن‌های اسلامی به جنب و جوش افتاد و به تشکیل کلاسهای بسیج بقیه در صفحه ۴

ب- رشته کفش سازی - گروه صنعتی کفش ملی: این مجتمع تولیدی بین ۱۲ تا ۱۴ هزار نفر کارگر دارد که در ۲۴ شرکت مختلف مستقل از حیث سرویس، رستوران، انتظامات و... کار می‌کنند، شورای مرکزی کل گروه جمعا از ۴۴ نفر نماینده شرکت‌های مختلف تشکیل می‌شود و هر شرکت نیز خود شورای مستقلی دارد. اکثریت نمایندگان شورا وابسته به رژیم و سازگارند و تنها اقلیتی از افراد مبارز و مترقی در آن وجود دارد. قبل از جنگ توهم کارگران نسبت به رژیم شدیداً فرو ریخته بود و تنها بنی مدیران عوامفریبی - های "آزادخواهان" توانسته بودند تا حدودی توهم جدیدی را در میان کارگران دامنه بزنند. انجمنهای اسلامی، این مراکز جاسوسی

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



وا اعتراض به طرح دولت در کاخانه مطرح میشود این مبارزات ابتدا به شکل پراکنده و سپس به شکل یکپارچه و متحدانه اوج میگیرند. کمکاری به جلوگیری از خروج محصولات و سرانجام به تحن و راهپیمایی و اعتصاب کشیده میشود. چندین هزار کارگر گروه صنعتی کفش ملی به مبارزه با شکوه ترعلیه رژیم سرما یه داری حاکم دست زده پشت ارتجاع را بلرزه میاندازند. در جریان اعتراضاتشان ۹ نفر از نمایندگان شان توسط پاسداران دستگیر میشوند و به این دلیل کارگران ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره را متقابلاً به گروگان میگیرند. رژیم وحشیانه به سرکوب کارگران متحن پرداخته و بسیاری را مجروح و مضروب میکند. اما کارگران دلاورانه به مقاومت خود ادامه میدهند. اما بسیاری از کارگران مبارز در این جریان دستگیر میشوند. بدین ترتیب شاهدیم چگونه با فروپاشی توطئهات کارگران نسبت به جنگ ارتجاعی کنونی، مبارزاتشان اوج میگیرد. این مسئله ضرورت کارگاهها را که هرچه بیشتر و سازماندهی هرچه سریعتر مبارزات خود بخود کارگران را بعنوان وظیفه تخطی ناپذیر کمونیستها مطرح میسازد.

(*) - اخبار دقیق این مبارزات در شماره های گذشته "پیکار" درج شده اند.

بقیه از صفحه ۳۰ رفیق پیشمرگه ... از وجود مزدوران جمهوری اسلامی بشهادت رسید. وجود چنین کمونیستهای قهرمان و پیشمرگه های دلاور است که سبب گشته خلق قهرمان کرد علی رغم سرکوبها و کشتارهای رژیم و علی رغم سیاستهای خائنانه حزب دمکرات همچنان فریاد رزم برآوردند که "هر خانه مان سنگری، هر دستان مسلسل، هر قلبمان نارنجکی و..." با داکا کریم در دل همه توده های زحمتکش زنده خواهد ماند!

بکروز حقوفشان برفع جبهه های جنگ، اعتراض کرده و مانع از اجرای آن میشوند. دوره رگود مبارزات کارگران بیش از سه هفته بعد از جنگ طول نکشید و پس از آن مبارزات کارگران به اشکال کم و بیش پراکنده و متلا در راه مبارزه با حاکمیت ساعات کار و ساعت کار و امنیت کارگران در شرایط جنگی، ادا می یافت، تا اینکه پس از مدتی ما شاهد اوج گیری مبارزات کارگران حول خواستهایی چون "حق تولید"، اخراج فورمها و سود ویژه میباشیم. تلاشهای مزدوران رژیم نظیر انجمنهای اسلامی مبنی بر آوردن مرتجعین چون "فلسفی" برای صحبت کردن درباره "فخیرات" جنگ و یا دعوت از خلع خالی جلاد برای سخنرانی و پس از آنجا مدین او تلاش پای موفقشان برای برگزاری نماز جماعت و وادار کردن کارگران به دادن شعار برفع خمینی و جنگ، با شکست مواجه گردیدند.

اختلافات درونی رژیم به کارخانه نیوز کشیده شد و هیئت مدیره لیبرال برفع هیئت مدیره "مکتبی" از کار برکنار شد و به عنوان یک قلمدها میلیون تومان دزدی هیئت مدیره قبلی برملا شد. بطور کلی قدرت حزبها در کارخانه افزایش یافت، اما این مسئله تفصیری در رشد مبارزات کارگران نداشت. از همان اواخر جنگ، کارگران شرکت استاندارد، برای اخراج فورمهای مزدور دست به اعتراض موفقیت آمیزی زدند. سپس بعد از قطع پرداخت وام کارگران و در عوض پرداخت به کارمندان عالیرتبه، اعتراض کارگران موفق به لغو این حکم شده و در بخش گاز بورخواهان اعمال کنترل بر تولید میشوند. همچنین کارگران شرکت گاز بور برای گرفتن "حق تولید" دست به مبارزه میزنند و چون یکی از کارگران توسط کمیته مستقر در کارخانه دستگیر میشود، آنها به کمیته حمله ور شده و رفیق خود را آزاد میسازند. (*) سرتانجام مبارزات نزدیک شدن عید مسئله سود ویژه

جنبش کارگری

زحمتکشان را می کنند و بیشترین فشارها و تضیقات را در مورد آنها اعمال میکنند، و از سوی دیگر با تقدیر از مهندسان و افسران، میگویند با تفرقه اندازی در میان آنها، به تریبون استفاده را بربند. هنگامیکه سرهنگ اسکوتی اسامی تشویق شدگان را قرائت میکرد، پرسنل زحمتکش معترضاندهای را هو کرده و حتی عده ای بطرف وی هجوم بردند. او که اوضاع را نامناسب دید پرسنل را به صبر و بردباری دعوت نمود و اینکه نباید بدخبات (بخوان کمکاری) کرد، بلکه باید در راه خدا کار کرد. سپس "واعظی" مرتجع آخوند کاخانه ورش "سیا-ایدشولوزیک" با گفتن چند ملوات و دادن وعده رسیدگی به شکایات کارکنان زحمتکش، خواست سروسه قضیه را هم بیاورد. اما او هم نتوانست کاری از پیش ببرد و بالاخره با تفاهت سرهنگ اسکوتی به ساختمان مرکزی رفت این حرکت اعتراضی بعلمت عدم آگاهی پرسنل و نبود حداقل تشکل در همین سطح باقی ماند. اما چون از تاریخ ۶۰/۱/۱۶ ساعت کار روزانه یک ساعت اضافه و تعطیل پنجشنبه ها هم حذف شده است، حرکات اعتراضی پراکنده ای صورت میگیرد. در این میان "شورای کارکنان صنایع دفاع" دست در دست مدیریت مرتجع سرهنگ اسکوتی سابق (دکتر مهندس اسکوتی فعلی!) از سوشی فمالان در پی شکا و پرسنل انقلابی و مبارزه بوده و از سوی دیگر به اجافات و تضییقات علیه پرسنل زحمتکش ادامه میدهند.

از شروع ...

آموزش نظامی و ایدشولوزیک پرداخته اند. آنها از فرصت استفاده کرده و تبلیغات فراوانی بر علیه کارگران انقلابی و کمونیست برپا انداختند. همچنین شرایط مادی بوجود آمده مدیریت، انجمن اسلامی، نمایندگان خائن شوراها و سایر مزدوران سرما به فشار کار را شدید کرده و به درجه استشاریان بیا فزایند. مقررات شدید انضباطی برای اجرای ساعات کار رعایت شده و جوخقان بر کارخانه حاکم میشود. چنگا رگر مبارزین بر بعلمت فعالیتهای افشاگرانه و بخش اعلامیه اخراج و بیه شرکتی دیگر منتقل میشوند.

با اجرای مقررات خاموشی قسمتهایی که به شیفته بودند، ۲ شیفت کار میکنند و برای بالا بردن تولید مدیریت تصمیم به تغییر ساعات کار و کار در روزهای پنجشنبه میگیرد. که بر اثر مخالفت و اعتراض کارگران این تصمیم را لغو میکند. همچنین کارگران به سرکردن اجباری

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

آرشو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

خلق ها و مسئله ملی



توطئه مرتجعین بر علیه پیشمرگان سازمانهای انقلابی در کردستان

کامیاران روستای طاء - ۶۰/۱/۱۹ - هر روز که از عمر جنبش مقاومت می گذارد آگاهتر شدن زحمتکشان کردیه منافع خویش و حمایت هر چه بیشترشان از پیشمرگان انقلابی، نیروهای مرتجع و سازشکار را هر چه بیشتر به وحشت می اندازد. کارآگاهان نهوا انقلابی پیشمرگان که هدفشان دفاع از حقوق زحمتکشان میباشند و استقبال و پذیرش توده ها از این اعمال انقلابی مرتجعین را وادار می سازد تا به فکر تفرقه در میان خلق کرد و جدائی بین زحمتکشان و نیروهای انقلابی بیافتند و در این کار از هیچ جنايت و عمل زشتی رویگردان نباشند. نمونه زیرگویای آشکار یکی از این توطئه ها میباشند که در ارتباط مستقیم با نقشه جاها و با سداران صورت گرفته است. این نمونه نشان دهنده یکی از شیوه های معمول ارتجاع حاکم است که بارها با آن روبرو بوده ایم. شیوه ای که میخواهد از طریق فشار بر مردم و ترساندن زحمتکشان و جا شگیری از میان افراد مرتجع، برای رژیم هوادار جمع کرده و پیشمرگان را از حمایت بیدریغ خلق محروم سازد.

شب روز سه شنبه به مناسبت چهلمین روز شهادت سرتن از رفقای ما که در بوکان به دست حزب دمکرات شهید شدند، مراسمی از طرف سازمان ما و با شرکت رفقای کومله و زحمتکشان در مسجد آبادی "طاء" برگزار میشود. در جریان سخنرانی یکی از پیشمرگان ما، عسدهای از هواداران شیخ حبیب الله و حزب دمکرات، ضمن توهین به شهدای نیروهای انقلابی، مراسم را شلوغ کرده و به هم میزنند. بعد از پایان مراسم عده ای از مرتجعین آبادی، در خانه شیخ حبیب الله جمع شده و نقشه حمله به مقر سازمانهای انقلابی را میریزند. آنها برای اجرای چنین کاری عده ای از هواداران خود را شبانه از روستاهای اطراف به "طاء" می آورند. (لازم به توضیح است که شیخ حبیب الله، فردی مالک و مرتجع میباشد. این فرد که در میان زحمتکشان "طاء" پاپه ای ندارد بارها به اذیت و آزار آنان پرداخته است، بطوریکه سه سال پیش عده ای از اهالی را مجبور میکنند که در گوشه ای دیگر از آبادی (قسمتهای کناری) خانه بسازند. از زمانی که نیروهای انقلابی در "طاء" فعالیت داشته اند شیخ کاملاً پاپه ای خود را از دست داده و این موجب نگرانی اش شده است چرا که بسیاری از

ضربه سنگین پیشمرگان پیکار به مزدوران ارتشی و پاسدار در کامیاران و منطقه سقز - بانه

توپ و خمپاره میکوبید و ۴ فروند هلی کوپتر نیز وارد درگیری شدند، پیشمرگان با روحیه ای عالی و با آرامی از محل درگیری بسوی پایگاه های خود عقب نشینی نمودند. در این نبرد دلاوران هیچگونه آسیبی به پیشمرگان نرسید، بعد از عقب نشینی پیشمرگان، نیروهای کمکی دشمن با حمایت هلی کوپتر تا ساعت ۲ بعد از ظهر اطراف محل درگیری را با سلاحهای مختلف می کوبیدند. که در اثر این عمل جنايتکاران نه یک زحمتکش روستائی بشهادت رسید و یک نفر نیز زخمی گردید. مزدوران ارتجاع برای جمع آوری اجساد کشته شدگان و مجروحین و انتقال مالشینه های آسیب دیده، مسافرین جا ده ها هالی روستا ها را برای حفاظت از جان خود به زور به محل درگیری آورده و آنها را سربو خود می نمودند، به گفته یکی از مسافرین که شاهدی می باشد بود، تعداد کشته شدگان دشمن بیش از ۱۰ نفر بوده و تعداد زیادی نیز زخمی شده بودند، یکی از کشته شدگان یک جا ش بانه ای بود. پیشمرگان بعد از این پیروزی به هنگام بازگشت به پایگاه های خویش مورد استقبال گرم مردم روستا های اطراف قرار گرفتند.

پیشمرگان قهرمان پیکار دسته های شهید طاهرو شهید باقی (ازیل شهید کمال) طی نبردی دلاورانه در جا ده سقز - بانه ضرباتی سنگین به نیروهای دشمن وارد آوردند. در روز ۱۳/۱/۶۰ پس از دو روز کمین گذاری پیشمرگان در دره حمزه قرنیسان (بین پایگاه های سیا دروگردنه خان) حدود ساعت ۱۱/۵ صبح ستونی از نیروهای دشمن متشکل از یک لندرو و فرماندهی ۴۰ زبیل ارتشی، ۲۰ اتوبوس حامل افراد ارتشی و سیج و ۶ کامیون خواروبار، تا نکر حامل مواد سوختی به محل کمین رسید. ستون مذکور بعد از رسیدن به محل کمین، مواجبه تله های انفجاری پیشمرگان که از سه طرف کار گذاشته شده بودند گردید که منجر به از کار افتادن لندرو و فرماندهی و یک زبیل ارتشی گردید. بقیه ستون نیز بلافاصله مورد حمله سلاحهای سبک و تانک - انداز پیشمرگان قرار گرفت. در ابتدا افراد دشمن که متشکل از افراد ارتشی، پاسدار و جاش بودند، سراسیمه و هراسناک از این حمله غافل گیرا نه نتوانستند هیچگونه عکس العملی از خود نشان دهند. بعد از حدود یک ساعت کوبیدن آنها، در حالیکه پاسگاه "سیادر" منطقه درگیری را با

اطلاعیه دفتر سید عزالدین حسینی درباره دروغ پراکنی منظم رادیو صدای آمریکا

۱- بخش مطلب مذکور عمداً هم زمان و در رابطه با اظهارات صادق حسین درباره مباحث اسلام آمادگی رژیم فاشیست بعث جهت کمک به جنبش های داخل ایران از جمله جنبش مقاومت خلق کرد صورت گرفته است.

۲- مواضع ما موستاراجع به رژیم بعث عراق، جنگ ارتجاعی حاضر و ضرورت مبارزه با وابستگی در جنبش مقاومت در همه سخنرانیها و اعلامیه های ایشان بخصوص در بیانیه دوم بهمن ماه ۵۹ (دووی ربه ندان) بوضوح بیان گردیده است. ما موستاراجع به عزالدین حسینی هرگونه وابستگی بقیه در صفحه ۶

در چند ماه پیش رادیو امپریا لیستی صدای آمریکا خبرنا درستی درباره ما موستاراجع - عزالدین حسینی در رابطه با نامه اعلام خود - مختاری کردستان بخش کرد که بلافاصله از طرف این دفتر تکذیب گردید (اطلاعیه دفتر سید عزالدین حسینی ۵۹/۱۰/۱۲). این روزها مجدداً رادیو صدای آمریکا دست به دروغ پراکنی های جدیدی از جمله "ملاقات ما موستاراجع با یکی از مقامات نظامی عراق" زده است.

دفتر سید عزالدین حسینی خبر را قویاً تکذیب کرده و نکات ذیل را به اطلاع هم میهنان مبارز و خلق رزمنده کرد میرساند:

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



مردم در طی این مدت حقوق پامال شده خود را از او پس گرفته اند

بهر صورت صبح فردای آروز (چهارشنبه ۶۰/۱/۱۹) طرفداران شیخ نه همراه عده ای از هواداران حزب دمکرات، ابتدا خانه دوتن از پیشمرگان زحمتکش ما را محاصره میکنند که با مقاومت پیشمرگان زحمتکش، کاری نمیتوانند بکنند پس آنها همراه با عده ای زن و بچه و افراد نا آگاه فربخورد با سنگ و چوب و اسلحه به طرف مقر ما یورش می آورند. پیشمرگان ما به علت موقعیت مقرر برای اینکه عده ای زن و بچه فربخورد گشته شوند، تیراندازی هواشی کرده و ضمن تخلیه مقر عقب نشینی میکنند و تمام بلندبهای آبادی را میگیرند بعد از عقب نشینی پیشمرگان آنها وارد مقر شده، شیشه ها را می شکنند و اموال جزئی پیشمرگان را به غارت می برند. دارو دسته شیخ بعد از تخریب مقر ما به طرف مقرر زندگان میروند که با تیراندازی رفقای زندگان و کومله مجبوره عقب نشینی می شوند. در جریان این تیراندازی یک نفر از هواداران کومله بنام کاک نریمان (۷ ساله) شهید میشود شیخ که شدت از این جریان است ترسیده بود بلافاصله دارو دسته اش را جمع کرده و از ده فرار میکند.

بعد از رفتن شیخ، پیشمرگان به ده برگشته با استقبال مردم روبرو میشوند، مقر را دایر کرده و اخطار میکنند که هر چه زود تر افرادی که وسایل مقرر برده اند باید به پیشمرگان بازگردانند و در غیر این صورت با عکس العمل شدید روبرو خواهند شد. بهر صورت بعد از این جریانات سخن عمده و وسایل به مقر برگردانده میشود و نامها با فرستادن افراد مختلف جریان را توضیح میدهند. از جمله اینکه شیخ با زور تهدید مردم را برای حمله به مقر بسیج نموده بوده است، این مسئله را حتی مردم آبادیهای اطراف نیز توضیح میدهند. آنها که خود شدیداً از این حرکت ابراز تنفر میکردند توضیحشان این بود که می ترسیدیم شیخ خانه مان را ویران کند یا اینکه ما را مجبور به کوچ کردن نماید. همه آنها نشان میدادند که عنا مرتجع با زور و حمله مردم را بسیج کرده بودند.

بعد از ظهر این روز طی جلسه ای، نیروهای انقلابی (کومله - پیکار - رزمندگان) تصمیم میگیرند که عده ای از عوامل اصلی این اوضاع را دستگیر کنند. که حبس دستگیری دوشنوار عوامل اصلی آنها دست به مقاومت زده و کشته میشوند از طرف دیگر مردم روستاهای اطراف - تنخوا روستای شاهین - سنج - را که فرا گرفته بود بدروسی خود را می دهند و از این حرکت ضد انقلابی که مستقیماً در خدمت جاش و بیداری -

اطلاعیه

بخصوص وابستگی و همکاری با رژیم بعث عراق را که دشمن دیرینه خلق کرد است به زبان جنبش دانسته و آنرا اکیداً محکوم نموده است. جنبش ارتجاعی ایران و عراق نیز که اخیراً شدت بیشتری هم یافته، هیچگونه تغییر در موضع اصولی ما موستانده است. اظهارات صدام حسین بخشی از همین جنگ ارتجاعی است و گر نه این جلاد خلق کرد که با تفاق شاه خائن قرارداد شوم ۱۹۷۵ الجزایر امضاء نموده و جنبش حق طلبانه کردستان را به وحشیانه ترین شیوه سرکوب کرده و میکند، چگونه میتوانند از جنبشهای حق طلبانه خلقها، بخصوص جنبش مقاومت خلق کرد در کردستان ایران پشتیبانی کنند؟! چگونه اظهارات پرسرو صدا در حقیقت بخاطر آن است که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را وادار سازد تا با صلح و سازش ارتجاعی دیگری با لاتفاق برای سرکوب جنبش رشدیابنده ملت کرد قرارداد شوم دیگری امضاء نماید. خلق کرد و نیروهای انقلابی جنبش مقاومت به خوبی نشان دادند که میتوانند با انگاه به نیروی خود و به دور از هر گونه وابستگی، پیروزی جنبش مقاومت را بر سر سرکوبگران رژیم ضد خلقی جمهوری تا میسار نمایند.

۳- توجه خلق قهرمان کرد و کلیه آزادیخواهان ایران را به این نکته جلب میکنیم که وادیو امپریالیستی خدای آمریکا با دروغ پراکنشی منظم در مورد جنبش مقاومت خلق کرد آنگاراً هدفی جز مخدوش کردن اذهان عمومی نیست به جنبش عادلانه ما و ایجاد تفرقه، بدبینی و تزلزل در وحدت مبارزاتی خلقهای ایران ندارد. اما جنبش خلق کرد، جنبشی است اصل که این باوه - گوشه خدشهای برخاسته از آن وارد نخواهد ساخت.

۴- این قبیل تبلیغات امپریالیستی عملاً در خدمت رژیم جمهوری اسلامی میباشد و متقابلاً سیاست سرکوبگرانه رژیم، محاصره نظامی کردستان، برقراری سانسور و خفانها شیطانی در سراسر کشور نیز به بخش اشاعه این گونه شبهه سمیهای ارتجاعی و امپریالیستی کمک می نماید. بدین ترتیب توافق و همدستی امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در دشمنی با جنبش مقاومت خلق کرد آشکارتر میگردد.

دفتر سید غزال الدین حسینی

۵۹/۱۲/۲۸

با شدت از تنفر میکنند.

این واقعیت که در ارتباط مستقیم با آنها و با ابدان صورت میگرد مثل بسیاری از بوته های دیگر: رنجاع، در اثر جنبشهای رزمندگان و نیروهای انقلابی عظیمی مانند رزمندگان با حمایت و تأیید حرکات انقلابی بشهرکشان و اسرا ز تنفر نسبت به شیخ حبیب الله مشبح می بردهان توطئه گران میزنند.

۶۰/۱/۲۸

بقیه از صفحه ۲۲ پیرامون

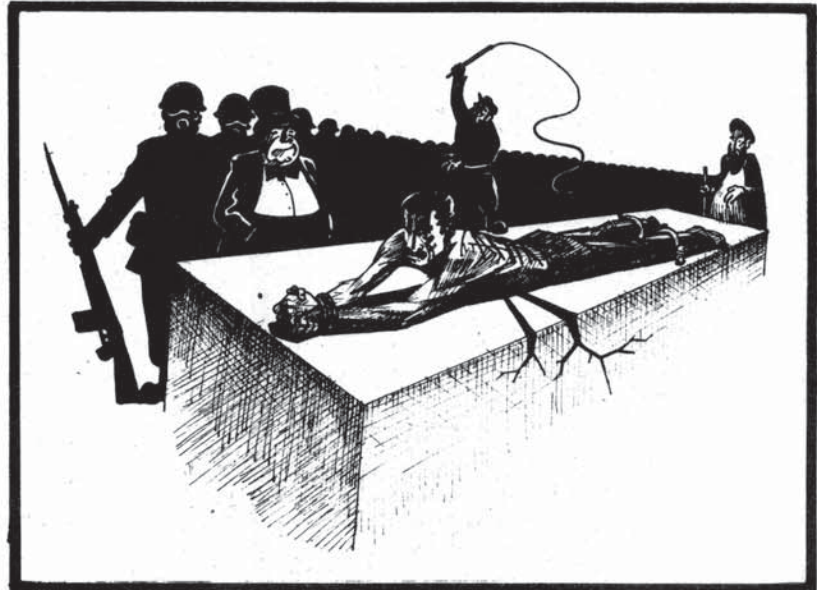
حرکت در آوردن چرخهای رنگ زده سرما به داری حاکم باشد، به میدان آمده بودند. و این چیزی بود که از نظر لیبرالها در بازی بر ما به داری وابسته و به گردش در آوردن چرخهای آن، اخلاص اینجا دمیکرد. پس از تحقق هدف مشترک اول انگیزه دوم منای شکلگیری اختلاف میان دو جناح گردید. و از آن پس همواره به یکی از موارد اختلاف دو جناح تبدیل شده است. در طی این مدت همواره لیبرالها به جناح دیگر در جهت باز کردن دانشگاهها و بنکها را انداختن این نهاد در جهت مطلوب سرما به داری، فشار وارد میکردند.

اکنون پس از گذشت یکسال و در حالیکه تمام تلاشهای ستاد با ملاحظه انقلاب فرهنگی در جهت "تغییر نظام آموزشی" به نفع اتوبی هسای ارتجاعی خودشان به شکست و بن بست انجامیده است، رهبران جمهوری اسلامی از خواب گران خود سربلند میکنند و بناچار بر واقعیت ها و ارزشهای سرما به داری نه کام گردان میگذازند. آنها در پیافته اند، چرخ نظام حاکم، بنیای زمین کادرها و نیروهای انسانی متخصص و کارآمد بورژوازی است. آنها بتدریج در می یابند که واقعیت های سرما به داری ایران، فراتر از اتوبی ها و اوها و ارتجاعی و خیال پردازانه

آنها، خوشتر را تحمیل میکند. آنها در می یابند که حفظ موجودیت رژیم حاکم و نظام موجود غرور و با سخوئی به این بنا زها و گردن گذاشتن به این واقعیت ها را طلب میکند. به همین دلیل است که اگر در گذشته فربا دمیزند که تا دانشگاه از "آبادی شرق و غرب" تصفیه نشود، و تا "نظام آموزشی استعماری" دگرگون نشود دانشگاهها با زخوها دهند، امروز پس از شکست تلاشها بسان، و البته پس از تصفیه ضد انقلابی بسیاری از عناصر مبارز، آگاهان دانش دانشگاهی، بدون آنکه تغییر اساسی در نظام آموزشی استعماری صورت گرفته باشد، فرمان بازگشتی دانشگاه را ما در میگردانند و با تغییر صد و هشتاد درجه ای موضع خود میگویند: "ما مانع از بازگشت دانشگاهها به رگناشی دانشگاهها مرحله ای انجام نگیرد پس از بازگشتی اطلاعات لازم بغیریت انجام گیرد." (به نقل از سخنان فارسی پس از ملاقات با خمینی - جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۴ فروردین)

پای، رژیم جمهوری اسلامی، یکسال پس از کشتار دانشجویان مبارز و انقلابی، تعطیلی دانشگاهها و تصفیه عناصر مبارز و انقلابی دانشگاهی، به سمت بازگشتی دانشگاهها میروند تا با شکست این نهاد را مجدداً به خدمت نیازهای ارتجاعی نظام حاکم در آورد و البته با این خیال که دیگر به محلی برای ورود دانشجویان و دانشگاهیان مبارز و انقلابی و کانونی جهت روشنگری، آگاهی و فعالیت انقلابی تبدیل نگردد. اما بدون شک علیرغم تمام تلاشها و وقید و بندهای ارتجاعی رژیم در جهت این هدف جوانه های انقلاب با زهم بتدریج از دانشگاه سیرون خواهد آورد. این منطق مبارزه طبقاتی است. و رژیم نمیتواند بنا چنین منطقی به ستیز در آید. مگر آنکه با زهم دانشگاهها را به تعطیلی بکشد!

شکنجه انقلابیون: مایه افتخار جمهوری اسلامی!



است" (جمهوری اسلامی - ۶۰/۱/۲۴)
از دیدن این ساواکی "مکتبی" ترور
دومجا هدا سیردرقزوین
ورا سر (درههین هفته های اخیر) ترور کمونیت
- های قهرمان رفقای پیکارگرما لحنی را د و
سجم الدینی در شیربیزور فداشی جها نگیر
قلعه میا ندوآب و... پس از شکنجه در زندانها ،
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، محرومیت
بیشتر زندانها ن کمونیت - مثلا بیش از ۴۰
روز در زندان اوین - از شستشو ، حمام و رفیع
شیا زهای روزانه و نداشتن غذا و امکانات
بهداشتی "افتخار جمهوری اسلامی" است ، شکنجه
پیکارگر کمونیت رفیق محمود صمدی (بنا به
تصدیق پزشکی قانونی) و تبریرا ران او "افتخار
جمهوری اسلامی" است ، تجاوز با سارا ران به
دختران قهرمان کرد در سرنهچ ، و تهران "افتخار
جمهوری اسلامی" است ، لخت کردن توام با توهین
زندانها ن انقلابی هنگام ملاقات و برای تفتیش
بدنی آنان "افتخار جمهوری اسلامی" است ،
زندانی کردن کمونیت ها و انقلابیون پس از
پایان محکومیت شان "افتخار جمهوری اسلامی"
است ، جلوگیری از تردد زندانها ن انقلابی و
شرکت آنان در کارهای روزمره زندان (برای
آزار آنها و محبوس کردنشان در محیط بسته)
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، سوزاندن بدن
انقلابیون و نوشتن درود بر خمینی با آتش سیگار
بریدن یک مجا هذندانی در شیراز "افتخار
جمهوری اسلامی" است ، شکنجه روزمره زندانها ن
انقلابی بدست پاسدارانی بنا میهای شیراز ،
بهرام ، حسین ، منصور و نظری در زندان اوین
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، بهاره کردن
شکم یک زندانی انقلابی در شکنجه در شیراز
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، و... و اگر تمام
افتخارات این چنینی جمهوری اسلامی را
بشماریم منشوی هفتاد من کا غشود! وبا وجود
این شکنجه و آزارها و ترورهای آشکارا انقلابیون
و کمونیت ها ، مرتجعسی چون بشارتی ساواکی
نعره میکشد که: "... با شما مت وشجاعت میگویم
که در زندانهای جمهوری اسلامی شکنجه نیست و"
البته شما هدم میآورد: "من از یکی از زندانها ن
پرسیدم آیا شکنجه شده ای؟ گفت با بدست
مسئولان را بوسید و گفت شب های جمعه یک اطاق
برای من و خانواده ام خلوت میکنند" ، این
دست پرورده ساواک که اینک بدروغ خود را
"نبا بنده مردم" میخواند ، اگر راست میگوید نام
و نشان این زندانی را هم بدهد ، مردم آگاه به
خوبی میدانند که در زندانهای جمهوری اسلامی
هستند مزدورانی چون احمد رضا کریمی خاشن
ساواکی و همکار "پیشین" بشارتی وبا زجوی رفیق
شهید شهرام که بخاطر خوش رقصی ها بش ملاقاتهای
"شیا نه" داشت و (شا بدهم دار د) و حتما نظا بر
بقیه در صفحه ۸

تحقیقات "کا ملا روشن است ، به زعم ارتجاع نه
تنها در زندانها از شکنجه خبری نیست بلکه
این انقلابیون زندانی هستند که پاسداران
زندانها ن را شکنجه میدهند! (جل الخالق !!)
(از ماسحه تلویزیونی محمد گیلانی - ۲۳ فروردین
۶۰) وظا هرا این رژیم جمهوری اسلامی است که
طلبکارا ز آب در آمده است ، و بزعم سردمداران
رژیم شکنجه های وحشیانه ای که نمیتوان به
هیچ وجه گتمان نمود ، نه بدست پاسداران بلکه
خود انقلابیون صورت گرفته است ، مثلا اگر در
شیراز بریدن یک هوا دار مجاهد ، جمله "درویدر
خمینی" را با آتش نوشته اند ، این عمل جنایتکار -
انه توسط "خود آنها" صورت گرفته است !! به این
گفته خمینی توجه کنید: "شما گرفتار جمعیتی
هستید که خودشان را داغ میکنند تا گردن شما
بگذارند... بعضی از اینها رفیق خودشان را
بیهوش میکنند و شکنجه میکنند برای اینکه
بگویند شکنجه ما دادیم" (دیدار با اعضای
"دادگاههای انقلاب" ، جمهوری اسلامی - ۶۰/۱/۲۰)
و پس از این دروغهای وقیحانه علی محمد
بشارتی جهرمی همکارا ساواک در سال ۱۳۵۶
شما بنده فعلی مجلس شورای اسلامی ، فرد مورد
اعتماد آیت الله خمینی و نیز عضو "هیئت"
نا میرده در بالا پس از چندین ماه سکوت
خاشا نه در مجلس "به گزارش دهی پرداخته وبا
وقا حتی وصف نا پذیر میگوید: "بخدا قسم ما شلی
در زندانها جریان دار دکده افتخار جمهوری اسلامی

این واقعیت که رژیم و وابسته ها جلاد ، درسیا ه
- چالهای دهشتناک ساواک و کمیته ، هنزاران
نفرا ز فرزندان کمونیت و انقلابی خلق را زیر
شکنجه های وحشیانه قرار میداد ، بر کسی پوشیده
نیست ، اما آیا یکبار با طردا رید که شا جلاد و
دیگرا عوان و انمارش پذیرفته با شکنجه زندانها ن
سیاسی را شکنجه میدهند؟ جواب کا ملا روشن است
نه! ، این مسئله نه فقط در مورد رژیم ارتجاعی
گذشته ، بلکه در مورد کلیه رژیمهای ارتجاعی
دنیا صدق میکند ، نگاه کنید به شیلی ، آرژانتین ،
فیلیپین ، اسرائیل غاصب و... منطق ارتجاع
همین است ، و اکنون دوسال است که رژیم
جمهوری اسلامی ، زندانهای بارت رسیده از شاه را ، زکمو -
نیتها و انقلابیون دیگر بر کرده وبا شکنجه ها و
اعدامها در زندانها به راه افتاده اند ، کوس
رسوایی رژیم جمهوری اسلامی در مورد شکنجه در
زندانها و "خانه های امن" آنقدر به مداد درآمد که
بنی مدرخان برای فریب توده ها و در چها رچوب
جنگ قدرت در هیئت حاکمه ، صحبت از شکنجه کردو
برای اینکه عوام فریبی کامل شود ، بدستور
آیت الله خمینی ، هیئتی برای بررسی شکنجه
تعیین شد ولی چند روزی بیش نگذشته بود که
اسم آن به هیئت بررسی "شا بعه" ! شکنجه تبدیل
شد و اکنون پس از چند ماهی از تشکیل "پن هیئت"
سردمداران رژیم - مزدورانه اعلام میکنند که در
زندانها شکنجه نیست! آری همچنانکه ما از روز
تشکیل این هیئت پیش بینی کرده بودیم نتیجه

زندانی سیاسی انقلابی ، به همت توده ها آزاد باید گردد

چپاول ۷ میلیون تومانی رژیم از دسترنج کارگران

بیش از شش ماه جنگ ارتجاعی علاوه بر کشتار هزاران نفر، فقر و فلاکت مدها هزار زحمتکش و آوارگی بیش از ۱/۵ میلیون نفر از هم میهنان جنگزده ما که در شیراز، اصفهان و... همه روزه مورد بیورش اوباشان ارتجاع قرار میگیرند کارگران زحمتکش مناطق غیر جنگی را نیز از "خیرات" خودی نصیب نگذاشته است. همانگونه که از آغاز جنگ دورژیم ارتجاعی ایران و عراق بارها گفته ایم، سنگینی هزینه های جنگ را کارگران و زحمتکشان بر دوش میکشند. رژیم جمهوری اسلامی با عوام فریبی و تبلیغات گوغراش و سو - استفاده از احساسات پاک توده های زحمتکش میلیونها تومان از دسترنج کارگران را تحت نام کمک به جنگزدگان از جنگ آنان به بیرون میآورد و ملی نمیتنها این کمک ها را به آوارگان جنگی نمیرساند (که وضع زندگی آنان و جملات روزمره پاداران و اوباشان قطع حیره غذایی و پوشاک - نمونه ملک شیرا صفهان و شیراز و... شاهدین واقعیت میباشند) بلکه همین کارگران زحمتکش و قهرمان را به مجرد بیان خواست های عادلانه شان به هزاروبیک تهمت - که شایسته سرمایه داران چپا و لگرمیباشند - متهم ساخته و آنها را "فدا انقلاب" و... خوانده و با سخنان را با گلوله میدهد.

کارگران ایران تا سیونال، در طول ۵ ماه مبلغی معادل ۶ میلیون و هشتصد و نود و پنج هزار تومان تحت نام عوام فریبانه کمک به جنگزدگان را - که از حقوقشان کسر شده است - پرداخته اند. آری رژیم حدود ۷ میلیون تومان از دسترنج کارگران را چپاول می - کند و با زادعای طرفداری از کارگران را دارد. سرمایه داران، کارگران را فقط برای استثمار و تبدیل آنان به "گوشت دم توب" میخوانند اما اگر همین کارگران برای کسب حقوق خود دست به مبارزه بزنند، با بیدار انتظار هرگونه سزوکوب، از آزار و حتی گلوله حافظین سرمایه داران را داشته باشند. همین چند هفته پیش بود که رژیم فدکا رگری جمهوری اسلامی، کارگران - کفش ملی که برای حقوق خود اجماع نموده بودند را به گلوله بست، همین

چند هفته پیش بود که به علت فقر و محرومیت، ده هزار کارگر قهرمان ایران تا سیونال دست به اعتصاب زدند. بنا بر این می بینیم رژیم ارتجاعی حاکم که طرفدار سرمایه داران را لایو مفت است نه تنها کارگران را در فقر و فلاکت نگاه میدارد، بلکه همچنین آنان را به گلوله میکشد، سندی بر نشان میدهد رژیم جمهوری اسلامی که دشمن کارگران و زحمتکشان است چگونه است.

بقیه از صفحه ۳۲ فراخوان...

توجه تیرا ژپیکا رورساندن هرچه سریعتر آنان بدست خوانندگان هستیم و این میسر نمیشود مگر با تامین بودجه نسبتا بالایی که الزامات می بایست از طریق کلیه رفقای اتحادیه ها و انجمن ها و کارگران و زحمتکشان و توده های آگاه و انقلابی خلق ما جمع آوری و فرا هم شود.

از اینرو ما با تاکید خاص، از تمامی رفقا، اعضا و هواداران و خوانندگان پیکار میخوانیم که با بسیج امکانات خود در این زمینه، سازمان را در امر پاسخ به نیازهای جنبش طبقه کارگر و توده های باری دهند. این کمک با بیدار فرصت زمانی هرچه کوتاهتر و بمیزان هرچه بیشتر تا مبن

زورجیبهای کارگران را خالی میکند، سندی بر یکبار دیگر و تبلیغات رژیم را رسوا کرده و نشان میدهد وقتی رژیم میگوید طرفدار "مستضعفان" است دروغی بیش نیست، بلکه در واقع او طرفدار و پادشاهی سرمایه داران و خونخواران است. تنگ و نفرت بر چنین رژیمی بساز! چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان توسط سرمایه داران مفتخورا هرچه وسیعتر افشاکنیم!

★ ★ ★

شود. این کمک با بیدار و خالص و جدا از سایر کمک های مالی و صرفا بمنظور افزایش تیراژ پیکار و تسهیل توزیع و پخش آن انجام گیرد. از اینرو از کلیه رفقا، اعضا و هواداران و خوانندگان پیکار میخوانیم که کمکهای مالی خود را در این باره تحت عنوان "کمک برای افزایش تیراژ نشریه پیکار" برای سازمان ارسال دارند.

بیروزی باشید!

کمیته مرکزی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۱/۱۵



تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۰
شماره: ۲۹۰۰

بسم رب المستضعفين

وایلو نیکم یسعی من الصیف و المروج و یسعی من الاوال و الانیس و الثمرات و یسعی العائیرین و البیت شاراً آرایش بیکم به پیش آمدهای جزئی باشند ترس، ترسنگر، نشان اموال و جانها و آفات زیارت و استقامت کنندگان را بفشارت بساز

((قرآن کریم بقره ۱۵۲))

بر همه واجب است به جنگ زدها و آنها که زندگیشان را از دست داده اند کشت کنند.

((ایام خمینی))

با تفکر از همکاران محضه که تا کنون با پرداخت یث با چند روز از حقن ماهیانه خود جهت کت و رباة حال آوارگان جنگ تمیلین رژیم مزدور سدام، به وظیفه تحریک اسلامی و انسانی خود عمل نمیدانند.

ارقام کت شده در طی ماههای مهرد، آبان، آذر، دی و بهمن ۱۳۵۹ را بشرح زیر به اطلاع میرساند:

- ۱- مهرماه: ۱۵۸۷۲۴۲۲۲ ریال
- ۲- آبان ماه: ۱۵۲۰۵۹۵۶۲
- ۳- آذرماه: ۱۳۲۱۸۸۸۰۰۰
- ۴- دی ماه: ۱۳۲۸۶۶۶۲
- ۵- بهمن ماه: ۱۱۶۶۹۱۸۰۰

جمع: ۶۸۹۵۲۲۴۵ ریال

لازم به توضیح است که از ماه آینده به بعد کلیه همکاران که مایل هستند با ادا کت خود انقلاب عوام اسلامی را در این وضعیت خاس و سرنوشت ساز، که تمامی اسلام در برابر فقر و استیگار جهانی قرار گرفته است، باری نمایند میتوانند شمعکات کامل خود را در اینجایی که از طرف انجمن اسلامی بوسیله نمایندگان قسمت یا سفولین کتابخانه های انجمن اسلامی توزیع میشود، اعلام و با با تلفنهای ۲۴۶۶ و ۲۴۶۶ انجمن اسلامی تماس حاصل فرمایند.

اصد است این کتبا مورد قبول خداوند متعال قرار گیرد.

(حسن به دل متعال ذره خیرا بسره)

هرگز دریای نیکی که پاداش آنرا خواهد داشت.



انجمن اسلامی کارمندان پیکار

بقیه از صفحه ۷ شکنجه...

آورد زنده آنها کم نیستند و اگر آنها را آزاد نمی - کنند بیخا طرفدار توده ها است ولی برای ایشان مجالس بزم در زندان فراهم میکنند.

و اقعا اگر در زندانها شکنجه نیست چرا او همه دارید و درهای زندانها را بروی توده ها باز نمی کنید؟ چرا به خا توده های زندانیان کمونیست و انقلابی اجازه ملاقات نمیدهید؟ چرا خا نواده رفیق محسن فاضل دوماه پس از دستگیری رفیق هنوز کوچکترین خبری از او ندارند. آری رژیم حاکم شکنجه گزندان انقلابی است و گفته های بشارتی ها که برای توده ها بحدکا فی افشا شده اند سند محکم نیست رژیم جمهوری اسلامی است.

توده های انقلابی و مبارزا

هم اکنون هزاران زندانی انقلابی در بد - ترین شرایط و در شهرهای مختلف زندانی رژیم جمهوری اسلامی هستند. با خا نواده های زندانیان تماس بگیرید، از اخبار و شرایط زندانها آگاهی یابید، دودش بدوش هم بکشیم تا چنان با ت مزدوران جمهوری اسلامی را در مورد کمونیست ها و انقلابیون دربند، این اسیران راه آزادی و استقلال، راه انقلاب و سوسیالیسم افشا کرده و دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی را به وظیفه روزانه خود تبدیل سازیم! ★ ★ ★

اخبار مبارزات توده‌ها



تظاهرات هواداران سازمان در مسجد سلیمان: حمایت توده‌ها و درماندگی ارتجاع

روز دوشنبه ۱۰ فروردین، هواداران سازمان پیکار در مسجد سلیمان، در محله سرکور، ه‌ها دست به یک راهپیمایی افشاگرانه زدند. تظاهرات کنندگان ضمن دادن شعارهایی از جمله: "از قحطی و گران شدن، از جنگ ارتجاعی، مردم به تنگ آمدن"، "معلم خراجی، بر سر کار باقی بماند"، "علیه حزب جمهوری، علیه لبرال‌ها"، "زنده باد پیکار توده‌ها"، "تعطیلی صنایع فولاد توطئه سرما به داران علیه کارگران"، "و حمل پلاکاردهای شامل عکس رفقای شهیدطهماسبی - زاده و صدی و شعارهای انقلابی به گسترش آگاهی در میان زحمتکشان پرداختند. در طی مسیر، تعدادی از مزدوران رژیم - قهوجا قورصد به زدن راهپیمایی بودند که

با مواجه شدن با خشم مردم و تظاهرات کنندگان مجبور به عقب‌نشینی شدند. ارتجاع از آنجا که حمایت توده‌ها از تظاهرات کنندگان را می‌دید ما را زخم خورده به خود می‌پیچید و چون قادر به بسیج توده‌ها بر علیه کمونیست‌ها نبود، دست به بسیج کودکان ۸-۷ ساله برای دادن شعار مرگ بر پیکاری زده بود. که نهایت درماندگی ایشان را به نمایش می‌گذاشت.

تظاهرات پس از ۲۰ دقیقه با موفقیت به پایان می‌رسد و در طول مسیر توده‌های آگاه و زحمتکش به اشکال مختلف و از جمله با کمک مالی از طریق صندوق کمک مالی، حمایت خود را از نیروها و کمونیست‌ها نشان می‌دادند.

تصحیح و پوزش:

● - در مطلبی پیرامون رفیق فاضل که در پیکار ۱۰۱ چاپ شده اشتباه گفته شده است که او به "دعوت" هانی الحسن اعزام منطقه بود. همانطور که پیکار در متن آمده، درست این بود که نوشته می‌شد با معرفی هانی الحسن (سفیر سابق فلسطین) در تهران و عضو کمیته مرکزی سازمان آزادی - بخش فلسطین)

● - در پیکار شماره ۹۹ صفحه ۱۶ خبری تحت عنوان با سداران علیه آوارگان آورده شده بود که تاریخ درست آن ۱۲/۱۹ بوده است.

● - در پیکار ویژه قیام (ضمیمه ۹۳) در ارتباط با خبر درگیری میان نواشه‌ها استناد به یکی از شماره‌های قبلی پیکار، به شهادت یک میاد اشته شده است که این مسئله صحت نداشته است. ● - در پیکار ۹۷، خبری تحت عنوان "خودکشی" ارمان دیگر جنگ ارتجاعی آمده است که اشتباهی در آن رخ داده است. خبر درست این است که فردی که خودکشی کرده گنج‌های نام داشته و دیپلمه وظیفه بوده است. وی را بجای بیمارستان به نزد فرمانده می‌برند که فرمانده مزدور را کتک زده و کلتی می‌دهد و می‌گوید "اگر می‌خواهی خودت را بکشی، با این بکش". و بعدا این شخص اقدام به خودکشی کرده است.

اجرای نمایشنامه توسط رفقای هوادار در شیراز

رفقای هوادار سازمان در شیراز در ایام عید نمایشنامه‌ای افشاگرانه بنام "ایرام کج" به دنبال امپریالیسم "در پارک شهر" اجرا نمودند. محتوای نمایشنامه نشان می‌داد که چگونه مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با ارتجاع داخلی نیست. این نمایشنامه با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از مردم، مورد استقبال آنها قرار گرفت. رفقای این نمایشنامه را در محله فقیرنشین و معروف شیراز بنام بیوردی ویا پل وردی اجرا نمودند.

امتحان کنند، به بینندگان داخل سلاطین کنند با نه، با دشمن رفته که ما جانمان را می‌دهیم ولی تفنگهایمان را نه. زمان شاه تخم مرغ برای - ما ن داغ کردند، اسلحه تحویل ندادیم، ... روز هفتم اسفند ۵۹ روزی بود که با محاصره دهکده "باریکه" فرخینوند، یکبار دیگر ما هیت فدمردمی رژیم جمهوری اسلامی و با سداران سرکوبگر برای اهالی این منطقه ثابت شد. روزی بود که توده‌های مسلح این منطقه در برابر با تکیه بر قهر انقلابی مشت محکمی برپا - سوز مزدوران رژیم کوبیدند.

محاصره روستای باریکه - ایلام توسط پاسداران رژیم و مقاومت اهالی

قراء مجاور از جمله اهالی منطقه "گراوند" به کمک اهالی باریکه آمده و بطرف پاسداران تیر - اندازی کردند.

مزدوران رژیم خود را در مقابل قدرت یکپارچه و متحد روستائیان ناتوان دیدند، به پاسگاه "شادباغ" از توابع اسلام آباد در قفسه و تقاضای کمک کردند و سپس نزدیکیهای غروب با تانک انداز مسلسل سنگین بازگشتند. مردم مسلح بر بالای کوههای "فرخینوند" سنگر گرفتند "رضا" فریاد می‌زد: "ای قماربازهای دیروز، اینجا را کردستان می‌کنیم" و از فاصله دور شلیک می‌کرد. سرده‌ها سداران فردی بنام "مجتبی" بود. آنها پاسداران اسلام آباد بودند که به توابع ایلام یورش آورده بودند تا مردم محل را خلع سلاح کنند. اما اهالی با مقاومت خود جواب دندان شکنی به آنها دادند. و جیره‌خواران رژیم بزدلانه مردان پیردهکده را سپر خود ساخته و فرار را بر قرار ترجیح دادند. یکی از اهالی مسلح "گراوند" میگفت "تا بدین پاسداران خواسته اند ما را

در روز ۱۲/۸/۵۹، پاسداران مسلح رژیم روستای "باریکه" فرخینوند از توابع ایلام را محاصره کردند تا به تفتیش اهالی و خلع سلاح آنها بپردازند. مزدوران رژیم به خانه‌های فردی بنام "کرمتا" حمله برد و وی را بر کبار گلوله می‌بندند. "رضا" برادر کوچک وی تفنگ بردوش به کوه "کله مبله" می‌گریزد. پاسداران به تعقیب وی پرداخته و وی را از ناحیه پای زخمی می‌کنند. با این وصف او می‌تواند با گشودن آتش بسوی جیره‌خواران رژیم، دونفر از آنها را به شدت مجروح نماید. دست‌های دیگری از پاسداران به خانه یکی دیگر از اهالی بنام "خمان" یورش برده و چون با مقاومت او و بر و می‌شوند، "قیمتی" همسرا و را با گلوله می‌زنند. گلوله به پیشانی "قیمتی" اما بت‌کرده و از پشت سرش بیرون می‌آید. گلوله‌های پاسداران استخوان بازوی فرزندش را می‌زنند و نیز از هم می‌پاشد. "خمان" به مقاومت خود ادامه داده و با تبر پای یکی از پاسداران را از انقطاع می‌کند. مردم مسلح

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

مقاله آموزشی بحثی پیرامون دموکراسی (۲)

دموکراسی بورژوازی برچه اساسی استوار است:

واقع داد و طلبان نمایندگی توسط احزاب قدرتمند حاصل می‌شوند و با تعدادی کلیه مقدمات قضیه آنچنان به پیش می‌رود و تبلیغات آنطورا زمان داده می‌شود که همه میدانند به کدام چهره ها با رأی داد.

به این ترتیب پارلمان تبدیل به یکسانی می‌شود که "هرچند سال یکبار مردم زحمتش خود تصمیم می‌گیرند که کدام یک از اعضای طبقه حاکمه می باید در آن بنشینند و قوانین سرکوب کننده کارگران و زحمتکاران را تصویب کنند" (۲) اما تصمیمات اساسی و تعیین کننده در پشت پرده گرفته می‌شود، دربارها در بورس ها و مجامع

غیرمستقیمی است که در آن نمایندگان مجلس شهردارها و استاندارها، اعضای انجمن های شهری و غیره که با مبالغه با رای اکثریت مردم انتخاب شده اند در اداره امور شرکت میکنند. نقش و قدرت اکثریت زحمتکاران جامعه فقط به این محدود می‌گردد که هرچند سال یکبار در رأی گیری شرکت کنند و سپس به کناری بنشینند. این رای برای مدت تعیین شده قابل پس گرفتن نیست و انتخاب کنندگان نمیتوانند نمایندگان را معزول سازند. اکنون بررسی همین (حق رأی) و "انتخابی بودن" به ما نشان می‌دهد که واقعیت چیست و در حقیقت "برابر بودن" و "عمومی بودن"

● اگر قدری در طرز کار ما شین دولتی بورژوازی دقیق شویم، ماهیت این دموکراسی را کاملاً در میابیم و بر این مفهوم می‌شود که دموکراسی بورژوازی، در واقع به جز بوروکراسی ارتجاعی که سرپا صلح است، چیزی دیگری نباشد.

سرما به داران حاکم.

قانون اساسی بورژوازی نیز در واقع ضامن حفظ مالکیت خصوصی و امتیازات ثروت است. حتی دموکراتیک ترین قانون اساسی بورژوازی را نیز نمیتوان یافت که در آن با ماده ها و تبصره های گوناگون حق سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکاران پیش بینی نشده باشد.

آزادیهای پیش بینی شده در قانون اساسی بورژوازی نیز بقول لنین ماهیتی کاملاً طبقه ای دارد:

آزادی اجتماع، در شرایطی که ثروتمندان بهترین ساختارهای عمومی و خصوصی را در اختیار خود دارند و اجتماعاتشان بوسیله ارتش و نیروهای مسلح حفاظت می‌شود، و در مقابل کارگران و زحمتکاران و نیروهای انقلابی برای بیان خواسته های خود، نه تنها یکبار از امکانات طبقات دارا را در اختیار دارند، بلکه به محض کوچکترین اعتراض جدی، بوسیله همان نیروهای مسلح بورژوازی سرکوب می‌شوند، جز حیل و فریب چیزی نیست.

آزادی مطبوعات، درحالی که بهترین دستگاه های چاپ و بزرگترین انبارهای کاغذ و سازمان های مطبوعات در دستک سرما به داران است و درحالی که دولت حاکم بر مطبوعات کنترل دائمی دارد، دروغ و فریبی بیش نیست.

بقیه در صفحه ۱۳

حال در ادامه بحث خویش به بررسی چگونگی "دموکراسی بورژوازی" می پردازیم. این بررسی نشان می‌دهد که "دموکراسی بورژوازی" بر چه پایه هایی استوار است. اکثریت میبایند، زیرا همه اعضای جامعه دارای حق مساوی شرکت در تعیین امور دولت و حکومت هستند. اعضای جامعه از طریق انتخابات از این حق بطور فعال استفاده میکنند. در نتیجه حکومتی که از انتخابات حاصل میشود حکومت اکثریت است.

اگر قدری در طرز کار ما شین دولتی بورژوازی دقیق شویم، ماهیت این دموکراسی را کاملاً در میابیم و بر این مفهوم می‌شود که دموکراسی بورژوازی، در واقع به جز بوروکراسی ارتجاعی که سرپا صلح است، چیزی دیگری نمی باشد. در واقع ماهیت (بوروکراتیک - نظامی) نهادهای دموکراسی بورژوازی (در بر خورده به هر موسسه ای که سرمایه داری آشکار می‌گردد، به سلسله مراتب موجود در موسسات جامعه سرمایه داری نگاه کنید: در ادارات، کارخانه ها، در سازمان های مطبوعات و... زحمتکاران دسته جمعی مشغول کار هستند. اداره و چرخاندن امور "مکانی" و (عمومی) است. اما سرخ تصمیم گیری، از سلسله مراتبی می‌گذرد که در رأس آن یک بورژوا - بوروکرات قرار دارد. چه راگانی این بوروکراسی ارتجاعی را حفظ میکند؟ ارتش و نیروهای مسلح بورژوازی که خود نیز همانند یک اداره، بطور سلسله مراتبی و کاملاً بوروکراتیک اداره میشوند. در پاره های پایین فرزندان کارگران و زحمتکاران که آلت سرکوب بورژوازی اند، سازماندهی شده اند و در بالا فرماندهان بورژوا بوروکرات هستند که فرمان می‌رسانند. ارتش و بوروکراسی ابزار خاص رژیم سرمایه داری است. یعنی همان سازمانها و نهادها که از اصل حق مردم را در تعیین نظام سیاسی و اداره دولت پایمال میکنند. این مقامات بوروکرات هستند که به نمایندگی از جانب دولت در رأس ادارات قرار گرفته اند و امور را هدایت میکنند و فرمان می‌دهند. این دستگاه پلیس و ارتش است که اعتراضات کارگران و زحمتکاران را سرکوب و غف می‌کند. و این سازمانها "عزل - نا پذیرند" دارای حقوق ممتاز و بر مردم سلطه خود را تحمیل میکنند" (۱) این است دستگاه دولت بورژوازی - و این دستگاه در دوران امپریالیسم، بطرز بی سابقه ای رشد می‌کند و هیولا و ارقدرت می‌گیرد و سلطه خود را بر کارگران و زحمتکاران گسترده می‌کند.

حال پیش تر بر روی میوه بنیم که (پارلمان) و (تائون اساسی) که به ادعای بورژوازی ابزار حاکمیت مردم و ضامن حفظ این حاکمیت میباشند چه نقشی در (دموکراسی بورژوازی) بازی می‌نمایند. نقش پارلمان و قانون اساسی در (دموکراسی بورژوازی) (دموکراسی بورژوازی) دموکراسی

صد و یازدهمین سال
تولد ولادیمیر ایلیچ لنین

لنین: آموزگار کبیر پرولتاریا لنینیسم: ستاره راهنمای انقلاب سوسیالیستی

بیاد داشته باشید، دوست‌دارید و
سایموزید - ایلیچ را، آموزگار ما، پیشوای
ما را.
هیکار کنید و در هم شکنید، دشمنان داخلی
و خارجی را - بشوید ایلیچ. بهای دارید
زندگی نوین، هستی نوین و فرهنگی نوین
را - بشوید ایلیچ. هرگز از چیز کوچک در کنار
چشم‌پوشید، چون از خرد است که کلان
برمیخیزد. - اینجاست یکی از بهترین
اندرومای ایلیچ.
ی - اسفالدین

لنین تولدیمیر ایلیچ اولیانوف در ۲۲ آوریل
۱۸۷۰ (دوم اردیبهشت ۱۲۴۹) در شهر کوکسک
سیمبرسک (اولیانوفسک کنونی) دنیا آمد.
خیلی زود با کتاب‌های سیاسی آشنا گشت. زندگی
مبارزاتی مبارز در این راه به او باقی ماند.
۱۷ ساله بود که در ارتش بخاطر شرکت در تظاهرات
تزار اعدام گردید. او با تاشیریدری از این
حادثه به برآمدن با تظاهرات و مبارزاتی
برادرش - مارودسک - هم قدم در راه مبارزات سیاسی
گذاشت و به مطالعه آثار انقلابی پرداخت. در
پایان دهه ۸۰ بود که لنین با مارکسیسم آشنا شد
و فعالیت خود را در گروه‌های مارکسیستی آغاز
نمود. از این پس مبارزه او با نام سرخ‌پوش
طبقه کارگر عین گشت. مبارزه با ناپروست
که توسط گروه "راه‌های کار" (پلخانتف) آغاز گشته
بود توسط لنین به‌گیری شد و در کنار توبیس
سرما به‌داری در روسیه، مارکسیسم سوسیالیست
جوانان انقلابی روپوشه در میان جنبش
کارگری روسیه ریشه افکند و توسعه پیدا کرد.
لنین فعالیت خود را با ترجمه آثار مارکسیستی
از جمله مانیفست حزب کمونیست سوسیالیست روسی و
تساوس با محافل کارگری و مارکسیستی ادامه
داد. در سال ۱۸۹۳ به پترزبورگ رفت و به تشکیل
و آگاه کردن کارگران آنجا پرداخت و در آن شهر
همین تلاشها بود که در سال ۱۸۹۵ "اتحادیه کارگران
برای آزادی طبقه کارگر" را تأسیس نمود. ۲۰ محفل
مارکسیستی کارگری بوجود آمد و اولین زمینه
های ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر روسیه مهیا
گشت. لنین در سال "دوستان خلق" گمانند و
چگونه با سوسیال دموکرات‌ها می‌جنگند؟ "با
افشای ناپروست که تحت نام "دوستان خلق" به
جنبش طبقه کارگر ضربه می‌زدند و وظایف اساسی
مارکسیست‌های روس را طرح ریزی کردند و تلاش
را برای شکل و وحدت محافل مارکسیستی
ادامه دادند. اینکه در ماه مارس ۱۸۹۸ اولین
کنفرانس حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه

تشکیل شد. از این پس مبارزات طبقه کارگر
روسیه با مبارزات لنین را همواره در کنار خود
داشت. با رهبری لنین بود که سوسیال دموکرات
- های انقلابی روس توانستند "اکونومیم" را
در مبارزه‌ای خستگی ناپذیر افشا و طرد کنند. با
"جما بدکرد" لنین بود که مبارزاتی ایدئولوژیک
حزب پیش از طبقه کارگر را به مبارزات آنتی
و مارکسیستی کارگران ریخته شد. با پورتونیسیم
اکونومیم در هم شکست شد و طبقه سوسیالیسم در
روسیه پدید آمد. با وجود زندانها، تبعیدها و
مجازات‌های خارج از کشور، لنین در اعماق جنبش
کارگری روسیه با وجود او و بود که در این کشور
انقلاب سوسیالیسم به پیش می‌رفت. آثار او در هر
بخش از انقلاب روسیه به‌رچشم‌پوش بود که
کارگران روسیه در مبارزه علیه سوسیالیسم و
سرمایه‌داری دست گرفته و پیش می‌بردند. لنین
با تأکید بر روی اتحاد کارگران و دهقانان، در
آنها متعهد شد نقش دهقانان را در انقلاب
و ضرورت اتحاد پرولتاریا با دهقانان را مطرح ساخت
کارگران و کمونیست‌های روسیه با رهبری حزب
سوسیال دموکرات کارگری روسیه و در رأس آن
لنین کسریا پست سرگداشتن انقلاب ۱۹۰۵،
انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و با درگیری از گشت‌ها و
پیروزیها، مبارزات و جنگ‌ها در روسیه را به طبع
سرمایه‌داران و مملکت‌ها به پیش برده و در اکتبر
۱۹۱۷ اولین انقلاب سوسیالیستی پیروز شد
را به‌ثمر رساند. لنین مبارزه‌ای بود که نه
تنها مهر خود را بر انقلاب روسیه، بلکه بر کل
تاریخ مبارزات جنبش کارگری و انقلابات
پرولتاری در سراسر دنیا نهاد. آموزشهای مارکسی و
انگلسی خوانست، با تکیه بر نقش تاریخی طبقه
کارگر در دوره از انقلاب، با فرموله کردن
مبارزه بر علیه پورتونیسیم، اکونومیم،
روبیونیسیم و پروتیکسیم و... و توصیف نقش رهبری
کننده حزب انقلابی پرولتاریا، تأکید بر رشد
سرمایه‌داری تا امپریالیسم بعنوان آخرین
مرحله آن، تدوین قوانین انقلاب در عصر
امپریالیسم و... مارکسیسم را تکامل بخشید و از
آن پس نام لنین و لنینیسم، با نام مارکس و
مارکسیسم بعنوان پدیدآورندگان آنها
ایدئولوژی پیروزمند برای رهایی طبقه کارگر

زنده باد کمونیسم!

بورژوازی و خرده بورژوازی از با دبیبرد. در این مسئله چون وجرا نیست. شکست انقلاب ۱۹۰۵، در میان رفیقان نیمه راه انقلاب و در میان روشنفکران حزبی تزلزل و انحطاط ایدئولوژیک را داد. من زده، تسلط ارتجاع و افت جنبش باعث گردید تا آنها از انقلاب دست کشیده و پرچم سفیداش را در برابر تزاریم بلند کنند. در عرصه ایدئولوژیک این دسته از روشنفکران و نویسندگان خیانت پیشگی خود را تحت پوشش "انتقاد به مارکسیسم" به تحقق درآوردند. در عرصه فلسفی نیز اینان به "انتقاد" از ما تریا لیسمدیا لکتیک و ما تریا لیسم تاریخی برخاستند. قسمتی از این روشنفکران بر اساس بی ایمانی و انحطاط بورژوازی خویش تحت عنوان "بهرکردن مارکسیسم" تا آنجا از ما رکیسم بدور افتادند که لزوم ایجاد مذهب جدیدی را مورد تأیید قرار دادند. اینان به "عجاجوبیان" و "خدا سازان" معروف شدند و رسالت آنان به اشاعه انحلال طلبی و بی ایمانی نسبت به مارکسیسم انقلابی خلاصه میشد. آنان میبایست رموز میشدند و نقاب "دفاع از مارکسیسم" آنها میبایست دریده میشد. این امر در رسالت لنین بود که دفاع از ما رکیسم بلند نشود. کتاب مشهور "ما تریا لیسم و میر-بوکریتسیسم" که در سال ۱۹۰۹ منتشر گشت به سلاح برنده ای علیه روشنفکران مرتد تبدیل گشت. لنین در انتقاد به این جریان رویزیونیستی نوشت: "یک تقلب بیش از پیش ما هرا نه در مارکسیسم، تحریف های بیش از پیش ظریفی در آن بوسیله آتش های ضد ما تریا لیستی و معرفی آنها بعنوان مارکسیسم اینجا ست خفاش رویزیونیسم گنونی، همسم در اقتصاد دوم در مسائل تاکتیکی و بطور کلی در فلسفه."

لنن، پرچم را بزرگ میا رزه برعلیه رویزیونیسم و پوزتونیسم است. او رویزیونیستها را بعنوان عاملین بورژوازی در درون طبقه کارگر مورد شدیدترین و بیرحمانه ترین حملات قرار داده افشا میکند. لنن کمپریا تدوین رساله "امپریا لیسم به ما به بالاترین مرحله سرمایه داری، چگونگی منظره های اقتصادی دهانی سرمایه داری از

پای در میا بدودا شما را عمیقاً "فقر کامل، بحالت بهیمی و انحطاط می افتد چنین پرولتاریایی فقط در سه آن میتوان تبدیل به نیروی مغلوب شدن شدنی شود. و ناگزیر بدل نیز خواهد شد. که اتحاد فکری وی از روی اصول مارکسیسم بواسطه وحدت مادی سازمانی که میلیونها زحمتکش را با ارتش طبقه کارگر بهم می پیوند دومستحکم گردد. در قبال این ارتش نه حاکمیت فرتسوت استبداد درون میتوانند تاب بیا و روزه حاکمیت سرمایه بین المللی که روزه زوال است."

لنن در آستانه انقلاب ۱۹۰۵، در کتاب پر از رش خود "دوتا کتیک سوسال دموکراسی



لنن در کنار اعضای اتحاد میا رزه برای آزادی طبقه کارگر

در انقلاب دموکراتیک "با تا کید بر رهبری طبقه کارگر در انقلاب بورژوا دموکراتیک و طرح شعار "دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک کارگران و دهقانان" بر لزوم مبارزه با بورژوازی لیبرال و طرفداری تا کید کرده و بر ناه انقلابی طبقه کارگر را برای چگونگی رهبری انقلاب دموکراتیک تدوین نمود. او این مبارزه را مقدمه مبارزه با ترسوسیا لیسمدانسته و آنرا عمیق ترین مبارزه مردم در راه سوسیا لیسیم "ارزایی میکند و اضافه میکند:

"یک سوسال دموکرات هرگز و حتی یک لحظه هم نباید مبارزه ناگزیر طبقه کارگری پرولتاریا را در راه سوسیا لیسیم بفرستد دموکرات ترین و جمهورخواه ترین

لنن با نوشتن رساله "چه باید کرد؟" چگونگی شالوده یک حزب انقلابی طبقه کارگر را ترسیم کرده و به مبارزه با اکتونیست ها که ضوابط جدی بر پیگیر جنبش کارگری وارد میکردند برخاست. او ضمن تا کید بر لزوم حزب پرولتاریائی برای رهبری و پیشبرد انقلاب، بر ما هیست ایدئولوژیک آن نیز تکیه فراوان مینمود. لنن برای این با ورسود که تنها حزبی که با تئوری انقلابی مسلح با ثبات در به پیشبرد مبارزه و انجام انقلاب است، او با تا کید بر نقش تئوریک سوسالیستی و آمیزش آن با جنبش طبقه کارگر بر خلو س ایدئولوژیک حزب طبقه کارگری می-فرد. او در مبارزه با اکتونیست ها که به ستایش از جریان خود بخود میپرداختند مبارزات کارگران میپرداختند نقش حزب مسلح به تئوری پیشرو را که ستاره راهنمای مبارزات کارگری است چنین فرموله میکند:

"بدون تئوری انقلابی نهفت انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد... نقش مبارز پیشرو تنها حزبی میتواند ایفا کند که دارای تئوری پیشرو باشد" (چه باید کرد؟) او "اکتونیسم" را به مثابه ابزاری دردست بورژوازی جهت منحرف ساختن جنبش طبقه کارگر و در اختیار گرفتن آن مورد شدیدترین حملات قرار میداد.

پس از شدت یابی مبارزه درون حزب و پیدایش دو فراکسیون بلشویکی و

منشویکی، لنن در کتاب "یک گام به پیش دو گام به پس" به بحران درون حزبی برخورد کرده و به توصیف چگونگی و ماهیت حزب کارگری پرداخت و بر لزوم برقراری اخلاق و انضباط کمونیستی بر حزب کارگری تکیه کرده، منشویکها را منسزوی ساخت. در این اثر لنن مینویسد که حزب باید همه طبقه کارگر را رهبری نماید، سازمان پیشرو و متشکل طبقه کارگر و عالی ترین شکل سازمانی برای رهبری طبقه میا شد. او میگوید:

"پرولتاریا در مبارزه برای حاکمیت بجز سازمان سلاح دیگری ندارد. پرولتاریا که بواسطه سلطه یک رقابت پر هرج و مرج در میان سرمایه داری از هم جدا میشود، در زیر بارکاهای مشقت برای سرمایه از

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

آرشو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

←

لحاظ مناسبات متقابل بین المللی آن در آغاز دهه بیست و در آستان نخستین جنگ جهانی امپریالیستی را نشان می‌دهد و به نبردهای تهرات رویزیونیستی کاوشکی که در آن زمان به ارتداد کشیده شده بود برخاسته و با طرح اینکامپریالیسم عصر انقلابات پرولتری است با تعیین روسیه به عنوان حلقه ضعیف امپریالیسم و با طرح ترانقلابی تغییر جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی، پرولتاریای روسیه را به سرگونی تزارویه کف گرفتن قدرت سیاسی فراخواند. در این دوره بود که مبارزه با انترناسیونال دوم و روبریز - یونیسف و سوسیال یونیسم جا کم را با قدرت و توانایی پرولتاریائی به پیش برد و زمینه اولین انقلاب سوسیالیستی را بیش از پیش فراهم آورد. در آستانه انقلاب سوسیالیستی اکثریت رفیق لنین اثر خود بنام "دولت و انقلاب" را که غنی ترین برخورد ما رکیستی به قول قدرت سیاسی و وظایف طبقه کارگر در انقلاب را بدست میدهد، به رشته تحریر درآورد. لنین در این اثرادها به با بکارگیری درسی از رشد مارکس و انگلس در مورد دولت و تحلیل از تجربه تاریخی کمون پارسی، ما بهیت طبقاتی دولت را در دوره های سرمایه داری و سوسیالیسم بزبانی گویا ترسیم کرد. لنین روشن میکند که طبقه کارگر برای بدست گرفتن قدرت سیاسی باید ما شین دولتی سرمایه داری را در یک انقلاب مسلحانه درهم شکند و بجای آن دولت طبقاتی خود را که متکی به ارزش پرولتاریائی است، برقرار سازد. لنین گنبد تنها از یک طریق رسیدن به کمونیسم را ممکن می - شمارد: سرگونی دولت سرمایه داری از طریق انقلاب قهری و جایگزینی آن با دیکتاتور پرولتاریا به عنوان عالی ترین نوع دموکراسی در جامعه طبقاتی.

لنین در دولت و انقلاب مینویسد: "کسی که فقط مبارزه طبقاتی را قبول داشته باشد، هنوز ما رکیست نیست و ممکن است هنوز بهایوب فکر پرولتاریائی و سیاست پرولتاریائی خارج شده باشد. محدود ساختن مارکسم به آموزش مربوط به مبارزه طبقاتی - به معنای آنست که از سرونه آن زده شود، مورد تحریف قرار گیرد و به آنجا رسیده شود که برای پرولتاریائی پذیرفتنی باشد. ما رکیست فقط آن کسی است که قبول نظریه مبارزات طبقاتی را تا قبول نظریه دیکتاتور پرولتاریائی بپذیرد. وجه - تما یزگاملا عمیق بین یک غده پرولتاریائی عادی (و همچنین پرولتاریائی بزرگ) با یک ما رکیست در همین نکته است، با این سنگ محک است که باید چگونگی درک واقعی و قبول ما رکیسم را آزمود."

لنین کیمبریا علام اینکته برای گذار به کمونیسم باید "مرحله خامی" وجود داشته باشد که آنرا با سوسیالیسم و دیکتاتور پرولتاریا مشخص میکند برپوز رویزیونیستهای خائنین

میگوید که خائنین وجود تفاهای طبقاتی و در نتیجه مبارزه طبقاتی تحت رهبری و دیکتاتور پرولتاریا را نفی کرده و دم از ارزش طبقاتی، دولت تمام خلقی "و... میزنند، اومینویسد: "... در نخستین فاز جامعه کمونیستی (که معمولا آنرا سوسیالیسم مینامند) "حقوق پرولتاریائی" فقط تا اندازه ای ملنی میشود بطور تام و تمام، فقط به میزانی که تحول اقتصادی جامعه اجازه میدهد. یعنی تنها در مورد مسائل تولید، "حقوق پرولتاریائی" و سایر تولید را مالکیت خصوصی افراد جاگانه میداند. سوسیالیسم این مسائل را به مالکیت همگانی تبدیل مینماید. در این حدود - فقط در این حدود - "حقوق پرولتاریائی" ساقط میشود. (دولت و انقلاب)

لنین با اشاره به اینکه در جامعه سوسیالیستی، پرولتاریائی هنوز از بین نرفته امکان رشد مجدد آنرا ندیده نمیکرد و به همین جهت ما کمیت دیکتاتور پرولتاریا در زمان استقلال یعنی سوسیالیسم و برای تحقیق سوسیالیسم را الزامی میداند.

"پرولتاریائی در کشور ما مغلوب گردیده و لسی هنوز ریشه کن نشده، ما باید گردیده و حتی تا پایان درهم شکسته نشده است. بدینجهت شکل جدید و اعلاتری از مبارزه - سوسیالیسم پرولتاریائی در دستور قرار میگیرد که عبارتست از انتقال از وظیفه کار ساده آتی، سلب مالکیت از سرمایه داران به وظیفه بسی بفرج ترودشوارتر ایجاد آنچنان شرایطی که در آن پرولتاریائی دیگر نه قادر به ادامه حیات باشد و نه اینکه بتواند مجددا پدید آید. روشن است که این وظیفه - ای بر ما تبارعالتراست و بدون اجرای آن، سوسیالیسم به وجود نخواهد آمد" (وظایف نوین حکومت شوروی)

آری، لنینیسم ما رکیسم عصر امپریالیسم و انقلاب های پرولتاریائی است (استالین). آن را با موزیموبه میان طبقه کارگر بریریم تا با آنکته آموزشهای لنین، به قدرت طبقاتی خود آگاه شوند، آنرا بکار گیرند و با تکیه بر سوسیالیسم، هر چه سرخ مبارزه را تا انقلاب پیروز مند آید به دوش بکشند، با رویزیونیسم در هرپوشی - چه اکثریتی - توده ای از نوع غروشی آن وجهه جانی - مبارزه میکنند جمهوری دموکراتیک خلق را با رهبری خود و هدوش با دیگرزحمکشان برقرار سازند و برای برقراری سوسیالیسم به پیش روند.

تجلیل از لنین کیمبر، در مبارزه خستگی نا پذیر سرمایه داری و امپریالیسم و در انرا ه مرز بندی قاطع و طرد درجانات رویزیونیستی خائنین و پرولتونیستی و تدارک انقلاب و سوسیالیسم معنی پیدا میکند.

زند به دلنیمم!

بقیه از صفحه ۱۲ بمباران ***

خود یعنی رژیم های ارتجاعی ایران و عراق را بدرستی تشخیص میدهند.

- در تاریخ ۱۳ فروردین نیز در ساعت ۸/۵ شب، مزدوران عراقی با پرتاب راکت شهر را مورد حمله قرار میدهند که بر اثر آن، انفرگشته و بهیشت ۲۵ نفر زخمی میگردد و تعداد زیادی خانه و دکان ویران میشوند. پس از این حمله در حالیکه مردم شهر سخت خشمگین بوده و به رژیم فحش میدادند چند تا از رویزیونیستهای خائنین و مزدور توده ای و اکثریت، برای خوشرفی در مقابل ارتجاع، و خاموش کردن فریاد اعتراض مردم شعارهای "الله اکبر، خمینی رهبر" و "ولایت فقیه شد - امپریالیسم است" سر داده و یکبار دیگر چهره کشیف و خائنین خود را به زحمکشان نشان دادند.

بقیه از صفحه ۱۰ بحثی ***

حکومت پرولتاریائی با درست داشتن تمام امکانات بیان و تبلیغ عقیده (امکانات تشکیل اجتماعات، چاپ و پخش مطبوعات، رادیو و تلویزیون و...) در واقع با حساب شده ترین شکلی، آزادی عقیده و بیان را از طبقات کارگرو زحمکشان سلب نموده است.

بررسی واقعی "حقوق دموکراتیک" مردم در جامعه سرمایه داری نشان میدهد که چگونه توده های ستمکش در دموکراتیک ترین کشور پرولتاریائی هم در هرگاه خود، با تفا دفا حتی بین برابری ظاهری که "دموکراسی" سرمایه داران اعلام میدارد و هزاران محدودیت واقعی و حبس و نیرنگی که کارگران را به بردگان مزدور تبدیل مینماید، روبرو هستند" (۲)

با تحلیل چگونگی "دموکراسی" پرولتاریائی اکنون میتوان کاملا تمییز نمود که ما بهیت "دموکراسی پرولتاریائی چیست؟

"دموکراسی پرولتاریائی در جامعه سرمایه داری، همیشه دژ تنگنای استعمار سرمایه داری فشرده شده و لذا در ما بهیت امر همواره دموکراسی برای اقلیت یعنی فقط برای طبقات دارا و فقط برای توانگران است. آزادی جامعه سرمایه داری همیشه تقریبا همان است که در جمهوری های باستان یونان بود. یعنی آزادی برای برده داران، بردگان مزدور امروزی (یعنی کارگران) به حکم شرایط استعمار سرمایه داری از شدت فقر و احتیاج چنان در فشارند که "نه حال پرداختن به دموکراسی" را دارند و نه "حال پرداختن به سیاست را" و هنگامیکه حوادث جریان عادی و آرام دارد، اکثریت اهالی از شرکت در زندگی اجتماعی - سیاسی برکنارند دموکراسی برای اقلیت نا چیز توانگران، این است دموکراسی پرولتاریائی.

ادامه دارد.

(۲) - نقل بمعنی از جملات مارکس - (دولت و انقلاب) - لنین

(۳) - انقلاب پرولتری و کاوشکی میند - لنین

اخبار جنگ

رژیم جمهوری اسلامی بیشترمانه درخیا بان ربوده شده و بوسیله مزدوران رژیم وسپا هجیل و سرما به برای سومین بار اسیر میشود و این بار در بیداد - گاه فرمایشی حاکمی جنا پتکارینا ام را اکی و به دستبازی نیز مغز و بیهوشی و صفت بمبارا کمه و به حبس ابد در سپاه هجالی رژیم جمهوری اسلامی محکوم میشود، ناگفته نماند که اراکی حاکم شرع جلاد در ماه پیش یکی از بهترین فرزندان شما پیکارگر شهید کمونیست دلاور، محمود صمدی را به جوخه عدا م سپرد.

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارز! اجازه ندهید رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی فرزندان آگاه و نمایندگان شما را به اتهام دفاع از منافع شما و اسیر زحمتکشان درخیا بانها دزدیده و در سپاه هجالی خود اسیر سازد!

بکشید این خبر را بگوش مردم زحمتکش برسانید و با اتحاد و همیاد شدن خواستار آزادی نماینده زندانی کمپ "ب" و اسیران زندان نیان انقلابی بشوید.

نماینده کمپ "ب" آزاد باید گردد!
زندانی سیاسی انقلابی بهمت توده ها آزاد باید گردد!
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع دغلی حامی آن!
برقرار بماند جمهوری دمکراتیک خلق!
"هواداران" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ماهشهر ۵۹/۱۲/۲۶

بمباران شهر ایلام توسط رژیم ارتجاعی عراق

در ادامه جنگ ارتجاعی مابین رژیم دورژیم ارتجاعی رژیم ضد خلقی عراق تاکنون چندین بار به شهر ایلام حمله نموده است و بدنبال این حملات عده ای از مردم کشته و زخمی و تعداد زیادی خانه خراب شده اند. بمبارانهای مناطق مسکونی در تاریخ - های زیر صورت گرفته است:

- در ۱۷ اسفند ۵۹، دو بمب عراق خیا بان اصلی شهر را بمباران میکنند که بر اثر این حمله بیش از ۵ تن کشته و بیش از ۸۰ تن زخمی میشوند و ۱۵ مغازه و خانه ویران میگردد.

بدنبال این حمله با داران ارتجاع راههای خروجی شهر را بسته و مانع خروج خانواده های زحمتکش از شهر میگرددند.

- در تاریخ ۱ فروردین ۶۰، میگهای عراقی دو راکت به نقاط مسکونی شهر پرتاب میکنند که بر اثر آن ۱ نفر کشته و بیش از ۴ نفر زخمی میگرددند و چندین خانه ویران میشود.

همچنین عده ای از اهالی یکی از مناطق بمباران شده توسط مزدوران عراقی، بابیل و کلنگ به گروهی از پاداران که در تپه "فرگوشان" بودند، حمله کرده و قصد کشتن آنها را مینمایند. برآستی که زحمتکشان مناطق جنگزده دشمنان بقیه در صفحه ۱۳

از امکانات غذایی و بهداشتی و ممکن محروم بوده و هستی و نیستی خود را بخاطر منافع سرما به - داران از دست داده اند.

در چنین شرایطی عوامل رژیم دلشان برای آوارگان به رحم آمده و آنها را به گردشگاهها، اما مزاده ها و دیدن فیلم سینمایی میبرند!! زهی وقاحت و بیشرمی! بردن آوارگان زینبیه بدیدن سداب اما مزاده درحالی که آنها بسروری قهرها زندگی میکنند و از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم هستند چه چیزی جز عوا مغریبی و شیرمالیدن سر آوارگان زحمتکش میتواند باشد؟ هفته آوارگان در شرایطی اعلام میشود که قوای انتظامی ملک شهر را به مراقبت از آوارگان - های خالی گمارده اند تا آوارگان بی سرپناه آنها را ممانعت نکنند، خانه ها و آپارتمانهای بسیاری متعلق به سرما به داران وجود دارد و در عین حال آوارگان را در چادرها و بیابانها رها کرده اند، آوارگان ما شهر از شدت فقر به گداشی افتاده اند و آوارگانی که در مناطق شهری و دکان دچا ربیماریها حبس و ... شده اند شام زمستان را در سرما و زیر باران، بدون سرپناه بسر برده اند و ...

آری رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و نوکرانش از "هفته آوارگان" هیچ نیستی جز انحراف ذهن آوارگان از مبارزه برای اساسی ترین نیازهایشان یعنی "نان، مسکن، آزادی" ندارد. خلاصه شده از اعلامیه آوارگان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - افغان

نماینده آوارگان فرزند زحمتکشان، از زندانی ارتجاع آزاد باید گردد

کارگران مبارز، زحمتکشان آواره! رژیم جمهوری اسلامی که بدروغ خود را حامی منافع توده ها جا میزند، با حمله و سرکوب آوارگان و دستگیری نمایندگان آنها ما هیت ضد خلقی خود را نشان داد.

دستگیری نماینده آوارگان کمپ "ب" سر بند ریخوی نشان داد که این رژیم نه تنها بفکر آوارگان نیست بلکه همواره در مدد سرکوب و آزار و اذیت آنهاست.

نماینده کمپ "ب" که دختر جوانی است و خود از آوارگان این جنگ ارتجاعی است، بدلیل دفاع از منافع آوارگان و تلاش برای گرفتن حقوق آنها و نیز افشاکردن چهره عوا مغریبانه

عیدی رژیم به زحمتکشان آواره و سادگان گلوله و خون

روز دوم عید است، درحالی که سرما به داران و دولت مردان به برکت غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان پای سفره های رنگارنگ در کاخهای مجلل نشسته اند و به عیش و نوش مشغولند زحمتکشان آواره سادگان که همچون دیگر زحمتکشان از این رژیم سرما به داری تنها فقر و فلاکت، گشتار و آوارگی نصیبشان شده است در صف های طولانی برای دریافت جیره نقدی ناچیزی، ایتومنی که پول سگ را هم نمیشود، انتظار میکنند.

در این میان با ساداران، این مزدورانی که بمنظور ایجاد نظم و امنیت برای سرما به داران هر گونه اختیاری حتی تیراندازی به زحمتکشان درون صفهای طولانی و نفست را از باربان خود گرفته اند به جمع آوارگان ستم دیده تیراندازی کرده و بیگرو رنج کشیده زن آواره ای را به خون در میفلظاند و این چنین عیدی سرما به داران را نشا زحمتکشان میکنند.

این اولین بار نیست که با ساداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی عید زحمتکشان را بخون میکشند، نوروز خونین کردستان و ترکمن صحرا و اندیمش که عید زحمتکشان با خون مدها زحمتکش آغشته گشت گواه چنانیت پیشتگی ددمنشانه این رژیم ضد زحمتکشان است که برای رنگین کردن سفره غارت سرما به داران گروه گروه کارگران و زحمتکشان و انقلابیون مبارز و کمونیست را قریانی میکنند.

اما عید واقعی زحمتکشان هم فرا خواهد رسید. روزی که حکومت سرما به داران، حکومتی که خون و گلوله نصیب کارگران و زحمتکشان میکند نابود شود.

با مبارزات حق طلبانه ما بر علیه دشمنان خلق عید سرخ زحمتکشان را نزدیکتر سازیم.
(از اعلامیه تشکیلات خوزستان سازمان)

هفته آوارگان خیل جدید رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

رژیم روز ۱۸ اسفند را "هفته آوارگان" اعلام کرده است. و با برنامه های پسر و صدا مثل بردن چندا توبوس از آوارگان زینبیه برای دیدن سد شاه - عباس در روز ۱۸ اسفند و بازپارت از اما مزاده ها سعی میکند آواره ها را سرگرم کند. درحالی که طی شش ماه جنگ ارتجاعی، آوارگان در نقاط مختلف

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

مبارزات طبقه کارگر در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی



تظاهرات عظیم ویرشکوه اول ماه مه در ۱۳۵۸

سومین سالگرد روز جهانی کارگر تحسنت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، در شرایطی فرا میرسد که طبقه کارگران ایران در این مدت کوتاه تجارب بسیاری را از سرگذرانده است. مبارزات طبقه کارگر در این مدت برمتن بحران اقتصادی-اجتماعی عمیق جامعه و اعتلا جنبش انقلابی توده ها، همراه با افت و خیزها و نوسانات بی دری بوده است که ارزیابی و تحلیل آن برای هر چه کارگاه ها نه تربیش بردن این مبارزات، ضرورت دارد. اما آنچه که مقدم بر همه لازم است، مشاهده دقیق روند جنبش طبقه کارگر در این مدت با تمامی نوساناتش میباشد.

مادراین نوشته میگوئیم تا سیر مبارزات طبقه کارگران به شکل عینی و در ارتباط با یکدیگر بررسی کنیم تا کارگران مبارز و زحمتکش بتوانند بدوران عوام غربی های دستگاه های تبلیغاتی رژیم و نسل وارونه زندنیایش، چگونگی حرکت طبقه خویش را بعد از قیام مشاهده کرده، ضعفها و نقاط قوت آنرا دریابند. چرا که همانگونه که تجربه جنبش جهانی کارگری تاکنون نشان داده، بدون پی بردن کارگران به اشکالات مبارزاتشان و بیرون اخلاص این اشکالات، سطح مبارزات کارگران رشد و ارتقا نیافته و تمامی تلاشهایشان برای خلاصی از قید و بند های زجر و رجامه سرما به داری و بهبود شرایط زندگیشان، مانند آبی خواهد بود که در کویر تشنه فرو میرود.

بزرگترین ضعفی که جنبش طبقه کارگر از آن رنج برده و میبرد، محروم بودنش از ستاد رهبری کننده و اصلی ترین سلاح کاری در مبارزه طبقاتی اش، یعنی حزب طبقه کارگر میباشد. بزرگی این ضعف زمانی مشخص میشود که بدانیم بدون حزب، نه تنها امر انقلاب پرولتری پیش نخواهد رفت، بلکه حتی انجام انقلاب دمکراتیک و غذا مهربا لیستی خلق نیز مشروط به اعمال رهبری طبقه کارگر از طریق ستاد درز منسده اش یعنی حزب کمونیست، میباشد.

ضعف جنبش کارگری ایران تنها به کمبود حزب طبقه کارگر، بهمانه ستاد درز منسده پرولتاریا محدود نمیشود، بلکه بعلمت عدم وجود شوراهای اتحادیه ها، سندیکا های کارگری و دیگر تشکلهای ابتدائی طبقه کارگر از یکسو نبود پیوند مستحکم بین کمونیستها و طبقه کارگر ایران، مبارزات کارگران ایران عمدتا پراکنده و

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!



اقتصادی میباید شد و زمینروست که میبینیم مبارزات طبقه کارگر اگرچه از نظر تعداد، بیشترین حجم مبارزه را تشکیل میدهد، اما ماباطر همین پراکندگی و عدم یکپارچگی قدرت طبقه کارگر، مبارزات کارگران نمیتوانند تا شیب تعیین کننده ای در جوسپاسی و خواسته های سیاسی - انقلابی و ضد امپریالیستی توده ها داشته باشد.

حال برای آنکه تا شیرات این کمبودهای جنبش کارگری را در عمل و در روند مبارزات دوله اخیر ببینیم، به بررسی این مبارزات میپردازیم. با توجه به آنکه یورشهای گسترده و عوامفریبیهای رژیم نظیر برآوردن آتش و آتیه سفارت، موجب بروز تغییراتی (افت و خیزهایی) در سطح مبارزات طبقه کارگر گردیده لذا برای بررسی دقیقتر این مبارزات را به چند مرحله تقسیم کرده و مورد توجه قرار میدهم.

۱- بعد از قیام بهمن ماه تا مرداد ۵۸

در این دوره مبارزات کارگران در شرایطی شکل میگرفت که توم نسبت به حاکمیت جدید بسیار بالاتر و غالب توده ها و از جمله کارگران رژیم جمهوری اسلامی را حکومتی "خودی" میپندارند که گویا فقط دارای ضعفهایی است! تبلیغات رژیم و مزدورانش مبنی بر اینکه "حکومت جدید وارث سالهای غرابی و کثافتکاری رژیم شاه است و تا پاک کردن آثار آن به زمان احتیاج دارد"، و دعوت خیانتکاری چگون بازرگان که در دراس دولت موقت قرار گرفته بود به اینکه میبایست "میرا انقلابی" داشت، بر توم و خوشبختی کارگران و سایر توده ها دامن میزد اما فشار اردیبد اقتصاد که ناشی از بیجبران سیستم سرمایه داری وابسته (و نه صرفاً حاکمیت رژیم شاه) بود، بیش از همه برگردید کارگران وارد میآمد. بخصوص که ماها اعتماد و دریا فست نکردن حقوق در او خرم رژیم شاه از طرفی، و بیکاری گسترده و خانمان بر اندازی که بعلمت فرار سرمایه ها و متغیبات کارخانه ها و... ایجاد شده بود، از طرف دیگر، کارگران را در آستانه فلاکت و فقر شدید قرار داده بود. رژیم ضد انقلابی حاکم نیز بنا بر ما هیتش اقدامی جز تشدید بیکاری و بحران انجام نداد.

بدین لحاظ کارگران اندکی بعد از استقرار رژیم جدید، در محله مبارزه (اینها مستقیم و غیر مستقیم بر علیه رژیم جدید) ظاهر شدند. منتها بعلمت حاکمیت توم بر آذنان، این مبارزات غالباً اشکال دفاعی و آرامی نظیر تحصن و

اعتماد به غذا داشته و از نظر محتوی عمدتاً اقتصادی بودند، بعنوان مثال با ید از نمونه های زیر نام برد: تخمن ۱۲۰۰ تن از کارگران شهرک اکباتان در وزارت کار در روز ۱۵/۱۲/۵۷ برای دریافت حقوق و مزایا باشان، تخمن ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه کاشی سعدی در اداره کار شهر ری برای خواسته های رفاهیشان در روز ۲۰ اسفند ۵۷ و با توجه به نقش برجسته ای که مبارزات کارگران بیکار در این دوره داشتند با ید موارد زیر را ذکر نمود: تخمن و اعتماد غذایی حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران بیکار در تهران در وزارت کار که از ۲۷/۱۲/۵۷ آغاز شده و تا چند روز بعد از عید نیز ادامه مییابد و انکسار بسیاری در میان توده ها برجای میگذارد. همچنین تظاهرات ده



هزار نفری بیکاران اصفهان در روز ۱۶/۱/۵۸ قابل توجه است که موجب وحشت بسیار رژیم گردیده و چهره ضد کارگری و خشن آنرا به نمایش میگذارد. در این روز مزدوران جمهوری اسلامی بمشوق کارگران بیکار رشلیک کرده و اقدام ترورنا جوانمردانه رفیق ناصر توفیق قیام می - نما بند و به کارگردی گردان جریان مجروح میشوند. نکته مهم در این حادثه روحیه و اقدام مقابله جویانه و تهاجمی کارگران بود که به زود و خورد با مزدوران پرداخته و با تخمن خود در روز بعد، مبارزات خویش را از محدوده خواست های منفی خارج کرده و به آن جنبه سیاسی میدهند.

علاوه بر خواسته های منفی که شکل غالب در مبارزات کارگران بود، یکسری مبارزات سیاسی خواست اعمال اراده کارگران بر تولید انجاء میگرفت که عمدتاً تحت رهبری تشکلات کارگری ایجاد شده در جریان قیام، صورت میگرفتند. نظیر تخمن و اعتماد غذایی چند روز کارگران کارخانه متوساک در روز ۹/۲/۵۸ برای اداره کارخانه که موقتاً به پیروزی میرسد، و با اعتماد

سراسری کوره پزخانه های آمل در اردیبهشت ۵۸ برای یکسری خواسته های رفاهی و منفی که منجر به کنترول ۱۱ کوره پزخانه توسط کارگران، می - شود. همچنین امتیاز اقدام انقلابی کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز مبنی بر اخراج مدیر مزدوران و بدست گرفتن اداره کارخانه در او خرم دما ۱۰ ماه برجسته ترین جلسه مبارزات طبقه کارگر در این دوره مربوط میشود به برگزاری با شکوه روز جهانی کارگر که در سرتاسر ایران و بخصوص در تهران عظمت خاصی داشت. تظاهرات پیروزی در تهران حدود نیم میلیون نفر را گرد آورده بود، تحت رهبری کمونیستها و با شرکت چندین هزار کارگر برگزار گردیده و نمایش قدرتی بود که لرزه بر اندام ارتجاع و رژیم حاکم انداخت. این تنها گوشه ای از قدرت طبقه کارگر بود که در فریاد دهانی کارگران زحمتکش و تظاهرات هرنهنگان انعکاس یافت. این روز که نخستین تظاهرات واقعی و علنی کارگری بعد از سالهای بسیار حاکمیت دیکتاتوری شاه بود، بدرستی نقطه درخشانی در جنبش طبقه کارگر ایران بحساب میآید. خواسته های مطرح شده در این مراسم غالباً سیاسی بود.

با گذشت زمان، کارگران در کنار سایر توده ها مشاهده میکردند که چگونه رژیم از آوردن کوچکترین خواسته هایشان عاجز است و چگونه برای پاسداری از سیستم سرمایه داری وابسته به سرکوب و کشتار و اعمالی شبیه آنچه که رژیم جنا بیکار شاه انجام داده بود، متوسل میشود. در این شرایط اگر چه بخش آگاه جنبش طبقه کارگر "یعنی جنبش کمونیستی، خود دچرا را نخواهد و در کهای راست روانه از رژیم بود، ولی مجموعه افشاگریها و تبلیغات کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی در این دوره به روشن تر شدن ذهن کارگران در مورد ماهیت سرمایه داری و رژیم جدید کمک نمود و بدین ترتیب کارگران کم کم پی میبردند که در جریان قیام چه فریب بزرگستی خورده اند! یعنی در شرایطی که حاکمیت جدید محمول سازشنا رهبران خلق با امپریالیسم بوده و از نظر ماهیت بورژواشی و ضد انقلابی آن هیچ تفاوتی با رژیم گذشته نداشت، توده ها بر این توم بودند که گویا رژیم جدید محمول مبارزات و قیام خودشان است

بدین ترتیب توهیات کارگران شروع به فرو ریختن نمود و انکسار آن در شدید تر شدن مبارزاتشان آشکار گردید. بعنوان نمونه از مبارزات قهرمانانه کارگران کارخانه میشو خرم دره در او خرم سرمایه داری بدینا مبرد، که بعد از تیراندازی وحشیانه با سدا ران به اجتماع کارگران و دستگیری نمایندگان نشان توسط مزدوران رژیم، کارگران مبارز با پرچم ساختن پیروان خونین رفقا باشان به تظاهرات پرداخته و جاده اصلی تهران - تبریز را ساحتها مسدود مییابند. آنها تظاهرات متحد و یکپارچه و با



اراده استوار به مبارزات خویش ادامه میدهند تا سرانجام رژیم سرما به داری حاکم را وادار به عقب نشینی و آزادی رفقایشان میسازند. آری، این حرکت انقلابی کارگران که انکاس و سیمی در میان طبقه کارگردد اشت، بهمان روشنی از آشتی ناپذیری خواستهای کارگران و رژیم عوامفریب جمهوری اسلامی بود

رشد و ارتقا مبارزات طبقه کارگر در کنار شدیدتر شدن مبارزات سایر توده ها بخصوص خلق - های قهرمان کرد و ترکمن و افزایش مبارزات توده های شهری برای کسب آزادیهای دموکراتیک و گسترش فعالیت انقلابی و افشاگرانه کمونیست - ها و انقلابیون دیگر، رژیم را بر آن داشت که برای حفظ حاکمیت خویش به یک یورش همه جانبه نسبت به توده ها و نیروهای انقلابی دست بزند و بدین ترتیب مرحله دوم جنبش طبقه کارگر با فرمان جهاد آیت الله خمینی بر علیه خلق رزمندگردد آغاز میشود.

۲- از یورش به کردستان تا واقعه سفارت

این حمله حساب شده و همه جا به نبه دستاورد - های انقلابی توده ها، از مدتی قبل تدارک دیده شده بود. رادیکالیزم و مطبوعات رژیم به لجن پراکنی بر علیه خلق دلاور کرد که برخلاف اغلب توده ها، سیر خوشبختی نسبت به رژیم جدید نگشته و بعد از نوزده خونی ۵۸ به مبارزه مسلحانه انقلابی بر علیه رژیم دست زده بودند، پرداختند. آنها سعی داشتند با بوجود آوردن "جوشد کردی" زمینه کشتار خلق کرد را در میان سایر خلقها فراهم نمایند. علاوه بر این، حملات اوباشان و مزدوران رژیم بر علیه مطبوعات انقلابی و دموکراتیک و به آتش کشیدن دفاتر نیروهای کمونیستی و انقلابی در دانشگاه و بطور کلی ایجاد محیط رعب و وحشت کوشیدند تا خفگان سیاه خود را بر خلق قهرمان ما تحمیل کرده و انقلاب را خفه سازند.

این یورش که با استفاده از تمام نیروی رژیم و توهماهایی که توده ها نسبت به آیت الله خمینی داشتند، انجام گرفت، برای مدتی هر چند کوتاه افضی در مبارزات توده ها و طبقه کارگر بوجود آورد. خفگان در کارها ها کم شد و هر حرکت اعتراضی بشدت سرکوب میگردد. برای مثال کمیته شهر صنعتی البرز به خشک اعلامیه را در کارخانجات ممنوع میکند، یک

کارگر صنایع فولاد هوا زجرم پیش اعلامیه دستگیروزندانی میشود، تظاهرات بخشی از کارگران ایران ناسیونال در مردابا میسر علیه آشتینا میانه نضایی، مورد حمله پاسداران قرار میگردد و یک کارگر مجروح میشود. کارگر مبارز رخ زرین در مهرماه توسط پاسداران سرما به دستگیر میشوند و... مبارزات کارگران بخصوص در ماه شهریور کاش فراوانی می یابد. طرح ایجاد "نیروی ویژه" در کارخانجات که همان اداره حفاظت و سواک رژیم گذشته بود و در مردابا به تمویب "شورای انقلاب" رسیده بود، زمینه مناسبی برای عملی شدن مییابد. اما مدت زیادی نمیگذرد که به خصوص بعد از مقاومت حماسه آفرین خلق قهرمان کرد در مقابل یورش فاشیست و توطیهای ارتش آمریکا و پاسداران مزدور، مبارزات کارگران و سایر توده ها دوباره اوج میگردد. در واقع حمله رژیم برای خفه کردن انقلاب با شکست مفتضحانه ای بخصوص در کردستان مواجه میگردد.

تحمین دوزخ و چهار هزار نفره کارگران شرکت واحد را و غرضیورما برای افزایش دستمزد، راهپیمایی و اجتماع ۴۰۰۰ نفر از کارگران مبارز صنایع فولاد هوا زجرم مهرماه برای خواستهای ایجاد شورای مستقل، انحلال نیروی ویژه و تکیه بر ضرورت وحدت و یکپارچگی طبقه کارگر، تحمین هزار نفر از بیکاران تبریز در استان تدارکی که علیه رژیم یورش پاسداران سرما به مقاومت قهرمانان سرما کارگران مواجه میشود، در اوایل مهرماه، اعتماد کارگران تخریب و با رگیری بندر خمینی برای خواستهای رفاهیشان در آذر مهرماه، پیروزی مبارزات کارگران تخریب زمین برای آزادی رفقایشان در اوایل آبان و بالاخره مبارزات کارگران بیکار رتهرانی که به اشغال

انقلابی و مجدد "خانه کارگر" در روز ۵/۵/۵۸ توسط بیش از ۱۵۰۰ نفر منجر میگردد، همه و همه نمونه هایی از آواگری مبارزات طبقه کارگر هستند در کنار آواگری مبارزات سایر توده های انقلابی و گسترش اختلافات درون رژیم، حزب جمهوری اسلامی دست به حرکتی عوامفریبانه میزند، بدین صورت که با اشغال سفارت آمریکا توسط "دانشجویان خط امام" دارودسته حزب جمهوری در رژیم قدرت بیشتری گرفته و با نظا هر به "خدا میریالیست" بودن و ایجاد هیاهوی بسیار، برای مدتی برای موج رویه افزایش مبارزات خدا میریالیستی و دمکراتیک توده ها سوار میشوند و بدین ترتیب مرحله جدیدی در مبارزات طبقه کارگر و توده ها بوجود میاید.

۳- از اشغال سفارت تا اردیبهشت ۵۹

رژیم با استفاده از توهمی که در ذهن طبقه کارگر بوجود آورده بود، از این پس هر حرکت اعتراضی و مبارزاتی کارگران را تحت عنوان "تحریک خدا انقلاب" و "توطئه آمریکا" سرکوب مینمود و هر خواست حق طلبانه آنها را به بهانه آنکه "توطئه آمریکا" است خفه می نمود. "مادر" محارمه اقتصادی قرار داد رژیم "نظا بر آن، ساکت میگردد، رژیم که با یورش و سرکوب همه جا نبهش در تابستان نتوانسته بود انقلاب را خفه سازد، اینبار با دامن زدن بر توهم توده ها و رنگ آمیزی چهره خد مردمی خویش، توانست برای مدتی اذنان توده ها را منحرف کرده و از سوی دیگر به پس گرفتن دستاوردهای مبارزاتی آنها بپردازد.

در رابطه با جنبش طبقه کارگر، میتوان از اعمال خد کارگری زیر عنوان نمونه نام برد:



تظاهرات نیروهای کمونیست در اوایل ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۵۹)

کارگران جهان متحد شوید!



تصویب ماده ۹ قوانین "جرايم خدا انقلاب" که برای کارگران مبارز و انقلابی ۲ تا ۱۰ سال زندان تعیین کرده بود، ممنوعیت هرگونه تظاهرات تحمیل و اقدام مبارزاتی کارگران، از سوی "شورای انقلاب" در اوایل آبانماه، استقرار "نیروی ویژه" در صنعت نفت در اوایل آبان به منظور سرکوب مبارزات کارگری و تعقیب و اخراج کارگران، تصرف خانه کارگر بوسیله پادشاهان مزدور رژیم در اوایل آذرماه و تصمیم شورای انقلاب در بیستم ماه منتهی به اجرای ۲۸ ساعت کار در هفته برای کارگران و دهها نمونه دیگر از اقدامات سرکوبگرانه رژیم در این دوره است.

اما علیرغم اینها مبارزات کارگران متوقف نگردید، کارگران بیگانه که شدیداً در معرض فقر و فلاکت قرار داشتند، زودتر از سایر کارگران عکس العمل نشان دادند و در اغلب موارد تغییراتی در شمارهای مبارزاتی شان رخ داد که از جمله آنها اضافه شدن یکسری شعارها و خواستههای خدا مهربان لیستی بر شعارها و خواستههای قبلیشان بود. مثلاً کارگران بیکار تهران در ۵۸/۸/۲۱ به اشغال انقلابی وزارت کار میپرداختند و کارگران بیکار و فزونی در روز ۵۸/۸/۲۲ ضمن راهپیمایی با شکوهی ابتدای مدت ۲ روز و سپس ۱۷ روز در اداره کار این شهر متحصن میشوند و در روز ۵۸/۹/۳ حدود ۴۰۰۰ نفر از کارگران سندیکای پروژههای آبادان و حومه با انجام راهپیمایی سیاسی و پرشکوهِی خواهان لغو قراردادها و امپریالیستی و پرداخت بیمه بیکاری و ایجاد کار شدند.

البته واقعه سفارت در منحرف نمیشود و مبارزات کارگران نیز نقش قابل توجهی ایفا کرد. بدین ترتیب که کارگران که مبارزاتشان بصورت عمومی آنها را در مقابل رژیم قرار داده بود، اینک با تظاهرات خدا مهربان لیستی خود، بدنبال حزب جمهوری عوام فربان گشته و بنیادست با پشتیبانی از حرکت سفارت، سمت و سوی مبارزه شان نیز برچهره رژیم خدا انقلابی حاکم میگرفت. انعکاس این انحراف در مبارزات کارخانه ها نیز بصورت مبارزه برای دولتی کردن کارخانه ها (با این توهمن گویا دولتی کردن همان ملی کردن است) و در حقیقت کشمکش بین دو جناح حزب ولیبرالها و... متبلور می گشت.

البته توهمن کارگران اینبار هم دیگری نباشد و بعد از گذشت چندماه، جنبش کارگری مجدداً روبه اوج نهادهای مبارزاتی که

کارگران در این مدت کسب کرده بودند، شیوه مبارزاتیشان تعرضی تر گشته و کارگران در مقابل سرمایه داران و حتی مزدوران اسلحه بدست رژیم ایستاده و از حقوق خویش دفاع می نمودند و در بسیاری از این مبارزاتشان رژیم را وادار به یکسری عقب نشینی ها نیز کردند. از جمله میتوان به اعتصاب پیروزمندان به ۵۰۰ نفری کارکنان کارخانه چوکا در اوایل خرداد ماه اشاره کرد که به گروگانگیری سرپرست مزدورشان کشیده شد و موجب اخراج افراد مسلح از کارخانه و قدرت یابی شورای کارگران گردید. ویس راهپیمایی کارگران مجتمع فولاد اهورا برای لغو قراردادها و امپریالیستی رسمی شدن کارگران پیمانی در اوایل خردادماه، اعتصاب کارگران شهرداری بندرعباس برای آزادی ۱۳



تن از نما پندگانشان در ۵۸/۱۱/۹، راهپیمایی ۲۰۰۰ نفر از کارگران پروژههای گساران در ۵۸/۱۱/۲۲ و پیروزی کارگران کارخانه نازنج قزوین در اوایل اسفند که با گروگانگیری مسئولان و راهپیمایی برای آزادی نمایندگان خودتوأم بود، نمونه هایی از حرکات انقلابی و تنها جمعی کارگران در شهرستانها بود و یکی از خواستهایی که در اوایل خرداد ۵۸ محور مبارزات کارگران قرار گرفته بود، مسئله سودویژه و تلاش رژیم برای حذف آن بود. اعتصاب و میتینگ عظیم بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران ۲۴ کارخانه گیلان که در روز ۵۸/۱۲/۲۰ و بدعوت "اتحاد شوراهای گیلان" انجام میگرفت، نمونه با شکوهی از وحدت و قدرت طبقه کارگر را بنمایش گذاشت که موبران سرمایه داران و رژیم میشان راست نمود. خواستهایی کارگران در این اجتماع سیاسی و اقتصادی بوده و برای نمونه خواهان برسمیت شناخته شدن شوراهاشان، قطع وابستگی به امپریالیسم، لغو قانون آریا مهری کار و تدوین قانون جدید توسط کارگران بودند.

در تهران مبارزات کارگران تحرک و جلوه خاصی داشت بطوریکه رژیم را عوامی و وحشتناک کرده بود. موارد زیر نمونه های برجسته آن بودند: مبارزات با شکوه کارگران کارخانه مینو برای خواستهایی چون سودویژه در اسفند ماه که با انحلال شورای قلبی و گروگانگیری مقامات کارخانه آغاز شد و منجر به هجوم وحشیانه پادشاهان سرمایه به کارگران گردید همچنین کارگران مبارز کارخانه ایرانا بعلت کاهش سودویژه در روز ۵۸/۱۲/۱۷ دست به اعتصاب و گروگانگیری زده و با کنترل کارخانه تجارب گرانیهایی از همبستگی و فداکاری کارگران بر جای میگذارند. مزدوران مسلح رژیم با یورش خود به کارخانه و زندانی کردن ۲۵ نفر و اخراج ۶۵ کارگر مبارز، به سرکوب حرکت انقلابی کارگران میپردازند. همچنین است مبارزات قهرمانانه کارگران کارخانه در اوپخش برای دریافت سود ویژه که به تحمیل کارگران میانجی مدیو با یورش ارتجاع در فروردین ۵۹ که منجر به زخمی شدن چند کارگر مبارز و اخراج چند نفر دیگر میشود، سرکوب میگردد. اگرچه در این مبارزات انحرافات آنارکوسندیکالیستی نیز وجود داشت که خود لطماتی به مبارزات کارگران وارد آورد.

اوایل اسفندماه کارگران بیکار نیز به یورش و اندیشک به تظاهرات بر علیه رژیم میپردازند و مورد یورش وحشیانه ۳ بدستان جمهوری اسلامی قرار میگیرند، که در روز ۴ تن شهید و دهها تن زخمی می شوند و در اندیشک نیز ۲۱ نفر زخمی و دستگیر شده و نفر که یکی از رفقای هوادار سازمان (بنام حجت الله خوش کفا) نیز در میان آنها بود، شهید میشوند. این جنایات وحشیانه که در فاصله کوتاهی از یکدیگر در مورد بیکاران انجام میگرفت، موج خشم و نفرت را در میان توده ها و بخصوص طبقه کارگر ایران دامن میزند. موج افشاگریهای کمونیستها و نیروهای انقلابی پیرامون این قتل عامها، در شکستن هر چه بیشتر توهمنها موشرمیا فتنه در راهپیماییهای متعددی از سوی بیکاران سا بر مناطق در محکوم کردن این جنایات، برگزار میشود.

رویه گرفته، اوچگیری جنبش توده ای در این مقطع، که با کاهش چشمگیر توهمنها نسبت به رژیم و شدیدتر شدن مبارزاتشان همراه است، بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار میدهد، بطوریکه برای نجات خویش تنها راه را تدارک یک یورش همه جانبه دیگر برای خفه کردن انقلاب در سران ایران می بیند. از اینرو اینبار با تمام قوا به گردستان قهرمان یورش برده و از هوا و زمین به کشتار خلق بیدفاع گرد میپردازد. همزمان با حمله مجدد به گردستان، دانشگاه این سنگر آزادیهای دمکراتیک و فعالیت های انقلابیون و کمونیست ها، مورد هجوم و با شان و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرد. رژیم پدینوسله



میکوشد تا با ردیگر با ایجاد محیط خفقان، هر گونه صدای اعتراضی و میزورندای افشاگران را در منطقه خفه کرده و با بی خبر گذاشتن توده ها از واقعیات امر، دروغ پردازی های خود را بخورد آنها را ده و با خیال آسوده به سرکوب انقلابیون بپردازد، اما چه خیال خامی! خلق قهرمان کرد و دانشجویان انقلابی اگر چه خونهای بسیار نشان را انقلاب تا تمام خلق کردند، اما به همراه سایر توده های انقلابی هرگز اجازه خفه شدن انقلاب را ندادند.

۲- از هجوم گسترده ارتجاع در اردیبهشت ۵۸ تا جنگ ایران و عراق

انکسار سرکوبگری رژیم در جنبش طبقه کارگر در اردیبهشت و غلبه اشکال از هم پاشیدن تشکلات کارگری نظیر کارخانن شورا های شرق، اتحادیه شورا های گسترش صنایع، اتحادیه شورا های اراک، اتحادیه شورا های گیلان و شورا های واقعی کارخانجات و سرکوب و اخراج کارگران انقلابی و مبارز بود، بعنوان نمونه با بدازش هاد یک از کارگران شرکت نفت به دست پاسداران ارتجاع، حمله به شورای کارکنان تراکتور سازی تبریز، اخراج ۹ تن از کارکنان مبارز کارخانه تاج اصفهان، اخراج ۱۷ تن از کارگران مبارز کارخانه ایرانا و اخراج ۸ تن از کارگران مبارز کارخانه کارتن سازی قزوین که همگی در اردیبهشت ماه انجام گرفتند، تمام بود. همچنین اخراج عده ای از کارگران ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز در خرداد ماه، دستگیری نمایندگان کارگران کارخانه "ساکا" در خرداد، اخراج کارکنان شرکت نفت لاهیجان، دستگیری نمایندگان کارخانه دپسمان در مرداد ماه و... نمونه های دیگری از اقدامات سرکوبگرانه رژیم در اردیبهشت و خرداد است.

مراسم روز جهانی کارگر، گردهم آید سال ۵۸ ولی هم توسط تشکلات کارگری و هم توسط نیروهای کمونیست بصورت تظاهرات و راهپیمایی برگزار میشود. مهمترین مبارزه ای که طبقه کارگر در کش و قوس یورش سرکوبگرانه رژیم، بدان دست میزند، اعتصابات گسترده کارگران کوره پزخانه های تهران است که جمعا حدود ۱۵ هزار کارگر در نیمه اول اردیبهشت دست به اعتصاب میزنند. کارگران در مقابل یورش

عراق بدادش رسید. جنگی که هدفی جز تا مین منافع سرما به داران دور زیم ارتجاعی نداشته و توده ها بعنوان گوشت دم توب سرما به داران قربانی منافع آنان میگردد. اما رژیم با سوء استفاده از احساسات وطن پرستانه مردم و بهانه "دفاع از آب و خاک و میهن" فرصتی مییابد تا نه تنها جلوی رشد و گسترش مبارزات توده ها و طبقه کارگر را بگیرد، بلکه فضا ریشتری را بر سر کرده کارگران و زحمتکشان وارد سازد. بعنوان مثال شعار افزایش تولید که در کارخانجات توسط عوامل رژیم و رویزیونیستهای خائن به طبقه کارگر، تبلیغ میشود، حاصلی جز افزایش شدت کار و استثمای کارگران در مقابل میزد نباشان ندارد. علاوه بر این رژیم سرما به داران هر روز به بهانه ای مقداری از حقوق و مزایای کارگران را از آنان میگیرد. مثلا به اسم کمک به جنگزدگان بکرو حقوق و یا پول نهار کارگران را قطع میکنند، در حالی که در بسیاری از موارد این کمکها و حتی کمکهای جنسی نیز بدست مردم جنگزده و آواره نمیرسد.

داد و فریادهای سران رژیم مبنی بر "خیرو برکت" جنگ نیز بیهوده نیست چرا که علاوه بر "خیرات" مذکور، جنگ این "برکات" را نیز برای سرما به داران و رژیم آنها داشته است که هر فریاد اعتراضی و حق طلبانه کارگران و زحمتکشان را به بهانه این "برکت" اما اینک در حال جنگ هستیم و با بهر گونه فشاری را بر خود تحمل کنیم! سرکوب کرده و آنرا "توطئه ضد انقلاب"، آمریکا، عراق و بر قدرتها "جلوه دهند، به عبارت دیگر جنگ تا عا دلانه دور زیم ایران و عراق، درست مانند جریان سفارت در سال قبل از آن، جهت مبارزات توده ها را منحرف نمود. اما همانند واقعیت سفارت که مدت زیادی نتوانست توده ها

با سداران سرما به که همواره در اینگونه موارد نقش درجه اول را در سرکوب کارگران به عهده داشته اند، دست به مقاومت قهرمانانه ای زده و حتی در مواردی مزدوران را خلق سلاح میکنند. اما بعد از آن مدت کوتاهی رکودی در مبارزات کارگران بوجود میاید، که دوام چندان نمیاید و زتیر ما به به بعد شاهد و جگری و شدت یابی مجدد مبارزات کارگران هستیم. مثلا در قاشمشهر کارگران مبارز روز ۱۰/۴/۵۹ به پشتیبانی از مبارزات سایر توده ها و دانش آموزان انقلابی دست به اعتصاب و تظاهرات سیاسی و خونینی میزنند و در مرداد ماه کارگران کارخانه کشف کارگیلان نماینده مجلس را از کارخانه خویش بیرون میکنند. همچنین کارگران کارخانه پارس مثال تهران بعد از یکماه و نیم مبارزه که توان مبارز کارگران نگیری مقامات کارخانه بود، در شهریور ماه به پیروزی رسیده و موفق به بازگرداندن نمایندگان اخراجی خود میشوند. در مقابل رشد مبارزات کارگران و سایر توده ها که توهم آنها نسبت به رژیم مرتباً در حال کاهش یافتن است، رژیم به چاره جویی افتاده و یکسری مقررات ضد کارگری جدید وضع میکند. مانند قانون ۴۴ ساعت کار اجباری که توسط شورای انقلاب در شهریور ماه اعلام میشود. همچنین تعطیل پنجشنبه ها لغو میگردد. تا اینکه جنگ ایران و عراق پیش می آید و در پی آن مدخود ابعد از زده ای پیدا کرده و شدت مییابد.

۵- از شروع جنگ تا کنون

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی، پایگاهش را در میان توده ها به نسبت قابل توجهی از دست داده بود و عوام قریب بهایش دیگر موثر نبوده و روز بروز بیشتر در مقابل مبارزات توده ها در انزوا و انفراد قرار میگرفت، جنگ ایران و



گوشه ای از شعارها و خواستهای حق طلبانه کارگران در راهپیمایی باشکوه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، مقابل خانه کارگر

زنده باد سوسیالیسم!



بعد از قیام افاقت و غیره های متعددی را پشت سر گذاشته و اکنون در حال غیبت است. اما همانطور که در ابتدا گفتیم خود بخودی بودن این مبارزات وضعف تشکیل کارگران (چه تشکلات توده ای نظیر شوراهای واقعی کارگران و چه فقدان ستاد در زمینه اش یعنی حزب طبقه کارگر) موجب میشود که کارگران علیرغم تمامی ازجانب گذشتگیها و قهرمانیهایشان نتوانند از مبارزات خود نتیجه لازم را بگیرند. بنا بر این آنچه که حتی از تجربه همین دو سال حاصل میشود، لزوم ایجاد هر چه سریعتر و پیگیرانه تر تشکلات کارگری در مراکز تولیدی از طرفی و مهمتر از آن افزایش آگاهی طبقه کارگران و ضرورت ایجاد حزب طبقه کارگران از طرف دیگر، میباشد. چرا که تنها یکم حزب است که طبقه کارگر میتواند در آن خود را بسوی سوسیالیسم هموار ساخته و انقلاب دمکراتیک خلق را به پیروزی برساند.

مستحکم با دهمبستگی جهانی طبقه کارگر!
مرگ بر امپریالیسم جهانی!
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!
برقرار با دهمبستگی دمکراتیک خلق!
زننده با دسوسیالیسم!

اینکه رژیم بوحشت افتاده و در مقابل آنسان تسلیم میشود، در اوایل سال ۵۹ مبارزه برای دریا فت سود و یژه که رسماً توسط رژیم قطع میشود در کارخانجات سراسر ایران اوج میگردد. از جمله تحمن چند هزار نفره کارگران کارخانه کفش ملی است که با یورش وحشیانه با سداران مواجه میشوند و طی آن چندتن کارگر مجروح میشوند همچنین مبارزات برای سود و یژه در کارخانجات فیلیپس، ایران الکتریک، سایپا، و... گسترده میشود.

کارکنان شرکت واحد نیز با اعتصاب و تحمن خود در روزهای ۳ تا ۵ اسفندماه، رژیم را تحت فشار قرار داده و او را اوارا و اکنش سریع و سرکوبگرانه میکند. این مبارزات و دهها نمونه دیگر که روز بروز گسترده تر میشوند، بیانگر او جگیری جنبش انقلابی طبقه کارگر است که بر متن اعتلا انقلابی جامعه نوید پیکارهای بزرگی را در آینه میدهد. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تمامی سرکوبگریها و عوامفریبیهایش امروزه ضعیفتر و عاجزتر از آنست که بتواند انقلاب توده ها را خفه سازد و این واقعیت را از حاد شدن اختلافات درونی رژیم بخوبی میتوان تشخیص داد. از سوی دیگر مبارزات طبقه کارگر

را در توهمن نگه دارد، جنگ نیز مدت زیادی موجب رکود مبارزات کارگران و سوسیالیست ها نگردد، بخصوص که اینبار تشدید بحران اقتصادی در اثر جنگ، موجب گسترش بیسابقه بیکاری و گرانسی ما محتاج مردم شده و فقر و فلاکت آنان را به سطح بیسابقه ای رسانده است. مبارزات کارکنان مناطق جنگزده صنعت نفت ابعاد فراوانی می یابد، برای نمونه در روز ۵۹/۸/۱۰ کارکنان پالایشگاه آبادان در اجتماع خود در مقابل شرکت نفت تهران قریباً اعتراضی خود را بگوش مردم میرسانند. همچنین روز ۵۹/۸/۱۷ حدود ۲۰۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت در ماهشهر دست به راهپیمایی میزنند. در تهران از روز ۵۹/۹/۲۹ تا اوایل دیماه بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران جنگزده غر مشهر دست به تظاهرات و راهپیمایی های متعدد میزنند. روز ۵۹/۱۰/۶ حدود ۵۰۰ تن از کارکنان جنگزدگان با خانواده هایشان در دفتر مرکزی شرکت نفت متحمن میشوند و در شهرهای شیراز، اصفهان، ماهشهر، کارکنان جنگزده دائماً اجتماعات متعدد برگزار کرده و ضمن طرح خواسته های برحق خویش به افشای عملکردهای فسادکارگری رژیم میپردازند. از جمله این اقدامات طرح بازنشستگی اجباری کارکنان، اخراج برخی از آنان، عدم پرداخت حقوق کامل کارکنان و سرانجام دستگیری ۳ تن از نمایندگان شورای سراسری کارکنان جنگزده میباشد که کماکان در زندانند و اقدامات اعتراضی و متعدد کارکنان مناطق مختلف جنگزده تاکنون به نتیجه ای نرسیده است.

همچنین در تهران روز ۵۹/۹/۱۰ اعتصاب کارگران کارخانه کاژا درای به زد و خورد خونین با سداران سرما به کشیده میشود. کارگران قهرمان علیرغم دادن یک شهید و چند زخمی، دلیرانه در مقابل مزدوران میایستند و ضمن تعرض بر علیه آنها چند مزدور را زخمی کرده و روحیه ای انقلابی از خود نشان میدهند. اداره کار کرج توسط بیکاران این شهر مجدداً در روز ۵۹/۹/۱۵ به اشغال درمیآید. کارگران کارخانه سیمان سپاهان اصفهان در روز ۵۹/۹/۳۰ بخاطر قطع ایاب و ذهاب، دست به اعتصابی سه روزه میزنند که با یورش سداران و دستگیری ۱۵ کارگر مبارز مواجه میشود. کارگران دغانیا بخاطر کم شدن ۲۵٪ حقوقشان دست به اعتصاب ده و چندین روز جلوی خروج تولید را میگیرند، تا



همچون همه رژیم های سرمایه داری...



بیکاری شتری است که در رژیم جمهوری اسلامی
همچون همه رژیم های سرمایه داری بر در خانه
هر کارگری میخوابد.

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

روز جهانی کارگر
۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

روشنفکران و جنبش کمونیستی

(قسمت اول)

کاربرها کننده وفردی است، روشنفکر نیز مجبور است که هویت خود را در حفظ این شرایط فردی و پرورش استعداد های عمومی خود جستجو نماید. این شرایط فردی، مستلزم روحیه انفرادی منشی و تأثیرات روشنفکرانه می باشد که خود را و لیست خلعت اساسی این قشر را تشکیل میدهد.

● سرچشمه تمام خصائل روشنفکران معمولی از قبیل انضباط ناپذیری، خود محور بینی، عدم متانت، ناپیگیری، خیال پردازی، آکادمیسم، تزلزلات روحی و... را می توان در همین دو خلعت اساسی فوق، یعنی گرائی و انفرادی منشی خلاصه کرد.

دومین خلعت اساسی روشنفکر معمولی، همان ذهنی گرائی است و ناشی از این واقعیت است که روشنفکران با واقعیت های عینی بیابلا رابطه برقرار نداشته بلکه با نشانه های این واقعیت ها از طریق کار فکری سروکار دارند. در نتیجه همیشه این احتمال وجود دارد که روشنفکر در خطرات اخراج چشم بستن بر واقعیت عینی قرار گرفته و بنابه تمایلات ذهنی خود، نشانه های این واقعیت را بجای خود این واقعیت عوضی بگیرد. سرچشمه تمام خصائل روشنفکران معمولی از قبیل انضباط ناپذیری، خود محور بینی، عدم متانت، ناپیگیری، خیال پردازی، آکادمیسم، تزلزلات روحی و... را میتوان در همین دو خلعت اساسی فوق، یعنی ذهنی گرائی و انفرادی منشی خلاصه کرد. رفیق اینین خود در توصیف همین روشنفکران - فکران خرده بورژوا و تشا آنها با طبقه کارگر در کتاب "یک گام به پیش دو گام به پس" از قول کائوتسکی (که در آن زمان هنوز مارکسیست بود) چنین نقل قول می آورد:

"منظور من از روشنفکر فقط روشنفکر معمولی است که به جا معسرما به داری متکی است و شما بنده ها خن طبقه روشنفکران. این طبقه با پرولتاریا تشا دمعینی دارد.

این تشا دمعینی با تشا دبین کار و سرما به متفاوت است. روشنفکر - سرما به دار نیست. صحیح است که وضع زندگی وی یک وضع بورژوازی است و ما می که به هرزه گرد تبدیل نشده است مجبور است این وضع را حفظ کند، ولی در عین حال او مجبور است محصول کار خود را غلب نیروی کار خود را نیز بفروشد و چه بسا محتمل است که از طرف سرما به دار روخت و خواری اجتماع معینی نیز بشود. بدین طریق روشنفکر با پرولتاریا هیچگونه تشا د اقتصادی ندارد. ولی وضعیست

در او پنهان بوده است شکوفا شده، و فرهنگی را کشف میکند، که او را با آنچه چیزی که تا بحال به تاریکی می دیده است، روشن میکند. او در مارکسیسم اظهار واضح خودش را می نماید و آنچه چیزی که در ضمیرش بوده آگاه میشود. از این روزها نیکه یک کارگر کمونیست میشود خودش را تشا د و محکم میکند

زمانیکه یک روشنفکر کمونیست میشود، وقایع ما نه در قبیل تجلوه نمیروند، در هر مرحله پیروزی آگاهی نوسیا لیبستی، روشن فکر مجبور میشود که چیزی از گذشته را خراب و ویران کند. بنا بر این او خراب میکند و می سازد، در اولین وهله او گمان میکند که چیزی نوین در مقابل خودش نیا فریده. بلکه در حال مبارزه با خودش و بر علیه خودش است. زمانیکه یک کارگر کمونیست میشود، او می - دانند که خوا هنجنگید و غنما بخوا هدر دوار مبارزه با سرما به داری خواه دد، و حتی ممکن است کشته شود اما با این وجود فقط یک دشمن دارد و این دشمن یک دشمن خارج از اوست، این دشمن سرما به داری است. در حالیکه روشنفکر میبایست که این نیرو را در وجهه تجلوه ببرد، بکم بر علیه خودش مبارزه کند و آن مبارزه باست بر علیه خرده بورژوازی خمار و دودم بر علیه دشمن خارجی یعنی سرما به داری.

دو خلعت مهم روشنفکران خرده بورژوا، انفرادی گرائی و ذهنی گرائی میباشند. این دو خلعت دقیقاً از شرایط کار روزندگی این روشنفکران برخاسته و انعکاس روحی وضعیت آنهاست. روشن فکر خرده بورژوا انفرادی است، زیرا نسبت به قدرت فکری و دانش خود بعنوان یک مالکیت خصوصی نگریسته و آن را همچون بیه و ریاد کانداری که به مالک کوچک خود چسبیده است، سر - سخنان محافظت مینماید. او آن دانش و مهارت فردی را که در اشا استفاده از تعلیم و تربیت عمومی جا معسرما به داری (از قبیل استثمار بورژوازی از کارگران و زحمت کشان) بدست آورده است، همچون سرما به داری گرانها نزد خویش نگاه میدارد و میگوید تشا از محمولات کارایی - سرما به فقط خود منتفع گردد. از تشا که شرایط کار و نیز تشا د پیشه و ران و دکان داران شرایط

۱- قشر روشنفکر و پرولتاریا

بیدایش قشر روشنفکر به تقسیم کار اجتماعی به کار فکری ویدی به او خرد و به جا معسرما اشتراکی اولیه و اوائل دوره نظام برده داری بر میگردد. جا معسرما به داری قشر روشنفکران که در نتیجه این تقسیم کار وجود آمده بود تنها بصورت یک قشر وسیع و منجمد آ و رد و آنرا وابسته به خود نمود. اقشار مختلف روشنفکران که تمام با کار فکری سروکار داشتند وجود داشتند که در خدمت دستگاه اداری، سیاسی، پدولوژیکی، نظامی و اقتصادی بورژوازی قرار گرفتند. کارمندان ادارات، وکلای قضا، پزشکان، مهندسان، مور - بین نظامی، فیلسوفان، آموزگاران و دانشجویان و... تشا ما در نتیجه خلعت اجتماعی نیروهای مولده جا معسرما به داری از یک طرف و احتیاج بورژوازی به حفظ مالکیت خصوصی خود بر طرف دیگر از طرف دیگر وجود آمده و بصورت یک قشر وسیع و منجمد آ شدند.

با وجود نیکه روشنفکران به شکل وسیع و منجمد، خود را خرد بر سرما به داری و احتیاج بورژوازی بوجود آدند، ولی این وابستگی به آن مفهوم نبوده که کما کما در خدمت بورژوازی باقی میمانند. از تشا که روشنفکر در واقع تشا د های طبقه ای در جا معسرما به داری است و تشا د های فکری نسبتاً اندک تشا د ها را به حساب - ترین وجهی منمکس بنا زد. در نتیجه قشر روشنفکر نیز نمیتواند در جا معسرما به داری تشا داری یک ماهیت طبقه ای تشا د طبقه است گریه های مختلف طبقه ای در آن، این قشر را به بخشهای مختلف طبقه ای تقسیم مینماید: گروهی در خدمت بورژوازی باقی میمانند و گروهی بسمت پرولتاریا کشیده میشوند (و بخصوص اگر جا معسرما به داری عقب مانده و تولید خرده بورژوازی در آن غالب باشد) گروه بیشتری بعنوان روشنفکران خرده بورژوا باقی میمانند.

یک روشنفکر خرده بورژوا البته میتواند با استفاده از دسترس خود به علم و آگاهی، مواضع خرده - بورژوازی و بورژوازی خود را ترک گفته و در جریان مبارزه طبقه ای، با مجهز شدن به آیدئولوژی طبقه کارگر یعنی مارکسیسم لنینیسم، در جهت از بین بردن خا ثل طبقه ای خود اقدام نماید. این امر مستلزم آن است که روشنفکر تشا د در مبارزه طبقه ای پرولتاریا علیه بورژوازی شرکت نماید و بدین طریق در تغییر انقلابی جا معسرما فعالانه شریک شود، بلکه علاوه بر آن با بدیده به - بله همراه با دست یافتن به آیدئولوژی پرولتاریا خلعت های گندیده بورژوازی و خرده بورژوازی را در درون خود محو و تشا د خا ثل بورژوازی را پرولتاریا بنشانند. در همین رابطه، رفیق انور - خوجه در مقاله "درباره روشنفکران" میگوید:

"زمانی که یک کارگر کمونیست میشود، او احساس میکند چیزی که از قبیل تابحال

پرچم مبارزه آیدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

میدان برای تاخت و تاز پیدا می نمایند. از آنجا که هنوز این روشنفکران علیرغم گرایش ایدئولوژیکشان به سمت پرولتاریا قایل نشده اند که به این گرایش عینیت مادی بخشند، در نتیجه تزلزلات ونوسانات بورژواشی در آنها برای حتی امکان بروز پیدا می نمایند.

در برخورد به این زمینه مسا برای بروز انحرافات در قشر روشنفکران کمونیست، یک اشتباه رایج آن است که اساساً به نفعی ضرورت روشنفکران کمونیست افتاده و برای فرار از تزلزلات روشنفکران به نفعی عنصر آگاه می رسد.

کافی نیست که بگوئیم فلان نیرو دارای انحراف روشنفکرانه است، بدون اینکه روشن سازیم که این انحراف خود ناشی از عملکرد کدام سیستم فکری غیر پرولتری می باشد. اشکال مختلف رویزونیسم، تروتسکیسم و دیگر انواع اپورتونیسم، هم زمینه رشد خود را در تزلزلات روشنفکرانه میابند.

این اشتباه خود زمینه ساز یک انحراف بورژواشی است که در نتیجه آن طبقه کارگر محروم ز رهبران فکری خود مانده و در زیر آماج حمله بورژوازی قرار میگیرد. شکل پوشیده تر دیگر این انحراف که بصورت برخوردی خطت گرایانه رخ میدهد آن است که تصور کنیم بورژوا انحرافات روشنفکرانه جدا از گرایش های ایدئولوژیک - طبقا تسی - حاصلین آن است و در نتیجه برای مبارزه با این انحرافات روشنفکرانه فقط همین کافی است که با فرد گراشی، ذهنی گراشی، یکتا ریسیم و امثال آن جدا جدا برخورد شود. غافل از اینکه تمام این تبلورات روحیه روشنفکرانه، خود ناشی از عملکرد ایدئولوژی بورژوازی و نفوذ اشکال مختلف آن در درون جنبش طبقه کارگر - چون رویز - یونیسم و تروتسکیسم و... می باشد. به عبارت دیگر کافی نیست که بگوئیم فلان نیرو دارای انحراف روشنفکرانه است، بدون اینکه روشن سازیم که این انحراف خود ناشی از عملکرد کدام سیستم فکری غیر پرولتری می باشد. اشکال مختلف رویزونیسم، تروتسکیسم و دیگر انواع اپورتونیسم هم زمینه رشد خود را در تزلزلات روشنفکرانه میابند. به ویژه تروتسکیسم از آنجا که بدلیل شکل خاصی دستگاه ایدئولوژیکش با منافع هیچ یک از اقشار بورژوازی جز روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا خوانائی ندارد، بهر آن حتی درون این قشر نفوذ کرده و از آنها بصورت حاصلین اجتماعی ایدئولوژی بورژواشی خود استفاده می نماید. واضح است که در این حالت، برای مبارزه با انحرافات روشنفکرانه باید کار را از مبارزه با تروتسکیسم چسبید، وگرنه راه بجای نخواهیم برد.

خلاصه کنیم مبارزه با انحرافات روشنفکرانه درون جنبش کمونیستی، تنها در پرتوکل مبارزه طبقا تسی پرولتاریا و بخصوص با توجه به عمده ترین انحرافات ایدئولوژیک حاکم بر جنبش میسر است. در این مبارزه است که سوسیا لیسم علمی از درون قشر محدود روشنفکران بیرون آمده و با پیوند یافتن با جنبش کارگری و تائید استحضام ایدئولوژیک برای آن، از لحاظ عینی نیز زمینه برای عملکرد گرایش های انفرادی منشا نشو و ذهنی گرایانه، تا مسا عدتر میگرد. ادامه دارد.

سوسیا لیسم علمی به درون جنبش خود بخودی هر کشور نیز صدق می نماید. لنین در مورد تجربه روسیه در "چپا بدگر؟" میگوید:

"ما گفتیم که آگاهی سوسیا لیسم در یک در کارگران اصولاً نمیتوانست وجود داشته باشد. این آگاهی را فقط از خارج ممکن بود وارد کرد. تا ریخ تمام کشورهای میبده که طبقه کارگر با قوای خود منحصر نمیتواند آگاهی تردیونیونیستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که با یک تشکیل اتحادیه بدهد، برسد که با فرمان

مبارزه کند و دولت را مجبور به مدور قوانینی نماید که برای کارگران لازم است و غیره. ولی آموزش سوسیا لیسم از آن شوریه های فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشو و نما یافته است که نمایندگان دانشور طبقات دارا و روشنفکران تبعیج نموده اند. خود ما رکن و انگلیس موجدین سوسیا لیسم علمی معاصر نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود در سوره روشنفکران بورژوازی بودند. به همین گونه در روسیه نیز آموزش شوریک سوسیا لیسم دگرگانی کاملاً مستقل از رتد خود بخودی جنبش کارگری و بنیاداً به نتیجه طبیعی و ناگزیر تکامل فکری روشنفکران انقلابی سوسیا لیست موجود آمده است."

تا هنگامی که جنبش کمونیستی بعنوان یک گرایش ایدئولوژیک در یک طرف و جنبش خود بخودی طبقه کارگر بعنوان یک جنبش اتحادیه ای در طرف دیگر باقی بماند و ما بین این دو پیوند حاصل نشود، واضح است که جنبش کمونیستی و هم جنبش کارگری، مستعد پذیرش انحرافات غیر پرولتری خواهد بود. از یک سو، جنبش کارگری بدون آگاهی پرولتری و بدون رهبری حزب پرولتاریا، به سادگی زیر پا و پرا اندیشه های بورژوازی حاکم خواهد رفت و بصورت یک جنبش کارگری بورژواشی درخواهد آمد و از سوی دیگر اگر جنبش کمونیستی در سطح روشنفکران باقی مانده و از پیوند با ما در خود یعنی طبقه کارگر محروم ماند، بدون شک بدام انواع و اقسام انحرافات خاص روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا خواهد افتاد و قایل درخواهد شد که به گرایش ایدئولوژیک خود به سمت پرولتاریا ما دیت بخشد و ترا بصورت یک جریان اجتماعی درآورد.

معمولاً هنگامی که جنبش کمونیستی هنوز محدود به قشر روشنفکران بوده و نتوانسته است حتی در میان قشر پیشرو تر کارگران نیز جای پای پیدا نماید، محیط مساعدی برای پرورش تمام خفا ثل منفی انفرادی گرایانه و ذهنی گرایانه است. در این محیط، گرایشهای مرتدانه، چون رویزونیسم و تروتسکیسم به سادگی رشد کرده و

زندگی او و شرایط کارش پرولتاریا نیست و از اینجا است که تفا دمعینی از لحاظ روحیه و طرز تفکر ناشی میشود.

پرولتاریا - مادامیکه فرد منفرد و مجزائیت هیچ است... او تمام نیروی خود، تمام استعداد خود را برای ترقی و پیشرفت و تمام امیدها و آرزوهای خود را از زمان فعالیت مشترک و منظم با رفقایش کسب می نماید. او وقتی خود را عظیم و نیرومند حس میکند که قسمتی از یک عظیم و نیرومندی را تشکیل میدهد. این پیکر برای وی در حکم همه چیز است و ولی فرد منفرد و مجزا نسبت به آن بسیار کوچک است. پرولتاریا با بزرگترین جانفشانی ها و مانند جزئی از توده بی نام بدون منظورها برای نفع شخصی و برای استعمار شخصی مبارزه می کند و وظیفه خود را در هر شغلی و هر جایگاه و را بگمارد تا انجام میدهد و در طلبانه مطیع انضباطی است که در تمام احیاسات و تمام تفکرات و رخنه کرده است.

ولی وضع روشنفکر بکلی طور دیگری است. مبارزه او از طریق بکار بردن نیروی منحوی از انحاء نیست بلکه از راه استدلال است. اطلاعات، معلومات شخصی او، استعداد شخصی او و معتقدات شخصی او است. او فقط در رابطه با صفات شخصی خود میتواند اهمیت معینی پیدا کند. به اینجهت آزادی کامل از ارزش شخصیت خود برای او نخستین شرط کار موفقیت آمیز را تشکیل میدهد. اگر او بعنوان یک جزئی که در خدمت کل است مطیع یک واحد کلی معینی می باشد، به زحمت و بحکم ضرورت به این اطاعت تن در میدهد نه بر حسب انگیزه شخصی، او ضرورت انضباط را فقط برای تسویه قائل است نه برای برگزیدگان. خودش را هم بدیهی است جزو برگزیدگان می شمارد...."

۲- جنبش کمونیستی و روشنفکران

پرولتاریا علیرغم اینکه این رسالت تاریخی را بنا بر شرایط اقتصادی و اجتماعی کارش به عهده دار دگر با بدست گرفتن قدرت سیاسی از دست بورژوازی، خود را بصورت طبقه حاکم متشکل نموده و برای ساختمان سوسیا لیسم و استقرار کمونیسم شرایط را آماده نموده، ولی نمیتواند بخودی خود بدون مساعدت روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا که موقع طبقاتی خود را به نفع مواقع او ترک گفته اند، به این اقدام تاریخی موفق شود. علت اینجا است که پرولتاریا بدلیل نوع شرایط کار خود قایل در نیست که درجه مسا سرمایه داری به تعلیم و تربیت خود پرداخته و مانند روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا از مواهب دانش عمومی بهره مند گردد. علیرغم اینکه ایدئولوژی طبقاتی او ناشی از محتوای زندگی و مبارزه طبقاتی اوست، ولی برای تدوین این ایدئولوژی لازم بود تا نخست روشنفکرانی پیدا شوند که با تسلط برداشتن بشری، با بهای شوریک این ایدئولوژی را ریخته و ترا بصورت یک علم یعنی مارکسیسم در آورند. بدیهی است که همین مساله در مورد انتقال ایدئولوژی

گرامی باد خاطر همارزات قهر ماخانه دانشجویان انقلابی در اول اردیبهشت ۵۹

پیچ و مهره های سرمایه داری وابسته نیا زمیرم داشتند، توطئه یورش به دانشگاه ها را نه برای به تعطیل کشاندن آنجا، بلکه برای سرکوب دانشجویان انقلابی و بخصوص کمونیست و بستن دفاتر سیاسی آنان، ضروری میدانستند، درحالی که خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی در عین تیریه متخلفین برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته میخواستند دانشگاه ها را ببندند، چرا که میدانستند، نه شکنجه، نه زندان و نه تیرباران، هیچیک نمیتواند فداهای آزادیخواهان را نهوا انقلابی دانشجویان را خاموش کند و تا دانشگاه ها باز هستند، سنگرزادی همچنان خروشان خواهد بود. بدین ترتیب لیبرالها، حزب جمهوری، آیت الله خمینی و... که شا هدرشد دانشجویان انقلابی و کمونیست و افشاگری

و آگاهگری وسیع در دانشگاه های ایران بودند بر سرکوب خونین انقلابی ها به دانشگاه ها به توافق رسیدند. این سرکوب خونین حلقه ای از نجبر و کشتار و سرکوب گسترده در سراسر ایران بود. رژیم جمهوری اسلامی پس از شکست اولین سرکوب عمومی اش

در مرداد و شهریور ۵۸، به تعدید قوای پادشاهی یک دوران فریب توده ها، دوباره آماده سرکوب گردید. بر مبنای این طرح خائنانه، بنی صدر و آیت الله خمینی سال ۵۹ را سال امنیت نامیدند و سرکوب گسترده انقلاب را از گردستان تا دانشگاه ها علام کردند. بلافاصله پس از این "خط و نشانها" ارتجاع متحد به گردستان و سپس به دانشگاه ها حمله ور شد. تا این دو سنگر مستحکم پیکار دموکراتیک و ضد امپریالیستی را درهم کوبید چنین بود که فردای کشتار خونین اول اردیبهشت، بنی صدر در سخنانی دانشگاه تهران خود روز اول اردیبهشت روز کشتار خونین دانشجویان انقلابی را اولین روز استقرار حکومت جمهوری اسلامی نامید.

مسلح بسته شده و به شهادت رسیدند و این — دانشگاه بود که همواره بعنوان یک سنگر پیکار با امپریالیسم و ارتجاع، احترام عمیق توده های انقلابی ایران را برمی انگیزد. با سرنگونی رژیم شاه مزدور، بهمت حماسه — آفرینی های توده های قهرمان ایران که دانشگاه ها نیز نقش ویژه ای را در این سرنگونی ایفا کردند، رژیم جمهوری اسلامی با پایمال کردن خون و آلمان هزاران شهید و با سازش با امپریالیسم، بقدرت خزید و به حفظ و جراثت منافع سرمایه داران و امپریالیست ها و سرکوب انقلاب پرداخت. دانشگاه که تمام تاریخ عمرش را به مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم مشغول بوده است نمیتوانست در مقابل این جنایات ساکت بماند.



جنبش دانشجویان انقلابی پس از قیام بهمن همچنان دانشگاه را به سنگرزادی بدل نمود و بدفاع آزادی و انقلاب پرداخت. دانشگاه همدستی ارتجاع حاکم را با امپریالیست ها و سرکوب خونین انقلاب در کارخانه ها و مزارع، گردستان و ترکمن صحرا، دانشگاه و مدارس افشا میساخت و بدین ترتیب خاری بر چشم ارتجاع بود. همه جناح های رژیم حاکم که میازات آگاه — گرا یا نه دانشجویان انقلابی را نمیتوانستند تحمل کنند، همانند رژیم شاه با دشمن و دیگر رژیم — های ارتجاعی، در صدد سرکوب خونین دانشگاه ها برآمدند. لیبرالها که از عشق توده ها به دانشگاه اطلاع داشتند و میدانستند که تعطیلی دانشگاه ها برامواج نارفا بیتی آنها خواهد افزود و علاوه بر آن به متخصصین دانشگاه ها برای سفت تر کردن

اول اردیبهشت فرامیرسد و خاطر همارزات — مقاومت دانشجویان انقلابی در مقابل یورش ارتجاع به سنگرزادی، از نوزنده میشود. سال گذشته در این روزها توطئه حاکم — جمهوری اسلامی و با تا شید لیبرالها، دانشگاه های سراسر ایران مورد هجوم با سداران وابستان وابسته به حزب جمهوری قرار میگرفت و ده ها تن به شهادت میرسند.

در تهران، وابستان حزب جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران با قهوجا قو و مسلسل به ده ها هزار نفر دانشجویان انقلابی و توده های آگاه که به گرد دفاتر سیاسی دانشجویان کمونیست حلقه زده بودند، تا آزادی فعالیت سیاسی — دانشجویان انقلابی دفاع کنند، حمله کرده و دست کم ۴ نفر را به شهادت رساندند. در رشت، تنها جم مسلحانه ارتجاع به سنگرزادی و راه — پیماشی حمایت از دانشجویان انقلابی، ۱۴ شهید و ده ها زخمی و دستگیر بجای گذاشت. در شیراز و زاهدان یک نفر به شهادت رسیدند. ا — جنایت در اهواز بسیار وسیع بود و در تهران گسترده با سداران و وابستان حزب جمهوری به سرکردگی غرضی استانداری و جنتی حاکم — اهواز، ۱۴ نفر شهید و نزدیک به هزار نفر زخمی و دستگیر شدند. تا لار شهرداری را به زندان تبدیل کرده و هشتصد دانشجویان را به بند کشیده بودند. هنگامی که ارتجاع با روحیه مقابله و سرودخوانی دانشجویان اسیر مواجه میشد آنها را به زنگبار مسلسل می بندد و ۴ تن را به شهادت میرساند. ترور در زندان ادا مه میاید و از جمله رفیق کمونیست پیکارگر شهید مهنا زمعمندی در زندان ترور میشود. تنها جم به دانشگاه جندی — شاپور بسیار وحشیانه بود، بطوریکه به چندین دختر دانشجویان و زمین کنند و دانشجویان را با قهوجا قوت که می کنند، پس از این جنایت رژیم رفقای کمونیست پیکارگران شهید احمد — موه زن و مهدی علوی شوشتری را به اتفاق رفقای کمونیست معبودان نیالی و دکتر نریمیا را در اهواز و رفیق فرامرز حمید را در رشت به جرم عشق به خلق و دفاع از سنگرزادی تیرباران میکند. رژیم با این کشتار رفیع مقدمات تعطیلی دانشگاه ها را پی ریزی کرد و پس از ۱۴ خرداد ۵۹، دانشگاه ها را می بندد.

اما چرا رژیم جمهوری اسلامی دست به چنین کشتار و سرکوب وسیعی در دانشگاه ها را سراسر ایران زد و جنایاتی فجیع ترا از ۱۶ آذر شاه خا ش را مرتکب گردید؟

پاسخ به این سوال را با بستی در نقش دانشگاه های ایران در آگاه کردن توده ها و دفاع آزادی و انقلاب جستجو کرد. جنبش دانشجویی ایران به گواهی تاریخ خونبار مبارزاتی اش، یکدم از پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع بازمانده است. زندانهای شاه خا ش همیشه پرازد دانشجویان کمونیست و انقلابی بود و چند صد دانشجوی کمونیست و انقلابی در میدانهای تیر و خیا با نهی شهرهای ایران به رگبار

درباره معیارهای وحدت و عضویت

● رفیق ض - در مورد یکی بودن معیارهای عضویت و وحدت ما سازمان که در قطعنا مه پیکار نشوریک ۲۴ آمده است انتقاد نموده است و سوال کرده است آیا طرح چنین مسئله ای نشان می‌دهد سکتا ریسم نیست ؟ چرا که بدین ترتیب سازمان درک خویش را از کلیه وحدت ها تا سرحد "ادغام" با شین آورده و در حقیقت وحدت را تنها به صورت جذب سایر نیروها در سازمان برطبق معیارهای سازمان درک میکند .

در پاسخ به سوال و انتقاد رفیق باید بگوئیم این مسئله که معیار وحدت و عضویت در سازمان یکی است نه بمعنای آن است که کلیه وحدت ها باید ضرورتا بصورت "ادغام" در سازمان باشند و یا آنکه تنها مبانی و مواضع سازمان است که میبایست تحت هر شرایطی معیار وحدت قرار گیرد . پرواضح است که ممکن است در یک وحدت با کم و کیف متمایزی از آنچه که تا کنون صورت گرفته است ، حتی فلان نقطه نظریا زمان نیز در جریان مبارزه ایدئولوژیک بخاطر وحدت تغییر داده شود و فی المثل بایک گروه و یا سازمان برای موضع جدیدی در مورد یک مسئله خاص وحدت صورت پذیرد (چه با این امر یا برپای کنگره همراه باشد) بدین ترتیب ما امکان تغییر نظر و موضع سازمانی را در باره این یا آن مسئله (در صورت تا میسن اکثریت بر سر موضع جدید در کنگره و یا بنو سط رهبری) مطلقا در نمیکنیم . اما پرواضح است در صورت چنین تغییری بلافاصله مبانی عضویت نیز شامل حال موضع جدید خواهد شد . بدین ترتیب آنچه در مورد یکی بودن معیار عضویت و وحدت مورد نظر بوده است ، بیگانگی آن است ، چه اگر فردی به عضویت سازمان درآید یا جریانی با سازمان وحدت نماید ، نمیتواند مبانی سیاسی ، ایدئولوژیک آن متفاوت باشد . مثلا سوسیال امپریالیسم معیار وحدت باشد اما معیار عضویت نباشد و یا بالعکس . لذا این امر نه نشانه "سکتا ریسم" و نه برخوردی غیر اصولی است ، بلکه بالعکس جدا بودن و متما یز بودن معیارهای وحدت و عضویت تنها میتواند نشانه بی اصولیگری به مواضع ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی مورد پذیرش سازمان باشد .

● یکی از رفقا پرسیده است آیا ممکن است بدون اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک و صرفا بر سر مسئله تشکیلاتی اختلاف نظراتی پدید آید و به چنان حدتی برسد که موجب انشعاب گردد ؟

در پاسخ به این رفیق باید بگوئیم که اختلاف بر سر مسائل تشکیلاتی ، خود مضمونی ایدئولوژیک دارد . گرایشات ایدئولوژیک خود را در عرصه های گوناگون ایدئولوژی ، سیاسی و تشکیلاتی منعکس میکنند و از بنروهواریه این امکان وجود دارد که انحراف ایدئولوژیکه فی المثل در عرصه تشکیلات عمده شود و مبارزه

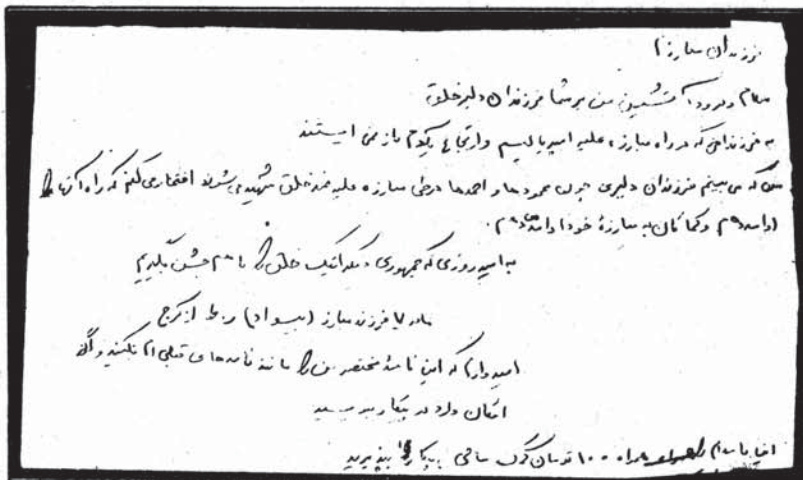


ایدئولوژیک بر سر آن به دو خط مشی بیانجامد فی المثل سائترالیسم دیکراتیک که اساسترین و در عین حال ابتدائی ترین اصل تشکیلاتی یک تشکلم - ل است ، اگر در برخورد به این مقوله دو تگرش بورکراتیک و لیبرالی (نظیر - تئوری وجود دو خط مشی در حزب در مقابل درک اصولی از این مقوله قرار گیرد ، در صورت عدم اصلاح حتما به انشعاب و یا اخراج و تمغیه منجر خواهد گشت . بدین ترتیب حتی اگر در شرایطی اختلاف نظر بر سر مسائل برنامهای و خط مشی بروز نماید صرفا در عرصه درک از اصول تشکیلات دو خط مشی پدید آید ، انشعاب قطعی است . جلوه های نقطه نظراتی که در عرصه تشکیلات میتواند به چنان بتایجی منجر شود عبارت است از : انحلال طلبی ، بورکراتیسم ، نفی سائترالیسم - دیکراتیک ، فراکسیونیسم

● در اینجا بدرج نامه یک ما در میبشمار میگردیم و بر خود میبایم که چنین ما درانی مسفوف مبارزه را هر چه بیشتر مستحکمتر میبازند

درباره تهیه و توزیع آثار سازمان

عده ای از رفقا در مورد ضرورت تکثیر مجدد برخی مقالات پیکار و تهیه و تکثیر نوارهای آموزشی ، هنری ... توضیحاتی داده اند و در این رابطه به سازمان انتقاداتی وارد دانسته اند . رفقا ! در یک تشکیلات ، توده ای به انگای امکانات متنوع و وسیعی که دارد عموما نیاید کارهای نظیر تکثیر و ... را انتشارات مرکزی انجام دهد ، بلکه با این وظیفه رفقای هوادار و ارگانهای ناحیه و منطقه است که به این کار مبادرت ورزند . ظرفیت انتشارات مرکزی سازمان محدود است و نمیتواند تکثیر و تجدید چاپ بسیاری از کتب و نشریات و امثالهم را خود برعهده گیرد . پس به عده رفقای هوادار و کمیته های ناحیه است که به تناسب نیرو و توان خود به تکثیر برخی مقالات پیکار ، برخی ترجمه ها و یا کتب نظیر نشوریک ۲۴ و امثالهم دست بزنند . فی المثل مقاله افزایش دستمزد که در پیکار منتشر شده بود مقاله بسیار ساده و قابل استفاده ای بود که رفقای کارگری درخواهی مختلف میتوانند آنرا بصورت کتاب و یا جزوه تکثیر و توزیع نمایند . در مورد نوارهای آموزشی و هنری سازمان نیز به همین ترتیب میبایست توسط رفقا تکثیر و پخش گردد . این دیگر میزان خلافت رفقای هوادار است که به انگای تلاش پیگیرانه شان میتوانند آنها را به دست زدن به انگای گوناگون و توده ای برای بخش و گسترش فعالیتها و آثار سازمان بکشند .



سایر رفتایی که نامه ارسال کرده اند

غرب ، د - ش جنگزده ، هما مسجد سلیمان م - س دانش آموز ساری ، جمع خصوصی ک - ک ، مارتدا رکات معصومه ، سلیم از شیراز ، نینا انزلی ، م فرنا از د - دج ، مهدی - م افغان ، کمیته ناحیه آبادان ی - قم ، بخش جنوب شهر - دانش آموزی داراب علی - س - ج ، هما فرهادار ، رضا شهری ، الف - د محمد کمیته کارمندی - د - ۲۴ شیراز ، تشکیلات کرمان ، س - ح قم ، ن هشتا اکرم مادیور ، جی از پتک ، فرزانپ شهران ، د - آ - ج ، م وادلاهیجان

بخش و توزیع غرب ، حمید از کمیته ترجمه نا "ک" از ک - ه - د - د ، مشول دانشجوی "ش" ، ب ، فرزانه از قزوین (۲۴ نامه) ، ش و ن از پیشا هنگ - م - بهزاد جنگزده خوزستانی ، "م" از بروجرود ، جعفر ، ج مهرآباد ، کمیته ناحیه آبادان د - دغرب ، نینی - دزفول ، مهدی - تهران ، خسرو - ۱۲ کرمانشا - م - ن کرمانشا ، جیب چاپ - ۲۴ تهران ، ب - کا زرون - م - مشی - س - ۲۴ مازندارکات ، محلات - بخش و توزیع غرب ، د - د

آرشو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سازمانهای سیاسی و حماسه مقاومت اول اردیبهشت ۵۹

مورد قبول بورژوازی است حتی المقدور اجتناب میکردند. بدین ترتیب توجیهات آنجمن دانشجویان مسلمان در این روزها که میگفتند ما دفاع خود را به او یا شان حزب جمهوری تحویل نمی دهیم، اما به هیأت رئیسه (عمدتا لیبرال) دانشگاه که مقامی قانونی است تحویل می دهیم در واقع بیان قانونیگری لیبرالی بود. بدین ترتیب توهم داشتن نسبت به لیبرالها از یکطرف و کوشش در باقی ماندن در چهارچوب قوانین بورژوازی از طرف دیگر، مجاهدین را به ترک مقاومت و مبارزه انقلابی و تحویل آنسان و تسلیم طلبانه سنگرزادی به دشمن بستود. طبیعی است جنبش دانشجویان انقلابی عدم شرکت مجاهدین خلق را در حماسه مقاومت اول اردیبهشت و فرا را از این مبارزه را هرگز نخواهد بخشید.

۳- سازمان چریکهای فدائی خلق

وبازگشت از نیمه راه

اگر مجاهدین خلق از شرکت در جنبش مقاومت سر باز زدند، دانشجویان پیشگام (تشکیلات وابسته به فداشان) تا نیمه راه آمدند ولی بخاطر ترلزلاتان از نیمه راه بازگشتند. آنها تا اوایل روز اول اردیبهشت دوام آوردند. اما هنگامیکه تهاجم شدت گرفت بتدریج به تسلیم طلبی و فرار از مقاومت کشیده شدند آنها از یکطرف جنبش توده ای شده دفاع از دانشگاه را ناچیز تصور کرده و از طرف دیگر آمیختن را که دانشگاه برای توده ها داشته، درک نکردند و نمی فهمیدند که با آمادگی جنبش توده ای و دانشجویان انقلابی، میشد در مقابل نیروهای سرکوبگر رژیم ایستاد. سیاست درست در آن زمان مقاومت در مقابل او یا شان حزب جمهوری و سپاه ساداران و عدم مقاومت در مقابل توده ها یعنی بود که سه شبانه (دوم اردیبهشت) بنا بود به دانشگاه بیایند. آنها در این هنگام برای شوریه کردن انحرافات رویزیونیستی شان به تز رویزیونیستی عدم تشنج پناه برده و عدم شرکت انقلابی در مبارزه طبقاتی را اندادادند. علاوه بر این، آنها با زیر پا گذاشتن کلیه اصول کمونیستی و انقلابی، در شرایطی که در کمیته دفاع از دفاع سیاسی متشکل از دانشجویان هوا در یکسار - مبارز (هوا داران طیف موسوم به خط ۳) هوا داران

در اول اردیبهشت میتوان ندحاوی درسها و تجربیات ارزنده ای باشد. بخصوص اینکه دیدیم چگونه ادا همان ترلزلات و سیاستهای انحرافی فداشان که در اول اردیبهشت شا هدیشی از آن بودیم، چگونه بخش وسیعی از نژا به منجلا ب رویزیونیسم در غلط اند.

۱- رویزیونیست های توده ای

و مداحی جلادان دانشجویان انقلابی

این خائنین پس از یورش ارتجاع بلافاصله دفاع خود را تخلیه کرده و فوراً به دفاع از رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. آنها به مداحی جلادان اول اردیبهشت پرداخته و تقصیر کشتار را به گردن کشتارندگان انداختند. آنها با لجن - پراکنی علیه نیروهای کمونیست و بخصوص سازمان ما که جنبش مقاومت دانشجویان را سازمان داده بودند، ارتجاع را در کشتار اول اردیبهشت محق اعلام کرده، سازمانهای کمونیست را مقصر قلمداد کردند. هم آواشی خائنین توده - ای با رژیم جمهوری اسلامی در کشتار دانشگاهها گرچه با دیگر مامایت ها شناخته آنها را بر ملا ساخت اما با علقت تعداد کم هواداران شان در دانشگاهها عملاً نتوانستند، کوچکترین مانعی در جنبش مقاومت دانشجویان ایجاد نکنند.

۲- مجاهدین خلق و خودداری

از شرکت در مقاومت

دانشجویان هوا در مجاهدین، پس از آغاز توطئه اشغال دانشگاهها، از شرکت در حماسه مقاومت خودداری نمودند و حاضر شدند تا تمام دفاع خود را در اختیار "مقامات قانونی" قرار دهند. اتخاذ این سیاست لیبرالی و دوری گزیدن از مبارزه انقلابی ریشه در دو انحراف اساسی مجاهدین دارد. اولاً مجاهدین نسبت به لیبرالها شدیداً متوهم بوده و از هنگام روی کار آمدن بنی صدر به پیشتیبانی از وی در مقابل جناح دیگر - حاکمیت (حزب جمهوری و متحدانش)، پیکر الله خمینی و... پرداخته اند. ثانیاً مجاهدین در طی این دوران (و بعداً نیز البته با شدتی کمتر) میکوشیدند اقدامات خود را در چهارچوب قوانین بورژوازی حاکم انجام دهند و از اعمالی که در تافتا دبا قوانین

رژیمهای ارتجاعی عملاً در سرکوب انقلاب از دوشویه سود می جویند، سرکوب و فریب و یا چاق به تنهایی یا چاق و نان شیرینی در هر چرخش تاریخی بسوی یکی از این سیاستها، تشخیص تاکتیک صحیح پرولتری حاشا اهمیت فراوان است. رژیم جمهوری اسلامی پس از شکست در جنبش مقاومت اول کردستان و واجگیری جنبش توده ای به موازات اشغال سفارت به عقب نشینی دست زد. این زیگزاگ فدا انقلاب، موجب تشدید انحرافات فراوان در درون جنبش کمونیستی گردید. از اوایل ۵۸ پیدا بود که رژیم از این دوران برای تجدید قوا به منظور سرکوب انقلاب مددخواهد جست. سرکوب خونین خلق ترکمن در اوایل خرداد ۵۸ بخوبی این حقیقت را نشان میداد. ارتجاع که از این سرکوب به منظور محکی برای میزان آمادگی نیروهای انقلابی نیز استفاده میکرد، با سیاست تسلیم طلبانه و انفعالی فداشان در ترکمن محاربا در یافت که میتوانند با شدت بیشتری به سرکوب بپردازد. چرا که عدم مقاومت در مقابل اولین عملکردهای سرکوب، سرکوبهای وحشیانه تری را بدنبال خواهد داشت. اگر در دوران افت ورکود، عقب - نشینی های منظم با یستی در مقابل سرکوب بکار گرفته شود، در دورانی که جنبش بسوی اوج حرکت میکند و جا معه در حالت اعتلا بسر میبرد، تاکتیک اصولی، عموماً مقاومت در برابر تهاجم رژیم است. ارتجاع با یستی با زحمت فراوان بتواند یک سنگر را مفتوح کند. این درس اساسی مبارزه طبقاتی با ر دیگر تجربه شد.

بدین ترتیب ارتجاع که تسلیم طلبی بخش وسیعی از جنبش کمونیستی را در جریان ترکمن - محاربا دیده بود و گراشات لیبرالی بخش وسیع دیگری از جنبش دمکراتیک یعنی سازمان مجاهدین را نیز شا هدید بود، برای تهاجم گسترده به انقلاب آماده شد. در این میان حزب جمهوری و همبستوارانیت الله خمینی خواهان سرکوب همه نیروهای دمکرات و کمونیست بودند. در حالیکه لیبرالها میکوشیدند با جذب دمکراتهای نا پیگیر (مجاهدین) با نان شیرینی های حقیر و بیطرف کردن کمونیستهای نا پیگیر (چریکهای فداشی)، جنبش توده ای و انقلاب را سرکوب کنند. بهر صورت دو جناح حاکمیت متحد خود را آماده سرکوب نیروهای انقلابی کردند و آیت الله خمینی و بنی صدر سال ۵۹ را سال امنیت خواندند و سرکوب کردستان و دانشگاه و نیز کلیه آزادیهای دمکراتیک را در دستور کار خود گذاشتند. منطق نوروزی جناحین حکومت آشکارا اعلان جنگی به انقلاب و طلب سرکوب بود. سرکوب و کشتار از اوایل فروردین در کردستان آغاز گردید و تهاجم به دانشگاه تدارک دیده شد و در اول اردیبهشت ۱۶ آذر شاه دوباره تکرار شد و... در این میان نگاه به سیاستهای نیروهای سیاسی

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

بقیه از صفحه ۲۳ گرامی باد...

دانشگاهی برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته، از همان ابتدا تا بحال، همواره از بازگشتی دانشگاه سخن میگویند، دانشگاهی بدون حضور نیروهای کمونیست و انقلابی.

توده های انقلابی میهن امروز بیش از پیش خواهان بازگشتی دانشگاهها هستند. آنها می-خواهند دانشگاهها گشایش با بدنتا با ردیگر دانشجویان انقلابی به دفاع از آزادی و انقلاب پرداخته، حزبها و لیبرالها را رسوا سازند. اینک با پستی با افشای جنایات ارتجاع در اول اردیبهشت ۵۹، فربا دخودرا برای بازگشتی دانشگاهها این سنگر آزادی بلندتر کنیم. دانشگاهها باید گشایش با بدنتا دانشجویان انقلابی با تعیین شورا های واقعی خود فعالیت سیاسی انقلابی، هر چه بیشتر دانشگاهها را به سنگر آزادی بدل نمایند.



بدین ترتیب علت اساسی تهاجم به دانشگاهها را در اول اردیبهشت، با پستی در نقاشی آگاهانه نیروهای انقلابی و کمونیست جستجو کرد. این مسئله را آیت الله خمینی در نطق چند ماه پیش خود بخوبی بیان داشت و گفت: «تأثیر دانشگاهها امکان فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست وجود دارد، بنابراین با زشتی و اما تحت فشارهای ناشی از کمبود متخصصین دانشگاهی که از نیازهای ضروری سیستم سرمایه داری وابسته است و همچنین تحت فشار توده های وسیع مردم و کارگاهها و افشاگرانه کمونیستها در زمینه تعطیل دانشگاه، «انقلاب فرهنگی» و سرکوب نیروهای کمونیست و انقلابی و بالاخره فشار لیبرالها و شکست برنامها به صلاح انقلاب فرهنگی، آیت الله خمینی و حزب نیز ناچار از عقب نشینی شده و آیت الله خمینی چه



دوشنبه گمنام اول اردیبهشت ۱۳۵۹ که عکشان برای اولین بار چاپ میشود.

درود بر شهدای بخون خفته اول اردیبهشت! دانشگاه این سنگر آزادی به همت توده ها گشوده باید گردد! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۶۰/۱/۲۲

در پیام نوروزی خود چه در دیدار اعضای ستاد «انقلاب فرهنگی» تا کید بر بازگشتی تدریجی دانشگاه نمود، هر چند که مثل گذشته روی تصفیه نیروهای انقلابی از دانشگاه تاکید داشت. لیبرالها نیز همانطور که اشاره کردیم از ابتدا تا کنون برای فریب توده ها و جلوگیری از انزوا را شئی آنها و درک ضرورت متخصصین

این شکنجه نیست!

در آوردن اوشانه به تپه های اوین برده اند، چشم و وابسته تا با صلاح مرا سعاد مرا در باره اش اجرا کنند. در حالیکه چشمهایش بسته بوده به او میگویند جدولی پیش پای تو است، از آن بهر و اومی پردولی در کودالی به عمق ۲-۳ متر میافتد و در جوار خونریزی داخلی میشود. از نظر آیت الله خمینی و رژیم جمهوری اسلامی، این شکنجه نیست. شما چه میگویند؟



بشارتی ساواکی عضو «هیات بررسی» شایعه «شکنجه» و بسیاری از دست اندرکاران رژیم و بالاخره آیت الله خمینی گفتند که «شکنجه در زندانها وجود ندارد» ما از صدها نمونه میگذریم فقط یک شکنجه را که مشت است نمونه خروار در زیر می آوریم:

یک دختر انقلابی را جهت ترساندن و به حرف

را عا کارگروه پیشگام عضویت داشتند و با یک تمهید انقلابی با پستی کوششهای خود را در زمینه مساثل مربوط به دفاع با عدم دفاع از دفاعا تر سیاسی در آنجا طرح میکردند، بدون اطلاع این کمیته و از او بهای تسلیم طلبانه از ظهر روز دوشنبه اول اردیبهشت (یعنی زمانی که تازه تهاجم شدید ارتجاع آغاز شده بود)، به توافقاتی با بنی مدر رسیده و به وی قول ترک مقاومت را دادند. فداشیا در روز دوم و سوم اردیبهشت نیز موضعی شدید تسلیم طلبانه گرفته و در پی همان تزلزلات رویزیونیستی شان با هرگونه تظاهرات افشاگرانه بر علیه گشتا راول اردیبهشت به مغالفت برخاستند، حتی بطوریکه بجای مبارزه در جهت افشای ارتجاع، نیروهای خود را برای ضدیت با تظاهرات دانشجویان هوادار سازمان بسیج کرده و توده ها را به عدم شرکت در این تظاهرات دعوت میکردند (هر چند که در تظاهرات پرشکوه سوم اردیبهشت علیه غم کوششهای آنها، حدود ۱۵ هزار نفر شرکت کردند).

طبیعی است شرکت فعال مجاهدین در این مقاومت و عدم گریز فداشیا از نیمه راه می-توانست آنها را دمقا و مت اول اردیبهشت را و مست بخشد، ارتجاع را هر چه بیشتر در نزد توده ها افشا سازد.

۴- راه کارگروسیاست میان دو صندلی

راه کارگروسیاست میان دو صندلی - نیستی بی نصیب نبود (هر چند شدت آن در آن زمان از فداشیا به مراتب کمتر بود) در جریان مقاومت اول اردیبهشت سیاست میان دو صندلی را اتفا ذکرده و میان سیاست پیگیر (سیاست ما) و سیاست ناپیگیر (سیاست فداشیا) در حال نوسان بود. ابتدا با ماکمیته دفاع از آزادی در دانشگاه پیوست و سپس در جریان اختلافات ما و فداشیا، عمدتاً با منفعیل بود و با به جانب فداشیا گرایش می یافت و سرانجام با ما قطعاً مشترکی را که وای سیاستی پیگیر بود امضا کرد. بهر صورت این حالت سیاست میان دو صندلی به راه کارگروسیاست نیروی متزلزل که نمی توانست قاطعانه یک سیاست را پیش بگیرد میبخشد. بطوریکه در نهایت از شرکت در تظاهرات سوم اردیبهشت ما و دانشجویان مبارزه تبعیت از فداشیا سر باز زدند.

در خانه ما به پدبگوئیم که سازمان ما نقش فعال و پیشروسی در جریان جنبش مقاومت اول اردیبهشت ایفا کرد چه دعوت توده ها به تجمع حول دفاعا ترسی که عملاً همین حرکت نیز پیش گرفته شد و چه در کوشش برای کشاندن نیروهای متزلزل به مقاومتی پیگیر و چه تظاهرات افشاگرانه و با شکوه روز سوم اردیبهشت، بیش از پیش نشانه حقانیت سیاستهای مارکسیستی ما در مقابل تزلزلات رویزیونیستی دیگران بود.

گسترش مبارزه طبقاتی در کشورهای امپریالیستی غرب

بحران اقتصادی گسترده‌ای جهان امپریا- لیستی غرب را فرا گرفته است. افزایش بی‌سابقه بیکاری، تورم و گران شدن و فقر و فلاکت توده‌ها و در بستر آن رشد روزافزون مبارزات کارگری یکی از مضامین برجسته و مباح کنونی حاکم بر جهان است. در حال حاضر بیش از ده و نیم میلیون نفر در آمریکا بیکار می‌باشند، در اروپا نزدیک به بیست میلیون نفر در جستجوی کار می‌باشند و در شرایط کنونی ارتش ذخیره کار بیش از پیش گسترده می‌شود.

احتمالات امپریالیستی و بورژوازی انگل کشورهای سرمایه‌داری برای مقابله با بحران و کم شدن سود، بیش از پیش کارگران و زحمتکشان را تحت فشارهای اقتصادی قرار داده و در کنار آن ستم و سرکوب طبقاتی را بنحویر حتمی و کامل سیاست روزمره خود نموده است. اما علیرغم این سیاست‌های ارتجاعی مبارزات کارگران و سازش‌طلبانه‌های زحمتکش‌تر و پیش‌تر می‌باشند و زحمات جهان سرمایه‌دار عمیق‌تر می‌شوند. در هفته گذشته بود که سندیکای معدنیان در آلاسکا آمریکا با اکثریت قاطع رای به ادامه اعتصابات داد. این اعتصاب که ۱۶۰ هزار کارگر در آن شرکت دارند موجب ضربات مهمی به صنایع گردیده است چرا که صنایع بسیاری وجود دارند که ذغال سنگ منبع انرژی آنهاست. به علاوه این اعتصاب خسارات مالی و اقتصادی بسیاری به امپریالیسم وارد شده است. خسارات این اعتصاب برای امپریالیست‌ها بیش از خسارات اعتصاب ۱۹۱۱ روزه سالهای ۷۸-۱۹۷۷ می‌باشد. در انگلستان در حالیکه اعتصاب سراسری کارگران وارد چهارمین هفته خود شده است و در حالیکه هفته گذشته ۵۴۰ هزار کارمند دولتی به اعتصاب دست زده‌اند، تظاهرات گسترده‌ای توسط سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها علیه رژیم پلیس فاشیست و نژادپرست انگلیس صورت گرفت. این تظاهرات به زور و خورده شدیدی میان سوسیالیست‌ها و پلیس چنانیتکامل منجر شد. طی این مبارزه قهرآمیز که سالیان ۴۰ ماشین پلیس و تانک‌های متعلق به نژادپرستان را به آتش کشیدند ۲۰۰ نفر از سالیان رخمی و بیش از ۲۰۰ نفر نیز دستگیر شدند و در ضمن مدافعان و مزدوران پلیس زخمی شدند. این تظاهرات خونین که در اعتراض علیه لایحه قوانین جدیدی جهت اخراج سالیان بود به نگرانی‌های درمیان سالیان مقیم انگلستان و تشدید استمرکزیهای امپریالیستی و نژادپرستانه علیه زحمتکشان آفریقای مقیم این کشور می‌باشد. در فرانسه نیز هزاران کارگر تعمیرکار رگشتی دست به اعتصاب زده و خواستار افزایش دستمزدها و تجدیدنظر در سیستم ارتقاء



اخبار و مسائل جهانی

می‌باشند. در حمایت از این کارگران هزاران نفر را هیمنای کرده و ۲۰۰۰ نفر دیگر زکارگران تعمیرکار تهدید به اعتصاب نموده‌اند. به علاوه بیش از ۳ هزار نفر از کارگران مهاجر مراکش، الجزایری، تونس، ترکیه‌ای و سنگالی هفته گذشته در پاریس بر علیه قوانین نژادپرستانه و بیکاری و گران شدن به تظاهرات پرداختند. در آلمان غربی ۲۵ هزار نفر در اعتراض به استعمار سیم نئون نازی توسط آمریکا به راهپیمایی دست زدند. در اسپانیا ۵ هزار نفر از مردم با مسئولان در مخالفت با شرکت اسپانیا در پیمان امپریالیستی نازی به تظاهرات پرداخته و خواستار بسته شدن پایگاه‌های آمریکایی در این کشور شدند.

بدین ترتیب متوجه می‌شویم که ما با سیر رشد یا بنده‌ای از مبارزه طبقاتی در کشورهای امپریالیستی غرب مواجه می‌شویم این مبارزات با توجه به تعمیق بحران سرمایه‌داری رشد یافته‌اند، اما این مبارزات هنوز فاقد عمق و رهبری سوسیالیستی و سوسیالیستی نیستند. این مبارزات علیه قدرت سیاسی بورژوازی است و این حقیقتی است که سرنگونی بورژوازی بدون نابودی رژیم و رژیم سوسیالیسم امکان ندارد.

لبنان: شش سال مقاومت توده‌های مسلح

از ۱۳ آوریل ۷۵ که آتش جنگ در لبنان، خونین و ویرانگر داخلی، بدست فاشیست‌ها در لبنان برافروخته شد، شش سال تمام می‌گذرد. تظاهرات طبقاتی و ملی درون جامعه لبنان که به شدت تحت تاثیر سیاست‌های کشورهای عری و سیاست‌های بین‌المللی قرار دارد و توانایی در مصاف آراشی نیروهای درگیر وجود دارد و فقدان عامل تعیین‌کننده‌ای که جنگ را به نفع زحمتکشان لبنان (و فلسطین و...) به سرانجام رساند، این جنگ را به صورت کلاف سردرگمی درآورده است. به گونه‌ای که تصور چشم‌اندازی برای آن در آینده نزدیک امکان‌پذیر نیست.

فاشیست‌ها با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و اسرائیل تاکنون تمام تلاش خود را بکار

برده‌اند که:

۱- در لبنان تمام قدرت را قبضه کنند و با استقرار کامل سرمایه‌داری وابسته، این منطقه را استراتژیک را به صورت یک پایگاه ثابت امپریا- لیستی علیه زحمتکشان لبنانی و عرب درآورند.

۲- با سرکوب انقلاب فلسطین در آخرین پایگاه‌های که برای ما مانده (یعنی لبنان و بویژه جنوب لبنان) اسرائیل و ارتجاع عرب را از خطر تحریک نیروهای انقلابی مومن دارند.

۳- با ایجاد چنین لبنانی، یک "اسرائیل" دیگر بوجود آورند تا قطعه نه‌تور و حاشیه‌تراز به پیش خلق‌های منطقه را تحت سلطه امپریالیست‌های آمریکا و اروپا بی‌نگه دارند.

طی این شش سال، بارها مصاف آراشی نیروهای درگیر تغییر کرده و نیروهای به یکی از دو سو پیوسته یا جدا شده‌اند. کشورها و قدرتهای منطقه - ای و بین‌المللی، هر یک از دیدگاه منافع خویش کوشیده‌اند تا دست یا دندان این گره را بگشایند و این کلاف چنان پیچیده است که حل مسئله لبنان به پیچیده‌تر می‌رسد بدون حل مسئله فلسطین و استقرار رژیم‌های دمکراتیک، حداقل در چند کشور عربی همچو ارکان پذیرا شد. آنچه در این توفان آتش و خون چشمگیر است مقاومت سرسختانه توده‌های زحمتکش لبنان و فلسطین است که با استفاده از تاکتیک‌های سیاسی و مسلح بودن خود به انواع سلاح‌های جنگی، در برابر توطئه‌ها و انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان تاکنون از خود نشان داده‌اند.

توطئه خلع سلاح توده‌ها در سال‌های قبل از شروع جنگ، علیرغم آنکه بارها از سوی دولت‌های ارتجاعی وقت مطرح شد، هرگز موفق نگردید.

این آمادگی رزمی توده‌ها که حاصل شرایط ویژه‌های اجتماعی جامعه لبنان است اگر با نقائص وضعی فراوانی که در مصروف‌نوی‌های مبارز وجود دارد (که عدم وجود رهبری طبقه کارگر یکی از آنهاست) همراه نبود، بدون شک جنگ را بسوی سرانجامی اطمینان بخش و به نفع زحمتکشان رهگشا می‌شد، ولی ضعف‌ها، و انحرافات ایدئولوژیک و نقائص زیادی که در رهبری و سازماندهی مبارزات توده‌ها وجود دارد (و در اینجا مجال بحث و ذکر آنها نیست) تاکنون مانع از درهم‌نگشتن آنها گردیده و برعکس دشمن در جبهه وسیع و جهانی خود توانسته است ضربات دردناکی بر پیروان جنبش ملی لبنان و انقلاب فلسطین وارد آورد.

ما با مبالغه‌های متعددی درباره مبارزات کارگران و زحمتکشان لبنان، نقش‌آفرینانه نیروهای ارتجاعی داخلی و سیاست‌های ضد خلقی رژیم‌های عربی و دخالت‌های بین‌المللی و خنثی‌سازی و "اسرائیل" به جنوب لبنان در پیکار آورده‌ایم. در اینجا فقط اشاره می‌کنیم که فاشیست‌ها که از حمایت "اسرائیل" و نظامیان دست راستی برخوردارند "سعد حداد" را بخورد و تهدید و از سوی دیگر آمریکا، فرانسه و دیگر امپریالیست‌های

کیانوری مرتد و خیانت جدیدش

نظرا سلام هم همین است؟ ما رکسیم معتقد است دمکراسی پرولتری و سوسیالیستی عالیتترین شکل دمکراسی است، آیا نظرا سلام هم همین است؟ ما رکسیم معتقد است از نقطه نظرا جماعتی به لحاظ تاریخی و در دوران سرمایه داری پرولتاریا انقلابی ترین و پیگیرترین طبقه اجتماعی است، آیا نظرا سلام هم همین است؟ ما رکسیم بر آن است که حاکمیت طبقاتی بورژوازی را باید بطور قهر آمیز سرنگون ساخت و رفاه و زحمتکشان فقط تحت حاکمیت طبقاتی کارگران میسر است، آیا نظرا سلام هم همین است؟ و... کسی که با الفبای ما رکسیم لنینیسم آشنا شده باشد نمیتواند سریعا بفهمد که در تمام موارد فوق و مدها موردیگر دیدگاههای سوسیالیسم علمی و اسلام در تضاد آشکار قرار دارند کسی که مانند کیا نوری خائن نخواهد "بیطرفانه" قضاوت کند و بلکه با جانبداری و طرفداری از طبقه کارگر سخن بگوید، خواه هذگفت که ما رکسیم - لنینیسم ایدئولوژی پرولتاریا بوده و سوسیالیسم علمی راه نجات توده های زحمتکش بشمار میرود و از آنجا که این ایدئولوژی متکی به منافع طبقه کارگر است و هرگز و هرگز نمیتواند به دیدگاههای اسلام حتی یک سر و سوزن نزدیکی داشته باشد، سیاست طبقه کارگر در عرصه های اجتماعی و سیاسی جدا از دیدگاههای ایدئولوژیک ما رکسمیستی لنینیستی نمیتواند اندیشه ای بسایر در تمام عرصه ها نشان طبقاتی پرولتری را حمل میکند، فقط خائنین به سوسیالیسم مانند کیا نوری میتوانند ایدئولوژی پرولتاریا را از سیاست پرولتاریا جدا جلوه دهند و سوسیالیسم را به حراج بگذارند. چرا کیا نوری این مزدور سوسیال امپریالیسم ثوروی ما رکسیم را همطرازا سلام قرار میدهد؟ این امر از یک سو به این خاطر است که کیا نوری مرتد است یعنی به ما رکسیم لنینیسم اعتقاد ندارد و در آن تجدیدنظر کرده است. کیا نوری اگر چه مانند همه روشنفکران فریبکار بورژوازی میگوید "بیطرفانه" است اما موضع مشخصی دارد، او وقتی صحبت از گرایش خود به "اسلام" میکند در حقیقت گرایش خود به بورژوازی حاکم را به نمایش میگذارد. بمعنای دیگر او طرفدار بورژوازی بوده و در مکتب ریزوینیسیم پرورش پیدا کرده است و به همین خاطر حقیقت ما رکسیم را وارونه جلوه میدهد، از سوی دیگر کیا نوری ما رکسیم را به این خاطر نزدیک به "اسلام" نشان میدهد تا دل بورژوازی حاکم را بچنگ آورد. او بدین طریق با بورژوازی معامله میکند، او ما رکسیم را به حراج میگذارد تا رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی امتیازات حقیر دیگری به این دارودسته خائن اعطا کند. برآستی که ریزوینیسیم، نوکران سرمایه داران و دشمن طبقه کارگر و سوسیالیسم میباشد، ننگ و نفرت بر آن باد! * *

ریزوینیسیمها هرگز به سوسیالیسم علمی اعتقاد ندارند، آنها در حالیکه خود را "مارکسم" قلمداد میکنند سوسیالیسم علمی را در برابر بورژوازی به حراج میگذارند، اگر کمونیستها سوسیالیسم علمی و ما رکسیم لنینیسم را چراغ راهنمای خود و سلاح شکستناپذیری خود در مبارزه طبقاتی بشمار میرودند، ریزوینیسیمها سوسیالیسم را به کالائی تبدیل کرده اند و در معامله با بورژوازی حاکم میگویند به قیمت مناسبی آنرا بفروش رسانند. در کشور ما حزب توده مرتد در این معامله گری با بورژوازی و خیانت به ما رکسیم لنینیسم مهارت بسیار یافته دارد. در زمان شاه خائن حزب توده از ما رکسیم حرف میزد اما در اساس تئوریهایی و کردار خود جز خیانت به طبقه کارگر و دیگری انجام نمیداد. در زمان جمهوری اسلامی نیز حزب توده همان خط را با قدرت تمام تعقیب میکند چگونه؟ در کردار و تاخیر رژیم سرمایه داری حاکم، بسیار جاسوسی کردن علیه نیروهای کمونیست و انقلابی، با تاخیر سرکوب جنبش توسط جنایتکاران حاکم و... و در تئوری با تاخیر حمایت از بورژوازی، با نفی انقلاب و در یک کلام با نفی ما رکسیم لنینیسم این خیانت مشخص میشود. یکی از موارد بارز این خیانت همطرازا قرار دادن سوسیالیسم علمی با اسلام و نفی ماهیت طبقاتی پرولتری سوسیالیسم بشمار میرود. نورالدین - کیا نوری رئیس کل خیانتکاران توده ای اخیرا در ماهیه با مجله " جوانان امروز " درآینمورد میگوید: "شما یک مطلبی گفتید که من آنرا تأیید میکنم و آن این است که باید شما دارید به سوسیالیسم علمی گرایش پیدا میکنید یا به اسلام. واقعیت این است که این همان مطلبی است که ما از اول این دوران جدید و خیلی قبل از آن مطرح کردیم که بین دیدگاههای اجتماعی سیاسی سوسیالیسم علمی و اسلام انقلابی، اسلامی که ما مخمینی مظهر تعبیرش هست، در مقابل مربوط به اجتماع، به زندگی توده، خیلی نکات نزدیک به هم وجود دارد. این واقعیتی است. این اطلاعات سیاسی سیاست ما است. به این ترتیب تعجب نکنیم. اگر در بعضی از مسائل و وقتی واقعا بخوایم بیطرفانه و انسان دوستانه پیش برویم، می بینیم که خیلی از مسائلی که طرفداران اصیل سوسیالیسم علمی مطرح میکنند، عین همان مسائلی است که انقلابیون مسلمان از دیدگاه اسلامی مطرح میکنند." (مردم ۲۶ فروردین - تاکید از ما ست.)

آیا همانطور که کیا نوری مرتجع میگوید دیدگاههای اجتماعی و سیاسی سوسیالیسم علمی و اسلام به یکدیگر نزدیک است؟ نظرا رکسیم بر آن است که در عرصه سیاسی بنا به حکم تاریخ قدرت سیاسی پرولتاریا و با بمعنای دیگر دیکتاتوری پرولتاریا باید برقرار شود، آیا

بقیه از صفحه ۲ ضرورت...

اتحاد عمل نیروهای کمونیست و انقلابی در رابطه با تحقق اهداف ذکر شده، یک ضرورت میبرم و حیاتی است. هرگرایشی که بکوشد به این ضرورت پاسخ منفی دهد و با عیارت برداری انقلابی و خودداری از هرگونه نرمش و انعطاف، به منفی عملی این ضرورت بپردازد، بی شک در نهایت بسود بورژوازی تمام خواهد شد و تنها بابت گرایانه و یکتا رنستی بفرمان فاع جنبش انقلابی خلق و ایضا جنبش کمونیستی عمل خواهد نمود. با اعتقاد به چنین ضرورتی است که ما تلاش برای تأمین اتحاد عمل بین نیروهای کمونیست و انقلابی را در برپائی جشن اول ماه مه بحدول یک پلاتفرم انقلابی و با تکیه بر جنبه های مشترک مواضع انقلابی آنها، امری اصولی و میبرم میدانیم و انتظار منطقی ما نیز اینست که این نیروها با درک اهمیت این اتحاد عمل در شرایط کنونی، بدان پاسخ مثبت داده و یکبار دیگر صف متحد و انقلابی خود را در برابر ۱ - امپریالیسم، ۲ - فدا تقلاب حاکم و ۳ - نیروهای ریزوینیسیم و فدا تقلابی نظیر حزب توده و "اکثریت"... تحکیم نمایند.

زنده باد اول ماه مه!
زنده باد کمونیسم!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

غریبی و نیز ارتجاع عرب (مصر و سعودی) پشتیبانی میشوند هم اکنون خود را برای "تقسیم رسمی" لبنان آماده میکنند. آنها این هدف خائنه خود را که قدمی بسوی ایجاد یک "سراشیل دوم" در لبنان است از ابتدا تعقیب کرده اند. مقاومت دلیرانه توده ها و نیروهای مترقی تاکنون، مانع از تحقق این هدف ارتجاعی است و بخاطر همین مقاومت است که فائز لنینیستها اخیرا و بطور رسمی به آخرین "وسيله نجات" خود متوسل شده اند و طی بیانیهای که پس از بازگشت یک هیات که از طرف آنها به آمریکا رفته بود اخرا ما در شده، اعلام کرده اند که آمریکا باید "در صحنه لبنان حضور رسمی داشته باشد" و در واقع اینان همچون وان شوگاتوکی در ویتنام، اربابان آمریکا را با خود را به دخالت مستقیم دعوت کرده اند.

به یقین میتوان گفت که آمریکا اگر هم بخواد هدیرای جلوگیری از رشد و سرایت آتش انقلاب دمکراتیک - فدا میریالیستی خلقهای منطقه به چنین دخالتها بی دست بزند، ناسودی تاریخی خود را تسریع کرده است. با یکبار دیگر وضعی محکوم کردن توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی که علیه خلقهای قهرمان لبنان و فلسطین صورت میگیرد از مبارزات آنها علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع داخلی حمایت کرده خود را همسنگران در راه تداوم انقلاب دمکراتیک - فدا میریالیستی و در جهت تحقق سوسیالیسم میدانیم. پیروزیاندهمستی بین خلقهای ایران، لبنان و فلسطین!

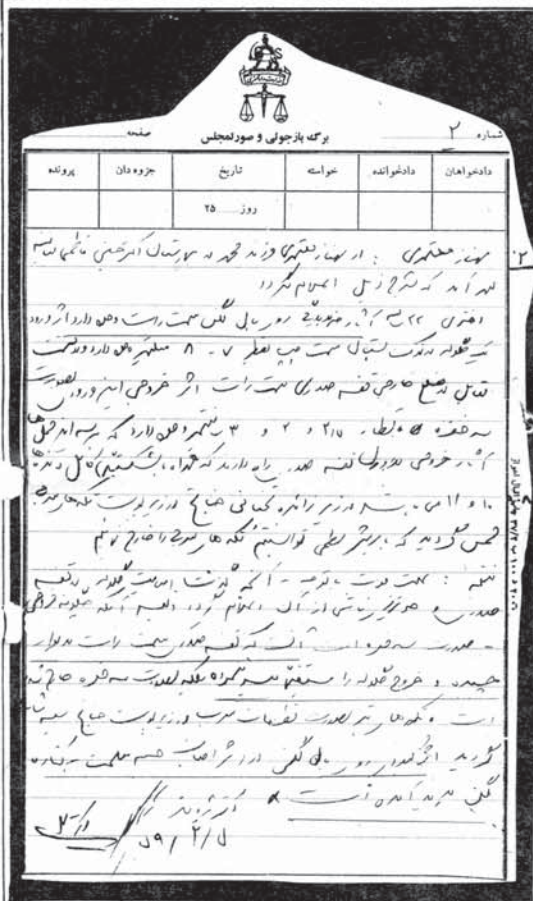
گرفته و بیش از ۶۰۰ خانه را ویران کرده و بیش از ۱۳ نفر از زخمی‌گشتان را دستگیر نمودند. فردی آترو زخمی‌گشتان به راهیماشی برداشته و در جاده قدیم تهران - کرج سه متوقف ساختن اتومبیلها و افشای رژیم خائن جمهوری اسلامی دست زدند، پاسداران باش، ماشین به محل آمده اما موفق نشدند به آنان راه را بکنند، دنبال آن چند روی ارتشی نیزه کمک پاسداران جهل و سرمایه میا بیند ، آری رژیم جمهوری اسلامی بخیار دیکتات گردید دشمن زخمی‌گشتان ما ست .

اولین سالگرد شهادت سرخ دو کمونیست قهرمان

رفیق مهناز معتمدی
د زندان جمهوری اسلامی - اهواز
۵۹/۲/۳

یکسال از شهادت سرخ رفیق پیکار و رفیق کمونیست مهناز معتمدی میگذرد. رفیق مهناز از زهرهوان راستین راه را هشتی زحمتکشان بود که در جریان یورش ارتجاع به دانشگاهها به شهادت رسید. رفیق مهناز ما شین نویسن شرکت ملی نفت در اهواز بود. رفیق که از زبان وفادار و رزمی و شجاعت و تشکیلات دانشجویان و دانش آموزان پیکار و بود و همواره در دفاع از آگاهگران و افشاگرهای سیاسی سازمان و هواداران بطور خلاق شرکت میکرد. مهناز در جریان تحصن طولانی و پیروزمندگانه آرموزان ما شین نویسن پیمانی شرکت نفت اهواز در سال ۱۳۵۸ نقش موثر و فعالی بعهده داشت. او که به رنج و استقامت زحمتکشان آگاه بود، در مبارزه برای نابودی سرمایه داری و وابسته و با عشق به انقلاب و سوسیالیسم علاوه بر شرکت در فعالیتهای مبارزاتی محیط کار خویش، در پیکار دانشجویان کمونیست و در پیوند با جنبش زحمتکشان فعالانه شرکت مینمود. رفیق مهناز در جریان یورش ارتجاع به دانشگاه اهواز دستگیر و همراه با گروهی از دختران کمونیست و انقلابی به کارآون موزی رزگان (دختره مسجد سلیمان) منتقل گردید. در زندان این دختران قهرمان میکنند. آنها را در سالنی جمع کرده و در کنار دیوار قرار میدهند و به اطرافشان تیراندازی میکنند. رفیق مهناز به این عمل وحشیانه پاداران اعتراض میکند. پاداران سرمایه موهایی رفیق را گرفته و به

وحشیانه ترین و جبری رفیق را زیر ضربات وحشیانه خود قرار میدهند و سپس او را به گوشه دیوار پست کرده و با شلیک مسلسل رفیق پیکار را به شهادت میرسانند. ارتجاع، مزدورانه شهادت رفیق را در اثر اشتباه و غیر عمدی اعلام نمود اما گواهی پزشکی قانونی روشن مینماید که رفیق قبلاً مورد شکنجه قرار گرفته و علائم ضرب دیدگی در کنار لگن پدید آمده است. و نیز رفیق مهناز هنگام اصابت گلوله از ناحیه قفسه صدری سمت راست بدیوار چسبیده بود. شنگ بر جلدان و مزدوران ارتجاع و بدینگونه رفیق مهناز معتمدی کمونیست قهرمانی بود که در جریان خد انقلاب فرهنگی که به سردمداری بنی صر و حزب جمهوری اسلامی صورت گرفت، حماسه سرخ مقاومت دانشجویان کمونیست و انقلابی را بخون خود سرخ ترک کرد. اگرچه هنوز دانشگاهها - ها اسیر پنجه های خونین ارتجاع است ولی مبارزه قهرمانانه توده ها که با خون سرخ مهنازها عجین گشته است، این سنگرهای آزادی و مقاومت را خواهد گشود. با در رفیق مهناز معتمدی، پیکارگر کمونیست جا و بیداد!



از متن سند پزشکی قانونی اهواز:
"ثابت گردید که روی بال لگن سمت راست وجود دارد. علت فوت: اصابت گلوله در قفسه صدری و خونریزی ناشی از آن اعلام میگردد و بعد آنکه چگونگی خروجی بصورت به حفره است، آنست که قفسه صدری سمت راست بدیوار چسبیده و خروج گلوله را مستقیماً میسر نموده است. اثر کبودی روی بال لگن در اثر اصابت جسم سخت به کنار لگن پدید آمده است."

رفیق پیشمرگه عبدالکریم شریتی د یورش جمهوری اسلامی به کردستان

۵۹/۲/۶

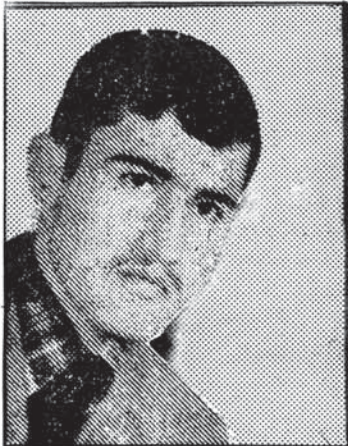
رفیق عبدالکریم شریتی در سال ۱۳۳۴ در بانه متولد شد و پس از تحصیل در بانه و تهران به استخدام شرکت مخابرات درآمد. کاک عبدالکریم در دوره تحصیل کار میکرد و بدین طریق با درد و رنج زحمتکشان آشنا میشد. او با آگاهی از وضع زندگی زحمتکشان به مبارزات سیاسی کشیده شد و پس از مدتی همکاری با "حزب دمکرات" را پذیرفت. یکی از چهره های مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه ادا مده بود در جریان قیام شکوهمند بهمن ۵۷، در کنار مردم قهرمان تهران در تصرف ساواک، پادگان عشرت آباد و کلانتری ۶ شرکت نمود. رفیق عبدالکریم پس از هجوم وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۵۸، به سنج رفت و در کنار خلق قهرمان کرد به مبارزه و مقاومت علیه تهاجم وحشیانه ارتجاع ادا مده داد.



رفیق شریتی در نتیجه آشنائی بیشتر با مبارزات کارگران و زحمتکشان و در اثر آشنائی با نظریات سازمان مادر تابستان ۵۸، به انتقاد کمونیستی از مشی خرده بورژوازی جریسی پرداخته و در بانه ۵۸، با حوزه سنج سازمان پیکار در ارتباط قرار گرفت. صداقت انقلابی کارآئی و ایمان او به آرمان والای کارگران سبب شد که رفیق به سرعت از سطح هوادار به کاندید عضو ارتقاء، یا به دیگران ۵۹، هنگامیکه مردم قهرمان سنج برای پیشگیری از حرکت ارتش مزدور در دروازه شهر اجتماع کرده بودند کاک کریم ضمن صحبت برای زحمتکشان قهرمان کرد گفت: "ما تا آخرین قطره خونمان خواهیم جنگید و از خلق دلاور کرد دفاع خواهیم نمود." او به گفته خود وفادار ماند.

رفیق پیشمرگه عبدالکریم شریتی در ششم اردیبهشت ۱۳۵۹ در بانه کسری ساختمان استادیاری پیچیده در صفحه ۴

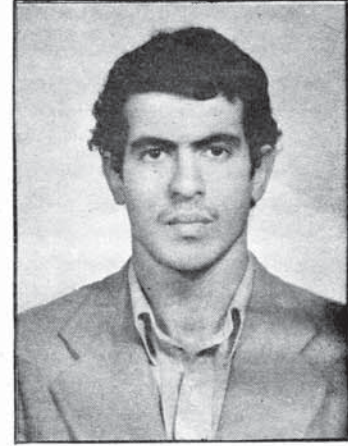
یاد پر شور رفقای کمونیست شهید گرامی باد!



مهدی موسوی قمی



فاطمه (طاهره) میرزا جعفر علاف



جمال شریف زاده شیرازی

* - متولد زنجان
* - از دانشجویان انقلابی دانشگاه صنعتی
* - مارکسیست-لنینیست
* - عضو فعال بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران
* - شهادت اول اردیبهشت ۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه

* - آشنائی با زندگی زحمتکشان در زندگسی روزمره خود
* - از زنان انقلابی عضو مجاهدین خلق
* - پذیرش مارکسیسم-لنینیسم در جریان تحولات درونی سازمان
* - عضو فعال بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق
* - شهادت اول اردیبهشت ۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه

* - دانشجوی انقلابی دانشگاه صنعتی
* - پیوستن به زندگی مخفی در سال ۵۳
* - پذیرش مارکسیسم-لنینیسم
* - عضویت در بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق
* - از رفقای فعال در زمینه شوریک
* - شهادت اول اردیبهشت ۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه

آرمان سرخشان جاوید باد!

بیاد کمونیست شهید، رفیق پیکارگر برزو امینی

اطلاع یافتیم که رفیق برزو امینی، از جوانان کمونیست روستای "نوگرون" امفیهان، در اثر تصادف اتوبوس در حادثه مسجد سلیمان - امفیهان به شهادت رسیده است.

رفیق برزو از هواداران صدیق سازمان ما و کمونیستی بود که در طول ۲ سال حاکمیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، لحظه‌ای از پیکار بر علیه آن نایستاد.

رفیق برزو با اینکه "منقذی خدمت ۵۶ بود ولی با اعتقاد به ارتجاعی بودن جنگ کمونی، فلاکت‌های ناشی از آن را برای زحمتکشان افشامیکرد. در مراسم سوگواری رفیق، مرتجعین و کارگزاران رژیم عوامفریبانه کوشیدند رفیق را از "خود" معرفی کنند و ادعا کردند که وی در "حین رفتن" داوطلبانه به جبهه جنگ بر اثر تصادف در گذشته است. "اما تبلیغات دروغین رژیم جمهوری اسلامی برای باطل کردن آرمان سرخ رفیق شهید ما در زحمتکشان ما ناشیری ندارد، آنها شیکه برزورامی شناختند، میدانند که رفیق ما، کمونیست پیکارگری بود که قلبش در راه آزادی طبقه کارگری بود. طبیب و ما توان خود را در خدمت انقلاب و پیروزی سوسیالیسم قراردادیم. با در رفیق برزو امینی را گرامی داشته و با اعتقاد راسخ به آرمان سرخ او، راهش را ادامه خواهیم داد.

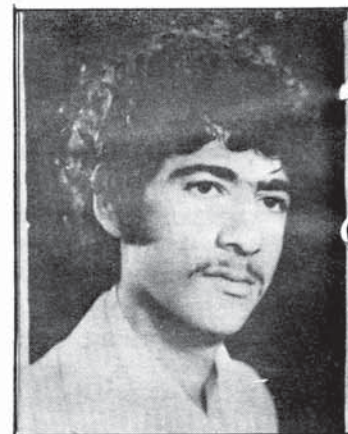
درود بر خاطر رفیق کمونیست، برزو امینی!

عشق و علاقه‌ای که به زندگی و مبارزات زحمتکشان داشت، با آرمان‌رهای بخش طبقه کارگر آشنا گشته

و آنرا پذیرفت. او در سال ۵۶ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و سال گذشته به ایران بازگشت. رفیق در مدت کوتاهی که از بازگشتش میگذشت در ارتباط با رفقای هوادار سازمان در شهر قم به فعالیت می‌رسانی پرداخت

خمسلیت‌های نوده‌ای و کمونیستی او از رفیق یک کمونیست صدیق و فعال ساخته بود و با طرهمیسی خصوصیات انقلابی و نوده‌ای مورد علاقه و احترام نوده‌ای بود. در بیگ کبیسماری زندگی مبارزاتی او را در صفوف سازمان ماکتاه کرد. با دش را گرامی میداریم!

درگذشت یک رفیق کمونیست



رفیق مجید اولیائی از هواداران سازمان ما بود که در اثر بیماری در روز ۱۲ اسفند ۱۳۵۹، در بیمارستان فاطمی قم درگذشت. رفیق مجید در ۱۹ خرداد ۳۲ در قم بدنیا آمد و در همانجا به مدرسه رفت. رفیق در سال ۱۳۵۵ با

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

فراخوان کمکهای مالی جهت افزایش تیراژ پیکار

رفقا، اعضا، هواداران!

هماکنون در شرایطی قرار داریم که با توجه به اهمیت و وسعت کارهای تبلیغی و فرهنگی که در پیش داریم، نیاز به کمکهای مالی داریم. در شرایطی که بودجه ما برای چاپ و توزیع نشریات و برگزاری کارگاهها و دورهای آموزشی و ... کاملاً ناکافی است. از شما خواهش میکنیم که با کمکهای مالی خود، به ما در این راه یاری کنید. هر چه بیشتر، بهتر. این کمکها میتواند به ما در گسترش فعالیتها و افزایش تیراژ پیکار کمک کند. برای اطلاعات بیشتر و نحوه کمک، با ما تماس بگیرید. شماره تماس: ۰۲۱-۱۲۳۴۵۶۷۸. آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰، واحد ۱۰۱.

یادداشتهای سیاسی هفته

دانشگاه به مثابه یکی از نهادهای کنونی آن، این دو انگیزه رژیم را به حرکتی کثرتگرایانه تبدیل کرده است. کشتاردها و دانشجوی انقلابی و کمونیست و تعطیل شدن دانشگاه این مرکز آگاهی و روشنگری بود. اگر انگیزه اول دوجناح رژیم، لیبرالها و جناح حزب و خمینی را به وحدت با یکدیگر برسر تعطیلی دانشگاهها کشانید، انگیزه دوم، درست نقطه اختلاف جدائی آنها بود. لیبرالها، بوسر سرکوب نیروهای انقلابی در دانشگاه و "پاکسازی" آن از وجود دانشجویان مبارز و آگاه با حزب جمهوری اسلامی وحدت کامل داشت. و درست به همین دلیل بود که بنی صدر، پس از پایان مقاومت قهرمانان نه دانشجویان در برابر اقدام ارتجاعی و تسلط بر دانشگاه، در سخنرانی خود در آن روز بیادماندنش را حمله و مقابله و دست دادن دانشجویان، اعلام کرد که "امروز روز استقرار حاکمیت دولت است." (نقل به معنی از سخنرانی بنی صدر در دانشگاه و در سال گذشته) اما لیبرالها خواهان آن بودند که پس از این "پاکسازی" و سرکوب، دانشگاه به محلی برای پرورش کادری و نیازهای انسانی و تخصصی رژیم سرمایه داری وابسته تبدیل گردد. آنها دانشگاه را به مثابه نهادهای برای ضرورتهای سرمایه داری نیاز داشتند. و درست از همین زاویه بود که با توطیهای ارتجاعی امثال خمینی در تضاد بودند. سردمداران حزب و خرده بورژوازی مرفه سنتی مرفه نظرات انگیزه اول همچنین با شعار برتری "ایمان" و "مکتب" بر "تخصص" و با هدف تبدیل دانشگاه به محل پرورش "مومنان" تسبیح بدستی که تنها با دستما به خود "مکتبی" خود را در برهه بقیه در صفحه ۶

پیرامون جنبش و جوش های رژیم برای بازگشایی دانشگاهها

از اوایل سال جدید، و یکسال پس از اقدام ارتجاعی تعطیلی دانشگاهها توسط رژیم، جنبش و جوشهایی در جهت بازگشایی دانشگاهها از جانب رژیم جمهوری اسلامی آغاز گردید. خمینی در پیام نوروزی خود، یکی از بندهای "رهنمودها" را به ضرورت بازگشایی دانشگاهها اختصاص داد. در ادامه این جنبش و جوشها، آیت الله خمینی در یکی از سخنرانیهای اخیر خود مجدداً بر این امر تاکید نمود و گفت: "من امیدوارم که امسال دانشگاهها آن مقدار که ممکن است بازگشود." (انقلاب اسلامی، شماره ۲۵ فروردین) و سرانجام سه روز پس از علانیات آغازی ستاد با صلاح انقلاب فرهنگی، یکی از اعضای آن اعلام داشت که دانشکده فنی و پزشکی و کشاورزی دانشگاه تهران بازگشایافته است. اما رژیم بفرجهای زکندن دانشگاهها جریان تعطیلی دانشگاهها پی برده که به چنین اقدامی مبادرت میورزد؟ هم آری و هم نه! علت اقدام جدید رژیم را باید در اهداف و انگیزه های رژیم ارتجاعی دانشگاه در سال گذشته جستجو نمود. واقعیت این است که در آن زمان دو دلیل اساسی باعث چنین حرکتی از سوی رژیم گردید. اول، تبدیل دانشگاهها به کانون فعال روشنگری و فعالیت دانشجویان انقلابی و بویژه کمونیست و دوم توطی ارتجاعی رهبران خرده بورژوازی مرفه سنتی مبنی بر بازگشت به قرون وسطی و پیوند دادن آن با حوزه های علمی و بطور کلی تحمیل یک فرهنگ وروابط عقب مانده و ارتجاعی و بازمانده از قرون تاریک گذشته برواقمیت های یک جامعه سرمایه داری و

در صفحات دیگر این شماره:

- ضربه سنگین پیشمرگان پیکار به مزدوران
- شکست انقلابیون: مایه افتخار جمهوری اسلامی!
- جباول ۷ میلیون تومانی رژیم از دسترنج کارگران
- کیانوری مرتد و خیانت جدیدش
- گرامی باد خاطره شهیدان کمونیست!

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست